

# فهرست

شهرآه صغیر

عنوان

درس

## عربی زهر

۸	..... ذاك هو الله	الدرس الأول
۳۶	..... أُمُوعِطُ الْعَدَدِيَّةُ	الدرس الثاني
۵۴	..... مَطَرُ السَّمَكِ - أَلْتَعَائِشُ السَّلْمِيَّ	الدرس الثالث و الرابع
۸۵	..... هذا خلق الله	الدرس الخامس
۱۰۷	..... ذو القرنين	الدرس السادس
۱۲۷	..... يا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ	الدرس السابع
۱۴۳	..... صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ	الدرس الثامن

## عربی یازدهم

۱۶۱	..... مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ	الدرس الأول
۱۸۱	..... فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ	الدرس الثاني
۱۹۸	..... عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ	الدرس الثالث
۲۱۵	..... آدَابُ الْكَلَامِ	الدرس الرابع
۲۳۱	..... الْكِذْبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ	الدرس الخامس
۲۴۸	..... أَنَّهُ مَارِي شِيمَل	الدرس السادس
۲۶۶	..... تَأْتِيْرُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ	الدرس السابع

## پاسخ نامه

۲۸۷	.....	پاسخ نامه تشریحی
۴۲۸	.....	پاسخ نامه کلیدی

# مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

اسْمُ التَّفْضِيلِ وَاسْمُ الْمَكَانِ

## أوزان الأسماء

یاد گرفتیم که وزن اسم‌ها در ترجمه آن‌ها تأثیرگذار است و در همین رابطه با اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه آشنا شدیم که خلاصه آن در ادامه آمده است:

اسم فاعل	ثلاثی مجرد	وزن فاعل	شاعر، حافظه، عالمان، صادقین و ...
			هادی، شاکي، ساعي، راعي و ... (فاعي)
			أخِر، أَيْسَف، أَمْر، أَجَل و ... (أَجَل)
			جمع مكثر
ثلاثی مزید	مُـ ـ ـ ←	مُفْسِد، مُكَبِّر، مُتَقَدِّم، مُسْتَحْدِم	فُعَال ← تُقَار، حُرَّاس، تُجَار و ...
			فُعَلَةٌ ← طَلَبَةٌ، خَدَمَةٌ، كُفْرَةٌ و ...
			فُعَلَاء ← شُعْرَاء، فُضَلَاء، صُلَحَاء و ...

اسم مفعول	ثلاثی مجرد	وزن مفعول	مُعْرُوف، مَشْهُورَةٌ، مَظْلُومِيْنَ، مَخْلُوقَات و ...
			مَهْدِي، مَرْضِي، مَخْفِي و ... (مَفْعِي)
			جمع مكثر ←
ثلاثی مزید	مُـ ـ ـ ←	مُطَهَّر، مُحْتَرَم، مُنْزَل و ...	مَفَاعِيل ← مَفَاهِيم، مَحَاصِيل، مَشَاهِير و ...

(تذکره) مصدرهایی که بر وزن «مُفَاعَلَةٌ» هستند را با اسم مفعول اشتباه نگیریم.

اسم مبالغه	وزن فُعَال ←	عَلَام، شَكَاك، زُرَّاق، كَذَاب، سِتَار و ...
	وزن فُعَالَةٌ ←	فُهَامَةٌ، عَلَامَةٌ، حَتَانَةٌ و ...

(تذکره) اگر وزن‌های «فُعَال» یا «فُعَالَةٌ» بر شغل یا وسیله‌ای دلالت کنند، اسم مبالغه به حساب نمی‌آوریم:

فَتَّاحَةٌ (دربازکن) - نَلَّاجَةٌ (بخچال) - فَلَاحٌ (کشاورز) - حَبَّازٌ (نانوا) و ...

### پیشخوان

- ① اسم تفضیل با چه وزن‌هایی ساخته می‌شود؟! (1)
- ② اسم‌های تفضیل خاص کدام‌اند؟! (2)
- ③ اسم‌های تفضیل را چگونه ترجمه کنیم؟! (3)
- ④ اسم مشتق چگونه اسمی است؟! (4)
- ⑤ اسم‌های تفضیل را چگونه از کلمات دیگر تشخیص دهیم؟! (5)
- ⑥ «خیر و شر» چه خاصیت ویژه‌ای دارند؟! (6)
- ⑦ اسم مکان چه اوزانی دارد؟! (7)

و حالا در ادامه این بحث می‌خواهیم وزن‌ها و ساختارهای جدیدی را بشناسیم که در ترجمه اسم‌ها تأثیر دارد.

## اسم تفضیل

به جملات زیر دقت کنید:

① علی از دوستان خود **داناتر** است.

② این ماشین **زیباترین** ماشین جهان است.

گاهی می‌خواهیم بین انسان‌ها یا اشیاء، مقایسه‌ای انجام بدهیم تا بدانیم کدام یک برتر هستند. در زبان فارسی برای این کار از صفت عالی یا صفت تفضیلی کمک می‌گیریم و در زبان عربی از اسم تفضیل برای این کار استفاده می‌شود.

برای ساخت اسم تفضیل در عربی از وزن‌های زیر استفاده می‌کنیم.

**أفعل** (برای مذکر) ← **أَجْمَلُ، أَحْسَنُ، أَكْثَرُ، أَفْضَلُ، أَضْذَقُ** و ...

**فَعْلَى** (برای مؤنث) ← **حُسْنَى، عَظْمَى، دُنْيَا** و ...

پس برای نوشتن همان جملات به زبان عربی به روش زیر عمل می‌کنیم:

① **عَلِيٌّ أَكْبَرُ مِنْ أَسْدِقَائِهِ!**

② **هَذِهِ السَّيَّارَةُ أَجْمَلُ السَّيَّارَاتِ فِي الْعَالَمِ!**

### تست عین ما لیس فیہ اسم التفضیل:

① ﴿لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ (۲) **الدُّنْيَا** مزرعة الآخرة! (۳) ﴿وَجَزَاءٌ سَيِّئَةً سَيِّئَةً مِّثْلَهَا﴾ (۴) ﴿وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

**پاسخ** گزینه «۳» در این گزینه، کلمه‌ای بر وزن **أفعل** یا **فَعْلَى** دیده نمی‌شود، ولی در گزینه‌های دیگر:

گزینه (۱): «حُسْنَى» بر وزن «فَعْلَى» و اسم تفضیل است. / گزینه (۲): «الدُّنْيَا» بر وزن «فَعْلَى» و اسم تفضیل است. / گزینه (۴): «أَكْثَرُ» بر وزن «أفعل» و اسم تفضیل است.

### نکات تکمیلی

① اسم‌های تفضیل ممکن است با کمی تغییر ظاهری در جمله حضور پیدا کنند، یعنی با وزن‌های زیر دیده می‌شوند:

✓ **أَفْئَلٌ** ← **أَهْمٌ، أَحَبُّ، أَشَدُّ، أَحْضُ، أَجَلٌ** و ...

✓ **أَفْعَى** ← **أَعْلَى، أَحْفَى، أَعْلَى، أَتْقَى** و ...

**تذکر** کلماتی که بر وزن «أَفْعَى» هستند اگر به یک ضمیر متصل شوند، «الف» آن‌ها به صورت کشیده نوشته می‌شود، یعنی به صورت «أَفْعَا» دیده می‌شوند.

**مثال** **أَتَّقَى + كَمْ** ← **أَتَّقَاكَمْ**

### تست عین عبارة لیس فیها اسم التفضیل:

① من أهم أسباب قطع التواصل بين الناس، الغيبة!

② **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بَيْنَ الْعِبَادَاتِ أَخْفَاهَا!**

③ **الجهل أشد الأمراض للمجتمع!**

④ **رَأَيْتُ إِحْدَى زَمِيلَاتِي فِي مَعْرَضِ الْكِتَابِ!**

**پاسخ** گزینه «۴» در این گزینه، اسمی که بر وزن «أفعل» یا «فَعْلَى» باشد، دیده نمی‌شود. دقت کنید که «إِحْدَى» با کسر شروع شده و اسم تفضیل نیست. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «أَهْمٌ» بر وزن «أَفْئَلٌ» بوده و اسم تفضیل است. / گزینه (۲): «أَخْفَاهَا» در اصل «أَخْفَى + هَا» بوده، پس «أَخْفَى» بر وزن «أَفْعَى» یک اسم تفضیل است. / گزینه (۳): «أَشَدُّ» بر وزن «أَفْئَلٌ» یک اسم تفضیل است.

① اسم‌های تفضیلی که بر وزن «أفعل» هستند معمولاً بر وزن «أفَاعِلٌ» جمع بسته می‌شوند.

**مثال** **أكبر جمع** ← **أكابر**      **أعظم جمع** ← **أعاطم**      **أفضل جمع** ← **أفاضل**

② **رنگ‌ها و عیب‌ها** گاهی بر وزن **أفعل** می‌آیند که نباید آن‌ها را اسم تفضیل بگیریم.

**مثال** «أَخْضَرُ (سبز)، أَخْمَرُ (سرخ)، أَرْزَقُ (آبی)، أَضْفَرُ (زرد)، أَسْوَدُ (سیاه)، أَبْيَضُ (سفید)، أَحْمَقُ (نادان)، أَعْرَجُ (لنگ)

### تست عین ما فیہ اسم التفضیل:

① **إِشْتَرَى أَبِي لِأَخْتِي الصَّغِيرَةِ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ!**

② **مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ!**

③ **لَاعِبُو هَذَا الْفَرِيقِ لَهُمْ ثَوْبٌ أَخْضَرُ!**

④ **أَصْبَحَ مَطَرُ السَّمَكَ ظَاهِرَةً تُحْتَرِّ النَّاسَ!**

**پاسخ** گزینه «۲» «أَفْضَلُ» بر وزن **أفعل** بوده و اسم تفضیل به حساب می‌آید.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «أَسَاوِرُ» ظاهراً بر وزن «أفَاعِلٌ» است اما این کلمه، جمع «سوار» به معنای «دستبند» است و اسم تفضیل به حساب نمی‌آید.

گزینه (۳): «أَخْضَرُ» به معنای «رنگ سبز» است و اسم تفضیل نیست.

گزینه (۴): «أَصْبَحَ» فعل ماضی و به معنای «شد» است و نباید آن را اسم تفضیل بگیریم.

نسخه سه نوع «أفعل» را تا حالا شناخته‌اید که باید بتوانید آن‌ها را از هم تشخیص بدهید:

اسم تفضیل ← أَفْضَل، أَطْيَب و ...	أفعل
رنگ و عیب ← أَحْضَر، أَحْمَق و ...	
فعل ← أَكْرَم، أُنْزَلَ، أَصْبَح و ...	

کلمه «آخر» اسم تفضیل به حساب می‌آید<sup>۱</sup> و مؤنث آن «أخزی» است؛ سعی کنید تفاوت آن را با «آخر» به خاطر بسپارید.

آخر	آخر	
اسم فاعل	اسم تفضیل	نوع کلمه
پایان	دیگر	ترجمه
أخزّة	أخزی	مؤنث

برای مقایسه میان مؤنث‌ها هم از وزن أفعل استفاده می‌کنیم.

مثال: مريم أعلم من فاطمة.

اگر بخواهیم اسم تفضیل را به عنوان صفت یک اسم مؤنث به کار ببریم، غالباً از همان وزن «فعلی» کمک می‌گیریم.

مثال: دانش‌آموز دیگر }  
 • تلمیذ آخر  
 مکرر  
 • تلمیذة أخزی  
 مؤنث

تست عین المناسب للفراغ: «أختي ..... تعمل في المستشفى و تخدم المرضى!»:

(۴) الكبیری

(۳) الثاني

(۲) الآخر

(۱) الكبير

پاسخ: گزینه «۴» می‌خواهیم برای «أخت» صفت بیاوریم پس باید صفت آن مؤنث باشد. در بین گزینه‌ها تنها «الکبری» مؤنث است: «خواهر بزرگ‌ترم در بیمارستان کار می‌کند و به بیماران خدمت می‌کند».

### خبر و شَر

دو کلمه «خیر» و «شَر» با این‌که بر وزن «أفعل» نیستند اما گاهی اسم تفضیل به حساب می‌آیند. برای تشخیص این مورد باید طبق دستور زیر عمل کنیم: اگر کلمه «خیر» در جمله، معنای «بهتر یا بهترین» و کلمه «شَر» معنای «بدتر یا بدترین» بدهد، اسم تفضیل به حساب می‌آید.

مثال: تفكّر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة (ساعتی اندیشیدن از عبادت هفتاد سال بهتر است).

در این عبارت «خیر» معنای «بهتر» می‌دهد پس اسم تفضیل است.

• مَنْ یعمل مثقال ذرة خیراً یره (هر کس ذره اندکی خوبی انجام بدهد، آن را می‌بیند).

در این عبارت، «خیر» معنای «خوبی» می‌دهد، پس اسم تفضیل نیست.

تست عین ما لیس فیہ اسم التفضیل:

(۲) خیر الناس من له خلق حسن!

(۱) الوحدة خیر من جلیس السوء!

(۴) هذا خیر عمل یحبّ الله و رسوله!

(۳) من دعاك إلى الخیر فهو صدیقك!

پاسخ: گزینه «۳» در این گزینه، «خیر» معنای «خوبی» می‌دهد، پس اسم تفضیل نیست: «هر کس تو را به خوبی دعوت کند، دوست توست». در سایر گزینه‌ها «خیر» معنای «بهتر» یا «بهترین» می‌دهد پس اسم تفضیل است:

گزینه (۱): تنهایی بهتر از همنشین بد است!

گزینه (۲): بهترین مردم کسی است که اخلاق نیک داشته باشد!

گزینه (۴): این بهترین کاری است که خداوند و فرستاده‌اش آن را دوست دارند!

۱- «آخر» در اصل «آخر» بوده است!

- ۱) اگر بعد از «خیر» یا «شَر» حرف «مِن» آمده باشد، می‌توانیم بدون ترجمه بگوییم اسم تفضیل هستند.
- ۲) «خیر» و «شَر» اگر «ال» داشته باشند، اسم تفضیل نیستند.
- ۳) جمع «خیر»، «أخيار» و جمع «شَر»، «شُرور» و «أشرار» است.

## اسم مکان

اسم مکان به کلمه‌ای گفته می‌شود که به «مکان انجام فعل» اشاره می‌کند. مثلاً «مُعْبَد» یعنی «محل عبادت» یا «مُعْرَب» یعنی «محل غروب» یا «مزرعة» یعنی محل «کشت و زرع»!

اسم‌های مکان بر یکی از وزن‌های زیر ساخته می‌شوند:

- ۱) مَفْعَل ← مَعْبَد (عبادتگاه)، مَطْبَخ (آشپزخانه) و ...
- ۲) مَفْعِل ← مَنَزَل (خانه)، مشرق (محل طلوع) و ...
- ۳) مَفْعَلَة ← مَدْرَسَة، مَرْزَعَة و ...

### تست عین عبارت ما جاء فيها اسم المكان:

۲) هم لا يجعلون في المخازن شيئاً للمحتاجين!

۴) ﴿هو أعلم بمن ضل عن سبيله و هو أعلم بالمهتدين﴾

۱) مقبرة «حافظ» تقع في مدينة شيراز!

۳) ذلك متجر زميلي و له سراويل أفضل!

**پاسخ** گزینه «۴» در این جمله «مُهْتَدِي» با «مِه» شروع شده و عین‌الفعل آن کسره دارد، پس اسم فاعل است؛ اما در گزینه‌های دیگر به ترتیب، «مقبرة» (بر وزن «مَفْعَلَة»)، «المخازن» (جمع «مَحْزَن» بر وزن «مَفْعَل») و «مَتَجَر» (بر وزن «مَفْعَل») همگی اسم مکان هستند.

- ۱) کلماتی که بر وزن «مَفْعَل»، «مَفْعِل» یا «مَفْعَلَة» هستند را با وزن «مَفَاعِل» جمع می‌بندیم. پس برای پیدا کردن اسم‌های مکان وزن «مَفَاعِل» را هم باید در نظر داشته باشیم. مَرْزَعَة ← مَزَارِع مَعْبَد ← مَعَابِد مَنَزَل ← مَنَازِل
- ۲) اسم‌های مکان ممکن است گاهی تغییراتی در ظاهرشان دیده شود؛ یعنی ممکن است آن‌ها را بر وزن‌های زیر ببینیم: مَفَال ← مَزَار، مَدَار، مَكَان، مَقَام و ... مَفْعَى ← مَرْمَى (دروازه)، مَأْوَى (پناهگاه)، مَقَهَى (قهوه‌خانه) و ...

### تست عین ما ليس فيه اسم المكان:

۲) يعجبني حارس مرمى فريق السعادة جداً!

۴) ربي هو منزل القرآن لهداية جميع أبناء البشر!

۱) لا تطلب العلم للوصول إلى مناصب دنيوية!

۳) بعد أيام وجدنا مكاناً مناسباً لبناء بيتنا!

**پاسخ** گزینه «۴» در این گزینه، «مَنَزَل» اسم فاعل است چون با «مِه» شروع شده و عین‌الفعل آن کسره دارد: «نازل کننده».

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه (۱): «مناصب» ← جمع «مُنْصَب» بر وزن «مَفْعَل» ← اسم مکان

گزینه (۲): «مَرْمَى» ← بر وزن «مَفْعَى» ← اسم مکان

گزینه (۳): «مکان» ← بر وزن «مَفَال» ← اسم مکان

- ۲) اسم‌هایی را که معنای مکان دارند ولی با وزن‌های بالا مطابقت ندارند اسم مکان نمی‌گیریم. پس کلماتی مانند «بیت (خانه)، زقاق (کوچه) و ...» اسم مکان به حساب نمی‌آیند.

## اسم مشتق

در عربی به اسم‌هایی که براساس وزن و قاعده خاصی از روی فعل‌ها ساخته می‌شوند، اسم مشتق می‌گویند. پس گروه‌های زیر همگی مشتق هستند:

- ۱) اسم فاعل
- ۲) اسم مفعول
- ۳) اسم مبالغه
- ۴) اسم تفضیل
- ۵) اسم مکان

یعنی اگر خواستیم مشتق‌ها را بشماریم یا پیدا کنیم باید دنبال تک‌تک این موارد بگردیم.

**تست** عین عبارة لیس فیها اسم مشتق:

- (۱) الذلافین ترشد الإنسان إلى مکان غرق سفینة!  
 (۲) سبحان ربی الأعلى و بحمده!  
 (۳) یستخدم المزارعون شجرة التفت کسجاص لصیانة ثمراتهم!  
 (۴) هذا علم تُطالَع فیهِ طریقة معالجة أمراض القلب!  
**پاسخ** گزینه «۴» در این گزینه، اسم مشتقی وجود ندارد. دقت کنید که «مُعَالَجَة» بر وزن «مُفَاعَلَة» مصدر است و مصدرها مشتق به حساب نمی آید. بررسی سایر گزینه ها:

گزینه (۱): «مکان» بر وزن «مَفَال» اسم مکان است، پس مشتق به حساب می آید. / گزینه (۲): «أعلى» بر وزن «أَفْعَى»، اسم تفضیل است، پس این کلمه هم مشتق است. / گزینه (۳): «مُزارع» اسم فاعل ثلاثی مزید است و جزء مشتقها در نظر گرفته می شود.

## کارگاه ترجمه

### ترجمه اسم تفضیل

- همان طور که گفته شد، اسم تفضیل برای مقایسه استفاده می شود؛ پس برای ترجمه آن ها از «صفت + تر یا ترین» کمک می گیریم: أَجْمَلُ (زیباتر، زیباترین)، أَكْثَمُ (داناتر، داناترین) و ... اقا برای ترجمه دقیق تر این اسمها به موارد زیر دقت کنید:
- اگر بعد از اسم تفضیل حرف «مِنْ» بیاید، آن را به صورت صفت برتر فارسی (صفت + تر) ترجمه می کنیم.
- مثال** • ثوبی أَرْخَصَ مِنْ ثوبِ صِدِیقِی ← لباس من از لباس دوستم ارزان تر است.
- هَلْ شَاهَدْتَ أَجْمَلَ مِنْ هَذِهِ الْمَنْظَرَةِ؟ ← آیا زیباتر از این منظره دیده ای؟
- اگر همراه اسم تفضیل، یک مضاف الیه داشته باشیم، اسم تفضیل را به صورت صفت عالی فارسی (صفت + ترین) ترجمه می کنیم.
- مثال** • أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ ← برترین مردم کسی است که بر هوا و هوس خود غلبه کند!
- أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا أَحْفَاهَا ← بزرگترین عبادت از نظر پاداش، پنهان ترین آن است!

**تست** عین التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةُ: «أَحَبُّ إِخْوَانِي مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي»:

- (۱) برادر محبوب من کسی است که عیبهای من را به من بازگوید! (۲) برادرانم را دوست دارم؛ زیرا عیبهایم را به من هدیه می کنند!  
 (۳) محبوبترین برادران من کسی است که عیبهای من را به من هدیه کند! (۴) کسی که عیب من را به من هدیه کند، محبوبترین برادر من است!  
**پاسخ** گزینه «۳» «أَحَبُّ» بر وزن «أَقْلُّ» به معنای «محبوبترین» است؛ پس گزینه های (۱) و (۲) نمی توانند درست باشند. «إخوان» و «عیوب»، هر دو، جمع هستند ولی در گزینه (۴) به صورت مفرد ترجمه شده اند؛ بنابراین گزینه (۳) پاسخ صحیح است.

### نکات ترجمه متن

- قد + فعل مضارع: وقتی حرف «قَدْ» به همراه فعل مضارع بیاید به معنای «شاید، گاهی، ممکن است و ...» است.
- مثال** • قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا ← ممکن است در بین مردم کسی باشد که از ما بهتر است.
- قَدْ نَصُرْنَا أَمَانًا الْكَثِيرَةَ ← گاهی آرزوهای زیادمان، به ما ضرر می ساند.
- بعض ... بعض:
- وقتی دو کلمه «بعض» در کنار هم قرار بگیرند، در ترجمه، از لفظ «یکدیگر» استفاده می کنیم.
- مثال** • يَسْأَلُ بَعْضُ التَّلَامِيذِ بَعْضًا عَنِ مَوْعِدِ الْإِمْتِحَانِ ← دانش آموزان از یکدیگر درباره زمان امتحان سؤال می کنند.
- لَا يَغْتَبُّ بَعْضُكُمْ بَعْضًا ← نباید غیبت یکدیگر را کنید.
- «بِئْسَ» و «يَغْمُ»:
- کلمه «بِئْسَ» معنی «بد است» می دهد و برای بیان احساسمان درباره یک عمل زشت یا فرد بد به کار می رود.
- مثال** • بِئْسَ الْقَوْلُ الْكَذِبُ ← دروغ، بد سخنی است! • بِئْسَ الرَّجُلُ الْكَاذِبُ ← دروغگو، بد مردی است!
- کلمه «يَغْمُ»<sup>۱</sup> معنی «خوب است» می دهد و برای تعریف کردن از یک فرد خوب یا کار پسندیده استفاده می شود.
- مثال** • مُسَاعَدَةُ الْفُقَرَاءِ نِعْمَ الْعَمَلُ ← کمک کردن به فقیران، خوب کاری است!
- نِعْمَ الْمُؤْمِنُ الْمُؤْمِنُ الْمُخْلِصُ ← مؤمن بااخلاص، خوب مؤمنی است!

۱- نباید آن را با «نعم» به معنی «بله» اشتباه بگیریم.

**أَتَمَّم:** کامل می‌کنم (تَمَم، يَتَمَّم)  
**إِثْم:** گناه  
**اِسْتَهْزَأ:** ریشخند کردن (اِسْتَهْزَأ، يَسْتَهْزِئُ)  
**اِغْتَاب:** غیبت کرد (اِغْتَاب، يَغْتَابُ)  
**بَعْض:** ... بعض: یکدیگر  
**تَجَسَّس:** جاسوسی کرد (تَجَسَّس، يَتَجَسَّسُ)  
**تَسْمِيَةٌ:** نام‌دادن، نامیدن (سَمَى، يُسَمِّي)  
**تَوَاب:** بسیار توبه‌پذیر، بسیار توبه‌کننده  
**جَادَل:** ستیز کرد (جَادَل، يُجَادِلُ)  
**حَسَن:** نیکو گردانید (حَسَن، يُحَسِّنُ)  
**زَمِيل:** همکار  
**سَاتِر:** پنهان‌کننده  
**ضَلَّ:** گمراه شد (ضَلَّ، يَضِلُّ)  
**عَذَّب:** عذاب داد (عَذَّب، يُعَذِّبُ)  
**فُسُوق:** آلوده شدن به گناه  
**قَدَّ:** گاهی، شاید (بر سر فعل مضارع)  
**كِرَّة:** ناپسند داشت (كِرَّة، يَكْرَهُ)  
**لَقَّب:** لقب داد (لَقَّب، يُلَقِّبُ)  
**مَتَجَر:** مغازه  
**مَصْنَع:** کارخانه  
**مَطْبَعَة:** چاپخانه  
**مَلْعَب:** ورزشگاه  
**مُهْتَدِي:** هدایت‌شده  
**مِيزَان:** ترازو (ترازوی اعمال)  
**نَهَى:** بازداشت، نهی کرد (نَهَى، يُنْهَى)

السَّغَر = التَّنَن (بها)  
 عَسَى = زُيْمَا (شاید، ممکن است ...)  
 اِلسْتِهْزَاء = اِلسَّخْرِيَّة (مسخره کردن)  
 يَنْهَى = يَمْنَعُ (منع می‌کند)

بَشَس (چه بد است) = يَنْعَمُ (چه خوب است)  
 الخَفِي (پنهان) = الظَّاهِر (آشکار)  
 يَكْرَهُ (ناپسند می‌داند) = يُحِبُّ (دوست دارد)  
 ضَلَّ (گمراه شد) = اِهْتَدَى (هدایت شد)  
 الرُّخِيص (ارزان) = الغالي (گران)  
 سوء الظَّن (بدگمانی) = حَسْنُ الظَّن (خوش‌گمانی)

**اَتَّقَى:** پروا کرد (اَتَّقَى، يَتَّقِي)  
**أَثَقَل:** سنگین تر  
**أَدْعَى:** دعوت کن (دَعَا، يُدْعُو)  
**أَشْرَى:** شبانه حرکت داد (أَشْرَى، يُسْرِي)  
**بَشَس:** چه بد است  
**بَنَفْسَجِي:** بنفش  
**تَخْفِيف:** تخفیف  
**تَنَابُزٌ بِالْأَلْقَاب:** به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ)  
**تَوَاضَل:** ارتباط  
**حَرَمَ:** حرام کرد (حَرَمَ، يُحَرِّمُ)  
**خَفِيَ:** پنهان  
**سَاءَ:** بد شد (سَاءَ، يَسُوءُ)  
**سِغَر:** قیمت (جمع: أشعار)  
**عَابَ:** عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد (مضارع: يَعِيبُ)  
**عَسَى:** شاید  
**فَضَح:** رسوا کردن  
**كِبَائِرُ:** گناهان بزرگ (مفرد: كِبِيرَةٌ)  
**لَحْم:** گوشت (جمع: لُحُوم)  
**لَمَزَ:** عیب گرفت (لَمَزَ، يُلْمِزُ)  
**مَخْرَن:** انبار  
**مَطْبَخ:** آشپزخانه  
**مَطْعَم:** رستوران  
**مَنْزِل:** خانه  
**مَيْت:** مرده (جمع: أموات، مؤتَي)  
**نوعِيَّة:** جنس

بَشَس (چه بد است) = يَنْعَمُ (چه خوب است)  
 الخَفِي (پنهان) = الظَّاهِر (آشکار)  
 يَكْرَهُ (ناپسند می‌داند) = يُحِبُّ (دوست دارد)  
 ضَلَّ (گمراه شد) = اِهْتَدَى (هدایت شد)  
 الرُّخِيص (ارزان) = الغالي (گران)  
 سوء الظَّن (بدگمانی) = حَسْنُ الظَّن (خوش‌گمانی)

بَشَس (چه بد است) = يَنْعَمُ (چه خوب است)  
 الخَفِي (پنهان) = الظَّاهِر (آشکار)  
 يَكْرَهُ (ناپسند می‌داند) = يُحِبُّ (دوست دارد)  
 ضَلَّ (گمراه شد) = اِهْتَدَى (هدایت شد)  
 الرُّخِيص (ارزان) = الغالي (گران)  
 سوء الظَّن (بدگمانی) = حَسْنُ الظَّن (خوش‌گمانی)

# پرسشہا چھ گزینہ کی

## واٹرکان

۱۰۳۱- ..... اللہ التَّجَسُّسُ فِي أُمُورِ الْآخِرِينَ لِأَنَّهُ يُسَبِّبُ كَشْفَ أَسْرَارِهِمْ وَ ..... هُمْ! »

(۱) مَنَعَ - فُسُوقِ (۲) سَمَّى - إِيْمِ (۳) حَزَمَ - فَضَحَ (۴) عَابَ - إِسْتِهْزَاءِ

۱۰۳۲- أكمل الفراغين:

«تَعَالَى نَذَهَبَ إِلَى ..... زَمِيلِي ثُمَّ ..... مِنْهُ فَسْتَأْنَأُ»:

(۱) حَانُوتٍ / نَأْكُلُ (۲) مَطْعَمٍ / إِسْتَرْزِنَا (۳) مَتَجَرٍّ / نَشْتَرِي (۴) مَكْتَبَةٍ / نَطَالَعُ

۱۰۳۳- عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي أَجْوِبَةِ الْأَسْئَلَةِ لِلْحَوَارَاتِ التَّالِيَةِ:

(۱) بِكُمْ تَوْمَانِ هَذِهِ الْفُسَاتِينِ؟ خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ أَلْفًا!  
(۲) كَمْ صَارَ الْمِبْلَغُ؟ أَصْبَحَ مِثْلَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفًا!  
(۳) هَلْ لَكَ أَرْخَصٌ مِنْ هَذَا؟ نَعَمْ عِنْدَنَا أَبْيَضٌ وَ أَسْوَدًا!  
(۴) هَلْ تَرِيدُ سِرْوَالًا أَكْبَرَ مِنْ هَذَا؟ نَعَمْ أُرِيدُ أَكْبَرَ مِنْ هَذَا!

۱۰۳۴- عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي الْفَرَاقَاتِ:

(۱) ..... أَتَهَامُ شَخْصِي لَشَخْصٍ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ! (سَوْءُ الظَّنِّ)  
(۲) قَدْ حَزَمَ اللَّهُ ..... لِلنَّاسِ! (سَوْءُ الظَّنِّ)  
(۳) ..... لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ مِنْ أَسْوَأِ الْأَعْمَالِ! (التَّجَسُّسِ)  
(۴) إِظْهَارِ النَّدَامَةِ وَ الشَّعْيِ لَتَعْوِضَهُ .....! (الْعَجَبِ)

۱۰۳۵- عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الَّتِي قَدْ جَاءَتْ فِيهَا الْمُتَضَادَّتَانِ:

(۱) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ!  
(۲) إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَالُ!  
(۳) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْحُلِيِّ الْحَسَنِ!  
(۴) أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ!

۱۰۳۶- عَيِّنِ مَا جَاءَتْ فِيهِ كَلِمَتَانِ مُتَضَادَّتَانِ:

(۱) إِنْ تَزْرَعْ شَرًّا تُحْضِدْ نَدَامَةً فِي النَّهَائِمِ!  
(۲) «وَ جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ»  
(۳) «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ!  
(۴) اللَّهُ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ الشُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخِرِينَ!

۱۰۳۷- «كَمْ ..... هَذِهِ الْفُسَاتِينِ؟ يَخْتَلِفُ الشَّعْرُ حَسَبَ ..... وَلِكَيْنِي أُعْطِيكَنَّ .....!»:

(۱) قِيَمَةٌ - الْأَشْعَارِ - التَّخْفِيفِ (۲) نُقُودٌ - التَّوَعِيَاتِ - التَّخْفِيفِ (۳) بَعْرٌ - التَّوَعِيَاتِ - التَّخْفِيفِ (۴) قِيَمَةٌ - الْأَشْعَارِ - التَّخْفِيفِ

۱۰۳۸- عَيِّنِ الْخَطَأَ لِتَكْمِيلِ الْفَرَاقَاتِ:

(۱) الْعَيْبِيَّةُ مِنْ أَهَمِّ أَشْيَاءِ قَطْعِ ..... بَيْنَ النَّاسِ! (التَّوَاضُلِ)  
(۲) لَا تَشْخَرُوا مِنْ قَوْمٍ آخَرَ ..... أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْكُمْ! (عَسَى)  
(۳) إِنَّا مُبِغْنَا عَنْ ..... الْآخِرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ! (تُسْمِيَةٍ)  
(۴) مَنْ ..... خُلِقَ عَذْبَ نَفْسِهِ! (حَسَنٌ)

۱۰۳۹- عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي التَّضَادِّ:

(۱) إِنَّ اللَّهَ حَزَمَ فِي الْقُرْآنِ مَا يَصْرُفُنَا: أَحَلَّ  
(۲) «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» أَلْمِيتَ  
(۳) «إِنَّ رَبَّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ» أَهْدَى  
(۴) الْكَلَامَ الْخَفِيِّ فِي الْجَمَاعَةِ قَبِيحٌ فَاجْتَنِبُوهُ: الظَّاهِرَ

۱۰۴۰- «قَدْ كَثُرَ اسْتِعْذَامُ شَبَكَاتِ ..... الْاجْتِمَاعِيِّ مِثْلَ تَلْفَرَامٍ وَ فَيْسٍ بَوِكَ فِي السَّنَوَاتِ الْآخِرَةِ!»:

(۱) التَّبَاعِدُ (۲) التَّوَاضُلُ (۳) التَّقَارُبُ (۴) التَّنَائِزُ بِالْأَلْقَابِ

۱۰۴۱- ..... بَيْنَ النَّاسِ أَشْخَاصٌ لَا نَعْرِفُ مِنْ مَاضِيهِمْ شَيْئًا فَعَلَيْنَا أَلَّا نَسْخَرَ مِنْهُمْ وَ نَحْتَرِمَهُمْ! عَيِّنِ الْخَطَأَ:

(۱) قَدْ يَكُونُ (۲) عَسَى أَنْ يَكُونَ (۳) لَا يَكُونُ (۴) رَبَّمَا يَكُونُ

۱۰۴۲- عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي الْمُتَضَادِّ وَ الْمُتَرَادِفِ:

(۱) قَبِيحٌ = جَمِيلٌ / ذَنْبٌ = إِيْمٌ (۲) ضَلَّ = إِهْتَدَى / أَرْسَلَ = بَعَثَ (۳) جَلَسَ = قَامَ / عَصَى = أَطَاعَ (۴) بَعُدَ = قَرِبَ / قَرَّبَ = هَرَبَ

۱۰۴۳- «إِذَا ..... عَلَيْكَ الْغَضَبُ فَاسْكُتْ فَإِنَّهُ مِنْ صِفَاتِ الشَّيْطَانِ!»:

(۱) قَدَّرَ (۲) غَلَبَ (۳) فَضَحَ (۴) كَرِهَ

۱۰۴۴- تُوجَدُ الْكَلِمَتَانِ الْمُتَضَادَّتَانِ فِي عِبَارَتَيْنِ .....

(الف) عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعَجَبِ لِأَنَّهُ أَمْرٌ قَبِيحٌ!  
(ب) إِهْتَدَى النَّاسُ بَعْضُ الْأَوْقَاتِ بِالنُّجُومِ الَّتِي فِي السَّمَاءِ!  
(ج) أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ!  
(د) إِنَّ اللَّهَ حَزَمَ الْغَيْبَةَ فَجَادِلْ مَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ!

(۱) الف و ج (۲) ب و د (۳) الف و د (۴) ج و د



۱۰۴۵- ﴿و جَادِلْهُمْ بآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ زَكَّٰهُ هُوَ أَكْثَرُ مِمَّنْ صَلَّٰ عَنْ سَبِيلِهِ﴾

- ۱) با آن‌ها با گفتاری نیکوتر ستیز کن، چرا که پروردگارت همان آگاه‌تر به کسی است که گمراه شده است!
- ۲) با روش‌های بهتر با آنان مباحثه کن، همانا پروردگار نسبت به کسی که از راه گمراه شده است، آگاه‌تر است!
- ۳) با آن‌ها به روشی که خوب است مجادله کن، قطعاً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده‌اند، آگاه است!
- ۴) با آنان به شیوه‌ای که بهتر است استدلال کن، همانا پروردگار تو به کسی که از راهش گمراه شده، داناتر است!

۱۰۴۶- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) هل تُرِيدُ سر او بیل افضّل من هذه؟ آیا شلوارهایی بهتر از این می‌خواهی؟
- ۲) لیس لی افضل من هذه. تُعَالَ إلی متجر زمیلی: بهتر از این ندارم. به مغازه همکارم برو!
- ۳) أعطني سر اولاً افضل من هذا النوع: به من شلوازی بهتر از این جنس بده!
- ۴) هذه الأسعار غالية. أريد أخص من هذا: این قیمت‌ها گران است. ارزان‌تر از این می‌خواهم!

۱۰۴۷- «هَلْ تَكْرَهُونَ أَكْلَ لَحْمِ أَخِيكُمْ مِيتًا؟ فَلِمَاذَا لَا تَجْتَنِبُونَ مِنَ الْغَيْبَةِ؟»

- ۱) آیا خوردن گوشت برادر مرده خود را ناپسند می‌دانند؟ پس چرا از غیبت پرهیز نمی‌کنند؟
- ۲) چرا ناپسند می‌دانید که گوشت برادرتان که مرده است را بخورید؟ پس چرا از غیبت اجتناب نمی‌کنید؟
- ۳) آیا خوردن گوشت برادر مرده‌تان را ناپسند می‌دانید؟ پس چرا از غیبت دوری نمی‌کنید؟
- ۴) آیا از خوردن گوشت‌های برادر مرده‌تان اکراه دارید؟ پس باید از غیبت دوری کنید.

۱۰۴۸- «قَدْ عَلَّمَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ أَمَّهُ الْأَخْلَاقِيَّةَ فِي حَيَاتِنَا الْيَوْمِيَّةِ»:

- ۱) خداوند در قرآن کریم کارهای اخلاقی مهم در زندگی روزانه را یاد داده است!
- ۲) خداوند در قرآن کریم یکی از مهم‌ترین امور اخلاقی را در زندگی روزمره‌مان آموزش می‌دهد!
- ۳) خداوند مهم‌ترین امور اخلاق در قرآن کریم را در زندگی روزانه‌مان یاد داده است!
- ۴) خداوند در قرآن کریم مهم‌ترین کارهای اخلاقی در زندگی روزانه‌مان را آموزش داده است!

۱۰۴۹- «يَا سَاَتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ إِفْبِلِ التَّوْبَةَ عَنِّي وَ اِزْحَمْنِي. إِنَّكَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ»:

- ۱) ای پوشاننده هر عیبی، توبه را از من بپذیر و به من رحم کن، همانا تو بهترین رحم‌کنندگان هستی!
- ۲) ای پوشاننده همه عیب‌ها، توبه را از من قبول کن و به من رحم کن که قطعاً تو بهترین مهربانان هستی!
- ۳) ای پوشیده‌شده هر عیبی، توبه‌ای را از من قبول کن و به من رحم کن، یقیناً تو از بهترین رحم‌کنندگانی!
- ۴) ای پوشاننده هر عیب، توبه‌ای از من قبول بفرما و به من رحم نما، همانا تو رحم‌کننده مهربانی هستی!

۱۰۵۰- «أَحَبُّ أَسْدِقَانِي مَنْ لَا يَعِيبُونَنَا وَلَكِنَّمْ يَهْدُونَنَا إِلَيْنَا عِيبُونَا»:

- ۱) دوست دارم دوستانم را که از ما عیب‌جویی نمی‌کنند، ولی آن‌ها به ما عیب‌هایمان را هدیه می‌دهند!
- ۲) دوست‌داشتنی‌ترین دوستانم کسانی هستند که از ما عیب نمی‌گیرند ولی آنان ما را در مورد عیب‌هایمان هدایت می‌کنند!
- ۳) محبوب‌ترین دوستانم کسی است که از ما عیب‌جویی نکند ولی به ما عیبمان را هدیه دهد!
- ۴) محبوب‌ترین دوستانم کسانی هستند که از ما عیب‌جویی نمی‌کنند ولی آن‌ها به ما عیب‌هایمان را هدیه می‌دهند!

۱۰۵۱- «عَلَيْنَا أَنْ نَنْصَحَ طَالِبًا يَسْخُرُ كُلَّ الطَّلَابِ فِي الصَّفِّ حَتَّى يَتَّقِبَهُ»:

- ۱) ما باید نصیحت کنیم دانش‌آموزی را که همه دانش‌آموزان را در کلاس مسخره می‌کند تا آگاه شود!
- ۲) بر ماست که نصیحت بکنیم دانش‌آموزی را که هر دانش‌آموزی را در کلاس مسخره می‌کند تا این که بفهمد!
- ۳) باید دانش‌آموزی را که همه دانش‌آموزان را در کلاس مسخره می‌نماید آگاه کنیم و نصیحت کنیم!
- ۴) دانش‌آموزی را که در کلاس همه دانش‌آموزان را مسخره می‌کند باید نصیحت کرد تا آگاه شود!

۱۰۵۲- «قَدْ لَقَّبَ بَعْضُ زَمَلَانِي صَدِيقِي بِلَقَبٍ قَبِيحٍ يَكْرَهُهُ. بَسَّ الْعَمَلِ هَذَا»:

- ۱) گاهی بعضی از همشاگردی‌هایم، دوستم را با لقب زشت لقب می‌دهند که از آن بدش می‌آید. این، کار بدی است!
- ۲) بعضی از هم‌کلاسی‌هایم به دوستم لقب زشتی داده‌اند که آن را ناپسند می‌دانیم. بد کاری است این عمل!
- ۳) بعضی از هم‌کلاسی‌هایم، دوستم را لقب زشتی داده‌اند که آن را ناپسند می‌دانند. این، کار بدی است!
- ۴) تعدادی از هم‌کلاسی‌هایم، دوستانم را لقبی ناپسند داده‌اند که آن را زشت می‌شمارند. این، بد عملی است!

- ۱) لا تُعَيَّبُوا الْآخَرِينَ: از دیگران عیب‌جویی نکنید!
- ۲) ﴿وَلَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْأَلْقَابِ يَكْرَهُنَّ﴾: و آن‌ها را با لقب‌هایی که از آن اکراه دارند، لقب نمی‌دهند!
- ۳) بس العملُ الفسوقُ بعدَ الإيمانِ: بد کاری است آلوده‌شدن به گناه بعد از ایمان آوردن!
- ۴) و من لم يُتَّبِ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ: و هر کس توبه نکند او از ستمگران است!

۱۰۵۴- «قد يسخر قوم من قوم. انصحوهم و قولوا لهم: يمنع القرآن الناس من هذا العمل!»:

- ۱) قومی، قوم دیگر را نباید مسخره کند. آن‌ها را نصیحت کنید و به آن‌ها بگویید: قرآن، مردم را از این کار منع کرده است!
- ۲) گاهی قومی، قوم دیگر را مسخره می‌کند. آن‌ها را نصیحت کنید و به آن‌ها بگویید: قرآن، مردم را از این کار منع می‌کند!
- ۳) گاهی اوقات گروهی، گروه دیگر را مسخره می‌کند. باید آن‌ها را نصیحت کرد و به آن‌ها گفت: قرآن این کار را برای مردم ممنوع می‌کند!
- ۴) گروهی، گروه دیگر را مسخره کرده است. آن‌ها را نصیحت و سفارش کنید و به آن‌ها بگویید: قرآن مردم را از این کار دور می‌کند!

۱۰۵۵- «يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن إن بعض الظن إثم»:

- ۱) کسانی که ایمان آورده‌اند از بسیاری از گمان‌ها می‌پرهیزند؛ زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است.
  - ۲) ای کسانی که ایمان آوردید بسیار از گمان‌ها اجتناب کنید؛ زیرا گناه محسوب می‌شود.
  - ۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است.
  - ۴) ای آنان که ایمان آورده‌اید بسیاری از گمان‌ها اجتناب کرده‌اند؛ چه، بعضی از گمان‌ها گناه است.
- ۱۰۵۶- «الإسلام دين الأخلاق؛ إذن قد حرم الإسلام الاستهزاء و تسمية الآخرين بالأسماء القبيحة»:

- ۱) بنابراین مسخره کردن و نامیدن دیگران به اسم زشت را اسلام حرام می‌کند!
- ۲) لذا اسلام، مسخره‌نمودن و نام‌گذاری دیگری را با نام‌های زشت، گاهی حرام اعلام می‌کند!
- ۳) لذا اسلام، مسخره‌نمودن دیگران را حرام نموده است!
- ۴) بنابراین اسلام، مسخره کردن و نامیدن دیگران با نام‌های زشت را حرام کرده است!

۱۰۵۷- «الذين لا يتوبون من كبائر الذنوب و يغتابون الآخرين فهم في عذاب أليم»:

- ۱) کسانی که از گناهان کبیره توبه نمی‌کنند و غیبت دیگران را می‌کنند پس آن‌ها در عذابی دردناک هستند!
- ۲) کسانی که از گناهان بزرگ توبه نکرده‌اند و غیبت دیگران کرده‌اند، آن‌ها در عذاب دردناک‌اند!
- ۳) هر کس از گناهان بزرگ توبه نکند و غیبت دیگران کند در عذابی دردناک می‌باشد!
- ۴) کسانی که از گناهان کبیره خود توبه نمی‌کنند و از دیگران غیبت می‌کنند در دردناک‌ترین عذاب هستند!

۱۰۵۸- «تَنصَحْنَا إحدَى آيَاتِ القرآن فِي سورة الحجرات و تقول: ﴿لَا يَغْتَابُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا﴾»:

- ۱) آیات اول سورة حجرات در قرآن، ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: گروهی از شما گروه دیگر را غیبت نکنند!
- ۲) یکی از آیات قرآن در سورة حجرات، ما را نصیحت کرده و می‌گوید: بعضی از شما نباید غیبت دیگری را بکنند!
- ۳) یکی از آیات قرآن در سورة حجرات، ما را نصیحت کرده و می‌گوید: بعضی از شما غیبت دیگری را نمی‌کنند!
- ۴) یک آیه از آیات قرآن در سورة حجرات ما را پند می‌دهد و می‌گوید: نباید از دیگران غیبت کنیم!

۱۰۵۹- «يا أيها الذين آمنوا لا يسخر قوم من قوم عسى أن يكونوا خيراً منهم»:

- ۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمی، مردم دیگری را مورد تمسخر قرار دهد زیرا ممکن است آن‌ها از ایشان باایمان‌تر باشند!
- ۲) ای آنانی که ایمان آورده‌اید، به مسخره کردن قوم دیگران نپردازید، شاید که آن‌ها از شما بهتر باشند!
- ۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی، قوم دیگری را مسخره کند، شاید که آن‌ها از ایشان بهتر باشند!
- ۴) کسانی که ایمان آورده‌اند، نباید مردم دیگری را مسخره نمایند، شاید آن‌ها از ایشان برتر باشند!

۱۰۶۰- «و لا يَغْتَابُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا»:

- ۱) بعضی‌هایتان نباید از دیگری غیبت کنند. آیا دوست دارند که گوشت برادرشان که مرده است را بخورند؟
- ۲) نباید از یکدیگر غیبت کنید. آیا دوست دارید گوشت برادر مرده‌تان را بخورید؟
- ۳) برخی از شما غیبت برخی دیگر را نکنند. آیا کسی از شما خوردن گوشت برادر مرده‌اش را روا می‌دارد؟
- ۴) نباید غیبت یکدیگر را کنید. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟

۱۰۶۱- «بِئْسَ الْعَمَلُ الثَّنَائِبُ بِالْأَلْقَابِ تُكْرَهُ لَدَى النَّاسِ وَ أَيْضًا تَسْمِيَتُهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ...»:

- ۱) این‌که به مردم لقب‌هایی را که ناپسند شمرده می‌شود، نسبت دهیم و نیز آن‌ها را با نام‌های زشت صدا بزینیم، بد کاری است!
- ۲) بد کاری است به یکدیگر دادن لقب‌های زشتی که نزد مردم ناپسند شمرده می‌شود و همچنین نامیدن آن‌ها به اسم‌های زشت!
- ۳) نامیدن یکدیگر به لقب‌های زشتی که میان همه، ناپسند است و همچنین صدازدن با نام‌های زشت، کار بدی است!
- ۴) بد کاری است صدازدن با القابی که مردم آن را ناپسند می‌شمارند و نیز نامیدن آن‌ها به اسم‌هایی زشت!

### ۱۰۶۲- «لَا تَجَسَّسُوا فِي أُمُورِ الْآخِرِينَ لِأَنَّهُ يُسَبِّبُ فَضْحَهُمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ الَّتِي لَنْ يُغْفِرَهَا اللَّهُ.»

- ۱) در کارهای دیگران دخالت نکنید؛ زیرا سبب رسوایی‌شان می‌شود و آن از گناهان بزرگی است که خداوند آن را هرگز نمی‌بخشاید!
- ۲) نباید در کارهای دیگران تجسس کنید؛ چون دلیل رسوایشان می‌شود و آن از گناهان کبیره است و خداوند هم آن را نخواهد آمرزید!
- ۳) در کارهای دیگران جاسوسی نکنید؛ زیرا آن سبب رسوایی‌شان می‌شود و از گناهان بزرگی است که خداوند آن را نخواهد آمرزید!
- ۴) در کارهای دیگران تجسس نکنید؛ چه این کار، باعث رسوایی آن‌ها می‌گردد و از گناهان بسیار بزرگ است که خداوند هم شما را نخواهد آمرزید!

### ۱۰۶۳- عَيْنِ الصَّحِيح:

- ۱) أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ: کسی که دانش مردم را به دانش خویش بیفزاید، از همه داناتر است!
- ۲) ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ \* مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ﴾: بگو به پروردگار سپیده‌دم پناه می‌برم از بدترین چیزهایی که آفریده است!
- ۳) خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ: بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند!
- ۴) ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾: پس خداوند آرامشی را بر پیامبرش و مؤمنان نازل کرد!

### ۱۰۶۴- عَيْنِ الصَّحِيح:

- ۱) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ: کسی که شهوتش را بر عقلش مسلط سازد، از چارپایان هم بدتر است!
- ۲) أَكْثَرُ الْغَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ: عیب بزرگی است که از آن چه همانندش در خودت هم هست، عیب‌جویی نمایی!
- ۳) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید!
- ۴) ﴿وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾: تقوای خدا پیشه کنید؛ بی‌شک، خداوند توبه‌پذیر و مهربان است!

### ۱۰۶۵- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَبَ نَفْسَهُ: هر کس بد اخلاق باشد، خودش در عذاب خواهد بود!
- ۲) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: من فقط برانگیخته شدم تا بزرگواری‌های اخلاق را کامل کنم!
- ۳) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ: چیزی در ترازوی اعمال سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست!
- ۴) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ: دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خدا، نزد خدا، سودمندترینشان برای بندگانش است!

### ۱۰۶۶- «قَدْ نَعِيبُ الْآخِرِينَ بِمَا فِيْنَا مِثْلَهُ فَهَذَا مِنْ شَرِّ الْأَعْمَالِ الَّتِي يَجِبُ أَنْ نَجْتَنِبَهَا!»

- ۱) از دیگران به آن‌چه مانندش در خودمان هست عیب می‌گیریم. پس این، کار از کارهای بدی است که ما باید از آن اجتناب نماییم!
- ۲) گاهی از دیگران عیب‌هایی گرفته‌ایم که در خودمان هم هست. پس این، از بدترین کارهاست و باید از آن دوری کنیم!
- ۳) گاهی از دیگران از آن‌چه همانندش در خودمان هست عیب می‌گیریم. پس این، از بدترین کارهایی است که باید از آن دوری نماییم!
- ۴) شاید از دیگران عیب‌هایی بگیریم که خودمان هم مانند آن را داریم. پس باید از آن دوری کنیم، زیرا آن از بدترین کارها می‌باشد!

### ۱۰۶۷- «قَدْ يَجْعَلُ اللَّهُ خَيْرًا فِي شَيْءٍ كُنَّا نَكْرَهُهُ فِي بَدَايَةِ الْأُمُورِ...»

- ۱) گاهی خداوند در چیزی که در آغاز کار، آن را ناپسند می‌شمردیم، خیری قرار می‌دهد!
- ۲) بی‌شک الله در خیری که آن را در ابتدای کار ناپسند می‌شماریم، خیری قرار داده است!
- ۳) شاید خداوند در چیزی که در آغاز کار آن را ناپسند شمرده بودیم، خیری قرار داده است!
- ۴) در ابتدای کار، چیزی را ناپسند می‌شماریم که شاید خداوند در آن خیری قرار دهد!

### ۱۰۶۸- «مَنْ يَنْهَضُ مِنْ مَكَانِهِ لِيَحُلَّ مَشَاكِلَ جِيرَانِهِ يَغْتَبِرُ مِنَ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ...»

- ۱) هر کس از جای خود برخیزد و مشکلات همسایگانش را حل کند، بهترین بندگان خداوند است!
- ۲) کسی که برای رفع مشکلات نزدیکانش از جایش برمی‌خیزد، از بندگان خوب خداوند می‌باشد!
- ۳) اگر کسی از جای خود برخیزد و اقدام به حل مشکلات همسایگانش نماید، از بهترین بندگان خداوند خواهد شد!
- ۴) هر کس از جای خود برخیزد تا مشکلات همسایگانش را حل کند، از بهترین بندگان خدا به حساب می‌آید!

### ۱۰۶۹- «قَدْ أَكَّدَ عَلَيْنَا أَنْ نَحْسَنَ خُلُقَنَا فِي التَّوَاضُعِ مَعَ الْآخِرِينَ فَإِنَّهُ يُؤْتِرُ فِيهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا نَتَصَوَّرُ...»

- ۱) بر ما تأکید شده است که اخلاقمان را در ارتباط با دیگران نیکو گردانیم؛ چه آن بیشتر از آن چیزی که تصور می‌کنیم، بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد!
- ۲) به ما تأکید کرده‌اند که در ارتباطمان با دیگران خوش اخلاق باشیم؛ زیرا این کار بیشتر از چیزی که تصورش را می‌کنیم، بر آن‌ها تأثیرگذار است!
- ۳) گاهی بر ما تأکید می‌شود که در ارتباط با دیگران، اخلاقمان را نیکو گردانیم، زیرا آن بر ایشان تأثیر بسیاری می‌گذارد!
- ۴) بر ما تأکید شده است که در ارتباط با دیگران خوش اخلاق باشیم؛ چون این کار، تأثیر بسیاری را بر آن‌ها می‌گذارد، بیشتر از چیزی که تصورش را کنیم!

### ۱۰۷۰- «لَا تَسْخَرْ مِنْ غُيُوبِ شَخْصٍ أَوْ بَدَأَ لَأَنَّ الدَّهْرَ قَدْ يَدُورُ وَ أَنْتَ تُعِيبُ بِنَفْسِ الْغُيُوبِ الَّتِي كُنْتَ تَسْخَرُهَا ذَاتَ يَوْمٍ...»

- ۱) نباید عیب‌های هیچ‌کس را مسخره نمایی؛ زیرا روزگار می‌چرخد و خودت به عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره می‌کردی، دچار خواهی شد!
- ۲) هیچ‌گاه عیب‌های کسی را مسخره نکن؛ چه گاهی روزگار می‌چرخد و تو به همان عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره می‌کردی، دچار می‌شوی!
- ۳) هیچ وقت عیب‌های دیگری را مسخره نکن؛ چه بسا روز بچرخد و تو هم به عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره کرده بودی، دچار شوی!
- ۴) هیچ‌گاه اقدام به مسخره کردن عیب‌های کسی نکن؛ گاهی روزگار می‌چرخد و خودت به عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره کرده بودی، دچار می‌شوی!

۱۰۷۱- «جاسوسان برای کشف اسرار کشور ما تلاش خواهند کرد، اما ما به آنها اجازه نمی‌دهیم!»

- (۱) سَيُحَاوِلُ الْجَوَاسِيسُ لِكَشْفِ أَسْرَارِ بِلَادِنَا وَلَكِنَّا لَا نَسْمُحُ لَهُمْ!  
(۲) الْجَوَاسِيسُ سَيُحَاوِلُونَ لِكَشْفِ أَسْرَارِنَا فِي الْبِلَادِ وَلَكِن نَحْنُ مَا سَمِعْنَا لَهُمْ!  
(۳) الْجَوَاسِيسُ سَوْفَ يُحَاوِلُ لِكَشْفِ أَسْرَارِ بِلَادِنَا وَلَكِنَّا لَا نَسْمُحُ لَهُمْ!  
(۴) يَسْعَى الْجَوَاسِيسُ فِي بِلَادِنَا لِكَشْفِ أَسْرَارِنَا وَلَكِنَّا نَحْنُ لَا نَسْمُحُ لَهُمْ!

۱۰۷۲- «معلم زبان عربی، ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: کسانی که از دیگران عیب‌جویی کنند در زندگی موفق نمی‌شوند!»

- (۱) يَنْصَحُنَا مَعْلَمُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ يَقُولُ: الَّذِينَ يَعِيبُ مِنَ الْآخِرِينَ لَا يَنْجَحُ فِي الْحَيَاةِ!  
(۲) نَصَحَنَا مَعْلَمُ الْعَرَبِيِّ وَ قَالَ: مَنْ يَلْمِزُونَ الْآخِرِينَ لَا يَنْجَحُونَ فِي النِّهَايَةِ!  
(۳) يَنْصَحُنَا مَعْلَمُ الْعَرَبِيَّةِ وَ يَقُولُ: الَّذِينَ يَلْمِزُوا الْآخِرِينَ لَا يَنْجَحُوا فِي حَيَاتِهِمْ!  
(۴) نَنْصَحُنَا مَعْلَمَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ تَقُولُ: الْآتِي يَلْمِزُنُ الْآخِرِينَ لَا يَنْجَحُنَ فِي الْحَيَاةِ!

۱۰۷۳- در مکتب ما تلاش برای کشف رازهای مردم برای رسواکردن آنها از اخلاق زشت است. «فی مکتبنا .....!»

- (۱) السَّعْيُ لَاكْتِشَافِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِ مِنْ أَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ!  
(۲) الْمَحَاوَلَةُ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ مِنْ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ!  
(۳) مَحَاوَلَتُنَا لِكَشْفِ الْأَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ مِنْ الْأَخْلَاقِ الْقَبِيحَةِ!  
(۴) السَّعْيُ لَاكْتِشَافِ الْأَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ مِنْ الْأَخْلَاقِ الْقَبِيحَةِ!

۱۰۷۴- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) هَمَّةٌ شَمَا بَايِدُ از خودپسندی دوری کنيد: عَلَيكُمْ جَمِيعاً أَنْ تَجْتَنِبُوا الْعَجَبَ!  
(۲) دوستان تو بايد عيب‌هايت را به تو هديه كنند: يَجِبُ أَنْ يُهْدِيَكَ أَصْدِقَاؤُكَ عَيْبَكَ!  
(۳) پروردگارمان به آن چه در سينه‌هايمان هست، آگاه‌تر است: إِنَّ رَبَّنَا عَلِيمٌ بِمَا فِي صُدُورِنَا!  
(۴) خدايا از تو ممنونم زيرا تو اخلاقم را نيكو گردانيدى: اللَّهُمَّ اشْكُرْكَ لِأَنَّكَ تُحَسِّنُ خُلُقِي!

۱۰۷۵- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) بى‌شك خداوند نسبت به بندگانش بسيار توبه‌پذير است: إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ عَلَى عِبَادِهِ!  
(۲) گناهان كبيره از جمله شرك، امرزيده نمى‌شوند: لَا تُغْفَرُ كِبَائِرُ الذُّنُوبِ مِنْهَا الشِّرْكُ!  
(۳) دوست‌داشتنى‌ترين بندگان خدا، باتقواترينشان هستند: أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ اتَّقَاهُمْ!  
(۴) مدت‌گذاشتن بعد از انجام كارى، بد است: الْمَنْ بَعَدَ الْقِيَامِ بِأَمْرٍ مِنَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ!

۱۰۷۶- «متأسفانه گاهی می‌بینم که برخی از مردم در کارهای دیگران برای رسواکردنشان جاسوسی می‌کنند!»

- (۱) مَعَ الْأَسْفِ قَدْ شَاهَدْنَا أَنَّ بَعْضَ مِنَ النَّاسِ تَجَسَّسُوا فِي أُمُورِ الْآخِرِينَ لِفَضْحِهِمْ!  
(۲) رُبَّمَا نَرَى مَعَ الْأَسْفِ التَّجَسُّسَ فِي أُمُورِ النَّاسِ لِيُفْضَحُوا!  
(۳) قَدْ نَشَاهَدُ مَعَ الْأَسْفِ أَنَّ بَعْضَ النَّاسِ يَتَجَسَّسُونَ فِي أُمُورِ الْآخِرِينَ لِفَضْحِهِمْ!  
(۴) مَعَ الْأَسْفِ نَشَاهَدُ أحياناً أَنَّ النَّاسَ يَتَجَسَّسُونَ فِي أُمُورِ الْآخِرِينَ حَتَّى يُفْضَحَهُمْ!

۱۰۷۷- «غیبت، از بدترین کارهاست و در اسلام به خوردن گوشت برادر مرده‌مان تشبیه شده است!»

- (۱) إِنَّ الْغَيْبَةَ مِنْ شَرِّ الْأَعْمَالِ فَقَدْ شُبِّهَتْ فِي الْإِسْلَامِ بِأَكْلِ لَحْمِ أَحِينَا مَيِّتاً!  
(۲) الْغَيْبَةُ مِنَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ الَّتِي شُبِّهَتْ فِي الْإِسْلَامِ بِأَكْلِ لَحْمِ الْأَخِ الْمَيِّتِ!  
(۳) إِنَّ الْإِسْلَامَ شَبَّهَ الْغَيْبَةَ بِأَكْلِ لَحْمِ أَحِينَا مَيِّتاً فَهُوَ مِنْ شَرِّ الْأَعْمَالِ!  
(۴) الْغَيْبَةُ الَّتِي تُشَبِّهُ بِأَكْلِ لَحْمِ أَحِينَا الْمَيِّتِ تُعْتَبَرُ مِنَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ!

۱۰۷۸- «بیشتر مردم حرف‌زدن با سخن پنهان را در جمع، ناپسند می‌شمارند!»

- (۱) إِنَّ كَثِيراً مِنَ النَّاسِ يَكْرَهُونَ التَّكَلَّمَ بِكَلَامِ خَفِيٍّ عِنْدَ الْجَمْعِ!  
(۲) لَا يَجِبُ أَكْثَرُ النَّاسِ أَنْ نَتَكَلَّمَ بِقَوْلِ خَفِيٍّ عِنْدَ الْجَمَاعَةِ!  
(۳) عَدَدٌ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ لَا يُحِبُّونَ التَّحَدَّثَ بِقَوْلِ خَفِيٍّ عِنْدَ الْجَمْعِ!  
(۴) أَكْثَرُ النَّاسِ يَكْرَهُونَ التَّحَدَّثَ بِكَلَامِ خَفِيٍّ فِي الْجَمَاعَةِ!

۱۰۷۹- «من باید خودم را از غیبت دور کنم زیرا آن از بزرگ‌ترین گناهانی است که خداوند آن را حرام کرده است!»

- (۱) يَجِبُ عَلَيَّ أَنْ أَبْتَعِدَ عَنِ الْغَيْبَةِ لِأَنَّهَا ذَنْبٌ أَكْبَرُ قَدْ حَرَّمَهَا اللَّهُ!  
(۲) عَلَيَّ أَنْ أَبْتَعِدَ نَفْسِي عَنِ الْغَيْبَةِ لِأَنَّهَا أَكْبَرُ ذَنْبٍ قَدْ حَرَّمَهَا اللَّهُ!  
(۳) لِأَبْتَعِدَ نَفْسِي عَنِ الْغَيْبَةِ لِأَنَّهَا أَكْبَرُ ذَنْبٍ حَرَّمَهُ اللَّهُ!  
(۴) عَلَيَّ أَنْ أَبْتَعِدَ نَفْسِي عَنِ الْغَيْبَةِ لِأَنَّهَا أَكْبَرُ ذَنْبٍ حَرَّمَهَا اللَّهُ!

۱۰۸۰- عَيْنُ الْخَطَا فِي مَفْهُومِ هَذَا الدَّعَا: «اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خُلُقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي!»

- (۱) آرزوی دل خلقی تو به شیرین‌سخنی  
(۲) به دوزخ برد مرد را خوی زشت  
(۳) چه‌روی‌است این‌که‌یدارش‌ببردازم‌شکیبایی  
(۴) سعدی از اخلاق دوست هر چه برآید نکوست  
اثر رحمت حقى تو به نيك‌اخلاقى  
كه اخلاق نيك آمده‌ست از بهشت  
گواهى مى‌دهد صورت بر اخلاقش به زیبایى  
گو همه دشنام گو كز لب شیرین دعاست

### ۱۰۸۱- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ: عیب کسان منگر و احسان خویش / دیده فرو بر به گریبان خویش
- (۲) شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوُجْهِينَ: تن آدمی شریف است به جان آدمیت / نه همین لباس زیباست نشان آدمیت
- (۳) ﴿يَسَّ الْأَسْمُ الْفَسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ﴾: گنه کار اندیشناک از خدای / به از پارسایی عبادت‌نمای
- (۴) رَبُّ سَكُوتٍ أَبْلَعُ مِنَ الْكَلَامِ: صدف‌وار باید زبان درکشیدن / که وقتی که حاجت بود در چکانی

### ۱۰۸۲- عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) ﴿وَوَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾: الاجْتِنَابُ مِنَ الْعُجْبِ! (۲) ﴿وَوَجَادِلْهُمْ بِلَا تِي هِيَ أَحْسَنُ﴾: الْمَوْعِظَةُ وَالْحَوَارُ مَعَ الْأَعْدَاءِ بِكَلَامٍ طَيِّبٍ!
- (۳) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَبَتْ نَفْسُهُ: الدَّعْوَةُ إِلَى الْخُلُقِ الْحَسَنِ؟ (۴) أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عَلَيْهِ: الدَّعْوَةُ إِلَى تَعْلِيمِ النَّاسِ بِمَا نَتَعَلَّمُ!

### ۱۰۸۳- «الْعُجْبُ صِفَةٌ مَذْمُومَةٌ فَأَجْتَنِبُوهَا»، عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) بزرگان نکردند در خود نگاه
- (۲) رهرو آن نیست که گه تند و گه‌ی خسته رود
- (۳) ز خاک آفریدت خداوند پاک
- (۴) فروتن بُود هوشمند گزین

### ۱۰۸۴- «أَكْبَرُ الْغَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلًا»، عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) پندم چه دهی نخست خود را
- (۲) آینه چون عیب تو بنمود راست
- (۳) با بدان کم نشین که درمانی
- (۴) هان بیا تا عیب هم پوشیم چون دلق و کلاه

### ۱۰۸۵- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، عَلَيْكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا عَنِ الْعُجْبِ...!»، العبارة تشجعنا على .....

- (۱) التَّوَاضُّعُ (۲) الصَّدَقُ (۳) حُسْنُ الظَّنِّ (۴) أداء الأمانة

### ۱۰۸۶- «أَيُّجِبُ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَّرْهُمُوهُ» تمنعنا الآية عن:

- (۱) العُجْبُ (۲) الغيبة (۳) الكذب (۴) سوء الظنِّ

### ۱۰۸۷- «عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ»، عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) از بس که مهر دوست به دل جا گرفته است
- (۲) گر زهر دهد تو را خردمند بنوش
- (۳) آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
- (۴) رازی که بر غیر نگفتیم و نگوییم

### ۱۰۸۸- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) قال المعلم لمعلميه تكلموا معا بالتي هي احسن! معلم به دانش‌آموزانش گفت که با یکدیگر به وجهی که بهتر است سخن بگویید! (سراسری تهری ۹۵)
- (۲) نحن نصلي لله مطلقين المعونة الإلهية منه! ما نماز می‌خوانیم چون از او یاری الهی را خواستاریم!
- (۳) قلب هذا المؤمن كأنه قد فرغ من غير الله! قلب این مؤمن گویی از غیر خدا خالی شده است!
- (۴) جمال العلم والأدب زينة لا تزول! : زیبایی علم و ادب زینتی است که زایل نمی‌شود!

### ۱۰۸۹- «إِذَا أَسَاءَ أَحَدٌ مَقَابِلَ مَرُوءَةٍ إِلَيْهِ، فَلَا تُخَبِّرِ النَّاسَ بِمَا فَعَلَ بِكَ حَتَّى لَا تَزُولَ الْمَرُوءَةُ فِي الدُّنْيَا»: (سراسری ریاضی ۹۵)

- (۱) هنگامی که کسی در مقابل جوانمردیت به او، به تو بدی کرد، مردم را از آن چه با تو کرده باخبر مکن تا جوانمردی در دنیا از بین نرود!
- (۲) آن‌گاه که کسی در برابر جوانمردی تو بدی کرد، به مردم درباره آن چه با تو کرده است، چیزی مگو تا جوانمردی در دنیا باقی بماند!
- (۳) چنان‌چه بدی کردن شخصی به تو در برابر مروت تو بود، آن را برای مردم دیگر بازگو مکن، تا جوانمردی در دنیا باقی بماند!
- (۴) اگر شخصی مقابل مروت تو، بدخواه تو بود، آن چه را با تو کرده به دیگر مردم بازگو مکن، تا جوانمردی در دنیا از بین نرود!

### ۱۰۹۰- ﴿عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾: (سراسری هنر ۹۴)

- (۱) بندگان رحمان کسانی هستند که روی زمین به آرامی راه می‌روند!
- (۲) عبادت‌کنندگان رحمانی آنان هستند که بر زمین هموار راه می‌روند!
- (۳) عبادت‌کنندگان خداوند کسانی هستند که آرام بر کره زمین ره می‌سپارند!
- (۴) بندگان خداوند رحمانی آنانی هستند که بر کره زمین به سادگی راه می‌سپارند!

۱۰۹۱- «الغد المُضيء يتعلّق بمن يعرف اليوم و ينتفع به بأحسن وجدا»:

(سراسری تهری ۹۳)

- ۱) فردای روشنی بخش از آن کسی است که امروز را بشناسد و از آن به بهترین وجه سود ببرد!
- ۲) فردایی روشن است که متعلق به کسی باشد که امروز را دریافته و نفع خوبی از آن گرفته باشد!
- ۳) فردایی که درخشان است به کسی تعلق دارد که امروزش را می شناسد و برترین نفع را از آن می برد!
- ۴) فردایی فروزان است که از آن کسی باشد که امروز را بشناسد و به بهترین صورت از آن سود برده باشد!

۱۰۹۲- «أعرض عن هوی نفسک حتی لا یصل ضرره إلی قلبک!»:

(سراسری ریاضی ۹۳)

- ۱) از هواهای نفس خود اعراض کن تا به دل تو زیان نرساند!
- ۲) از هوای نفس خود روی برگردان تا زیان آن به قلبت نرسد!
- ۳) از خواهش های نفسانی خویش پرهیز کن تا ضررش به قلب تو نرسد!
- ۴) از خواهش نفسانی خویش دوری کن تا ضررهایش را به دل تو نرساند!

۱۰۹۳- عین الخطأ:

(سراسری ریاضی ۹۳)

- ۱) الوالدان یخفق قلبهما لحبّ أولادهما دائماً! والدين قلبشان همواره به عشق فرزندانشان می تپد!
- ۲) رأیت إقبال أولادنا علی التلفزيون قد ازداد! توجه فرزندانمان را به تلویزیون می بینیم که زیاد می شود!
- ۳) إن أحبّ الأعمال عند الله أومها و إن قلت! محبوب ترین اعمال نزد خداوند بادوام ترین آن هاست، اگرچه اندک باشد!
- ۴) علی الانسان أن یترحرر من کل عبودية إلا عبودية الله تعالی! بر انسان است که از هر عبودیتی جز عبودیت خداوند تعالی آزاد شود!

(سراسری زبان ۹۰)

۱۰۹۴- «الأفضل للطالب أن ینتخب فرعه الجامعی بدقّة حتی لا یندم فی المستقبل!»:

- ۱) دانش آموز باید رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند که بعداً پشیمان نشود!
- ۲) دانش آموز خوب، رشته دانشگاهی خود را دقیق انتخاب می کند که در آینده دچار پشیمانی نشود!
- ۳) بهتر برای دانش آموز این است که رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند تا در آینده پشیمان نشود!
- ۴) برای هر دانش آموزی بهتر این است که رشته دانشگاهی خود را دقیقاً انتخاب نماید تا بعداً دچار پشیمانی نشود!

(سراسری انسانی ۹۰)

۱۰۹۵- «قد تعلّمت أن لا أعجل فی معاتبة أحد بذنب ارتکبه، فلعلّ الله أراد أن یغفر ذنبه!»:

- ۱) یاد گرفته ام که در سرزنش کردن کسی به سبب گناهی که مرتکب شده عجله نکنم، چه شاید خدا بخواهد از گناه او درگذرد!
- ۲) مرا فهمانده اند که نباید در عیب جویی از افراد به سبب گناهان آن ها تعجیل کنم، چه بسا بخواهد از گناه آن ها گذشت کند!
- ۳) فهمیده ام که در عیب گیری از اشخاص به خاطر گناه کردشان نباید شتاب داشته باشم، چه بسا خدا بخواهد آن ها را ببامزد!
- ۴) به من آموخته اند که نباید در سرزنش هیچ فردی به خاطر گناهش عجله کرد، چه شاید آموزیده خداوند باشد!

(سراسری انسانی ۹۰)

۱۰۹۶- «زینوا أنفسکم فی الدنیا بما یلیق لآخرتکم من الدنیا، مادامت الفرصة باقية لکم!»:

- ۱) تا فرصت دارید در این دنیا به چیزی مزین شوید که شایسته آخرت شما است!
- ۲) در این دنیا از خود دنیا آن چه را شایسته شماست برای آخرت بیابید تا فرصت آن را دارید!
- ۳) از خود دنیا برای آخرت خود آن چه شایسته است زینت خویش سازید تا فرصتی برایتان باقی است!
- ۴) تا فرصت برایتان باقی است، در دنیا خویشتن را بدان چه از خود دنیا شایسته آخرتتان است بیارید!

(سراسری انسانی ۹۰)

۱۰۹۷- «شعرت بأنّ الشیطان یفقهه و یسخر منّی عند عصیان ربّی!»:

- ۱) گویی شیطان قهقهه می زد و مرا مسخره می کرد زمانی که پروردگارم را نافرمانی کردم!
- ۲) هنگام نافرمانی از پروردگارم احساس کردم که شیطان قهقهه می زند و مرا مسخره می کند!
- ۳) هرگاه بر پروردگارم عصیان می کنم احساس می کنم مورد تمسخر و قهقهه شیطان واقع شده ام!
- ۴) احساس کردم گویی این قهقهه شیطان است که هنگام عصیان من بر پروردگارم مرا مسخره می کند!

(سراسری تهری ۸۹)

۱۰۹۸- «یحبب أن ننظر فی عیوب أنفسنا حتی نغفل عن عیوب الآخرين، لأنّ من ینظر فی عیوب الناس ینس عیوب نفسه!»:

(سراسری تهری ۸۹)

- ۱) فقط باید عیوب خود را ببینیم، زیرا اگر به عیوب مردم نگاه کنیم قطعاً عیب های خود را فراموش می کنیم!
- ۲) نگرستن در عیوب خود غفلت از عیب های دیگران است، زیرا کسی که عیوب مردم را نگاه می کند خود را فراموش کرده است!
- ۳) باید در عیب های خود بنگریم تا از عیب های دیگران غافل شویم، زیرا هر کس در عیب های مردم بنگرد عیب های خود را فراموش می کند!
- ۴) لازم است در عیب های خود بنگریم تا این که از عیب های دیگران غافل شویم، زیرا نگاه کردن در عیب های مردم فراموش کردن عیب خود است!

(سراسری زبان ۸۹)

۱۰۹۹- عین الخطأ:

- ۱) الظلم علی الضعیف أقیح الظلم، و هذا العمل مذموم! ظلم بر ضعیف زشت ترین ظلم است و این کار ناپسند است!
- ۲) الزاهدون یجتنبون الخطیئات، و هؤلاء محبوبون عند الله! زاهدان از خطاها دوری می کنند و این ها پیش خدا محبوب اند!
- ۳) الناس یذنبون و قلیل من هؤلاء المذنبین یتوبون! مردم گناه می کنند و عدّه کمی از این ها گناهکارانی هستند که توبه می کنند!
- ۴) یعبد العابدون الله فی اللیل المظلم و هذا اللیل کثیر لهم! عابدان خدا را در شب تاریک عبادت می کنند و این شب مانند پوششی برای آن هاست!

۱۱۰۰- «أفضل الناس من يبدأ بتأديب نفسه قبل تأديب غيره» (سراسری زبان ۸۸)

- (۱) بهترین مردم آن کسی است که خود را قبل از دیگران تأدیب کند!
- (۲) بلندمرتبه‌ترین مردم کسی است که قبل از دیگری به تأدیب خود بپردازد!
- (۳) فاضل‌ترین مردم آن است که ادب کردن نفس خویش را بر دیگران ترجیح دهد!
- (۴) برترین مردم کسی است که قبل از تأدیب دیگری به ادب کردن خود بپردازد!

۱۱۰۱- عَيْنُ الصَّحِيحِ: (سراسری ریاضی ۸۷)

- (۱) طوبى لمن يشغله عيبه عن عيوب الآخرين: خوشا به حال کسی که پرداختن به عیب خویش وی را از عیوب دیگران بازدارد،
- (۲) و لا يشغله مقامه و لا يغزه ماله في هذه الدنيا: و در این دنیا مقام او را به خود مشغول نکرد و مال او را مغرور نکرد،
- (۳) و يعظم الله كما عظم الله نفسه: و خدا را بزرگ داشت همان‌طور که خود بزرگ داشته شده،
- (۴) فهكنا إذا مات يكون رسول الله أنيسه: این‌گونه است که زمان مرگ، مونس رسول خدا می‌شود!

۱۱۰۲- «يا عباد الله! لا تحزنوا فأنتم في أعلى درجة إن كنتم محبين له، أي بندگان خدا .....» (سراسری تهری ۸۷)

- (۱) غم مخورید، چه شما اگر دوستدار او باشید در برترین مرتبه هستید!
- (۲) غمگین مشوید در حالی که در بهترین مراتب هستید اگر دوستدار وی باشید!
- (۳) هرگز غم مخورید، چه شما اگر او را دوست بدارید در بالاترین درجات قرار می‌گیرید!
- (۴) هیچ‌گاه غمگین مشوید در حالی که در بالاترین مرتبه‌اید تا زمانی که دوستدار او هستید!

۱۱۰۳- عَيْنُ الْخَطَأِ: (سراسری انسانی ۸۷)

- (۱) أليس العلم أحب إليك من الثروة؟ آیا نزد تو علم محبوب‌تر از ثروت نیست؟
- (۲) الله أعلم بما نعمل في كل زمن: خداوند بر آن چه در هر زمان انجام می‌دهیم آگاه‌تر است!
- (۳) هذان البلدان أكبر بلدین شاهدتهما! این دو شهر از شهرهای بزرگی هستند که آن‌ها را شناخته‌ام!
- (۴) إن أحسن التلاميذ من يساعدون الآخرين: بهترین دانش‌آموزان کسانی هستند که به دیگران مساعدت می‌کنند!

۱۱۰۴- عَيْنُ الصَّحِيحِ: (سراسری انسانی ۸۵)

- (۱) نعم القدرة، الغرور أمام الظالمين! بهترین نوع قدرت، غرورداشتن در مقابل ستمگران است!
- (۲) بس الشيمة أن لا تغفو عن الآخرين! این که تو از همه درنمی‌گذری خصلت بدی است!
- (۳) نعم الكوكب، كوكب سعادتي في سماء حياتي! چه خوب است ستارهٔ سعادت من در آسمان زندگی!
- (۴) بس الأمل، أمل اكتساب مال الدنيا الرخيص! آرزوی به دست آوردن مال ارزان دنیا بد آرزویی است!

۱۱۰۵- «طلب الطلاب من معلمهم أن ينصحهم بكلمات قيمة تفيدهم.» (سراسری ریاضی خارج از کشور ۸۵)

- (۱) دانش‌آموزان از آموزگارشان درخواست نصیحت با جملات بالارزش و پرفایده‌ای را کردند!
- (۲) شاگردان از معلمان خود خواستند که با آنان به وسیلهٔ کلمات پر بار و مفید به نصیحت بنشینند!
- (۳) شاگردان از آموزگاران خود درخواست کردند که سخنانی بالارزش و سودمند را به عنوان نصیحت بگویند!
- (۴) دانش‌آموزان از معلم خویش خواستند تا آنان را با کلماتی ارزشمند که برای آن‌ها مفید باشد، نصیحت کند!

۱۱۰۶- «توبه‌کننده کسی است که وقتی متوجه شد عمل او اشتباه است، آن را برای همیشه ترک کند!» (سراسری تهری ۹۵)

- (۱) إن آتني لا تترك عملها حينما لا تعلم أنه سيء هي التائب! (۲) التائب هو الذي حينما علم أنّ عمله سيئ، يتركه في النهاية!
- (۳) التائب من ترك عملها إلى الأبد عندما علمت أنه غير صحيح! (۴) إنّما الذي يترك عمله السيئ إلى الأبد عندما عرفه، هو التائب!

۱۱۰۷- «اگر ما فقط عیوب دیگران را بنگریم، از عیب‌های خود غافل می‌شویم!» (سراسری هنر ۹۴)

- (۱) إن نظرت في عيوب الآخرين فقط، تغفل عن عيوب أنفسنا!
- (۲) إذا نرى عيوب الآخرين فقط، سنغفل عن عيوبنا أنفسنا!
- (۳) إذا نظرنا في عيب غيرنا فقط، غفلنا عن عيوبنا أنفسنا!
- (۴) إن نشاهد عيوب غيرنا فقط، ننس عيب أنفسنا!

۱۱۰۸- «سکوت خجالتی‌ترین حرف در دنیای پر سر و صدا است!» (سراسری زبان ۹۲)

- (۱) أحجل من الكلام هو السكوت في الدنيا المملوءة بالضوضاء!
- (۲) هناك سكوت أحجل من الكلام في العالم المملوء بالضوضاء!
- (۳) الضمت في الدنيا و هي المملوءة بالضجيج أحجل الكلام!
- (۴) إنّ الضمت أحجل كلام في الدنيا المملوءة بالضجيج!

۱۱۰۹- «او از بزرگ‌ترین شعرای زمان خود بود که به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت!» (سراسری ریاضی ۸۶)

- (۱) إنه كان من أعظم شعراء عصره ينشد الشعر باللغتين الفارسية و العربية!
- (۲) هو من كبار الشعراء في زمانه و قد أنشد الشعر باللسانين العربية و الفارسية!
- (۳) إنه أعظم شاعر في عصره و كان ينشد الأشعار بلغتين الفارسي و العربي!
- (۴) هو أكبر شعراء زمانه و كان قد أنشد الأشعار بلسانين العربي و الفارسي!

- (۲) كثيراً من الحيوانات تعيش في البيئة التي تكيفت النفس لها معها!  
(۴) أكثر الحيوانات قد تكيفت نفسها مع البيئة التي تعيش فيها!

- (۲) إنما مراجعة الدروس طريق سهل للتعلم!  
(۴) الرجوع إلى الدروس أسهل من طريق التعليم!

- (۱) أكثر الحيوانات التي في بيئتها لها تكيف معها!  
(۳) كثير من الحيوانات تكيفت نفسها مع البيئة التي عاشت فيها!

- (۱) إن أسهل طريق للتعليم رجوع الدروس!  
(۳) مراجعة الدروس أسهل طريق للتعلم!

## قواعد

۱۱۱۲- عین ما کله اسم التفضیل:

- (۱) أخصر / أقل / أعلى / أضغر  
(۲) أقوى / أرذل / أبعد / أشهر  
(۳) أسود / أبيض / خیر / أخضر  
(۴) أكثر / أضل / أقدم / أصبح

۱۱۱۳- عین ما کله اسم التفضیل:

- (۱) أبيض - أضغر - أجود  
(۲) أثقی - أحتب - أعلم  
(۳) أرحم - أزرق - أعلى  
(۴) أشد - أضغر - أكثر

۱۱۱۴- عین ما فيه اسم التفضیل:

- (۱) سَيَهْلِكُ الْأَفْضَلُ مِنَ النَّاسِ عِنْدَمَا يَحْكُمُهُمْ مَلِكٌ ظَالِمٌ!  
(۲) قَافِلَةُ الرَّوَّارِ سَتَنْدَفِعُ إِلَى مَشْهَدِ الْمُقَدَّسَةِ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ عَدَا!  
(۳) لَمَّا نُنْظَرُ إِلَى التَّوْرِ الْأَحْمَرِ نَشْعُرُ بِتَعَبٍ شَدِيدٍ!  
(۴) مَنْ بَدَرَ بُدُورَ الْحَيْرِ فَحَصَادُهُ يَنْفَعُهُ بِلا شَكٍّ!

۱۱۱۵- عین ما ليس فيه اسم المكان:

- (۱) ﴿وَمَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ وِبئسَ المَصِيرُ﴾  
(۲) في طريقنا نحو أصفهان توقفتنا ساعة لإكل الطعام في مطعم نظيف!  
(۳) الغريب في الأمر هو أن جميع الأشماك المنتشرة على الأرض في ظاهرة مطر السمك من نوع واحد!  
(۴) يبتعد مَرَقَدٌ ثامن أممتنا مسافة ثمانمئة كيلومتر تقريباً عن طهران!

۱۱۱۶- عین ما ليس فيه اسم التفضیل:

- (۱) ﴿إني أعلم ما لا تعلمون﴾  
(۲) فقيه واحد أشد على الشيطان من ألف عابد!  
(۳) أعلم الناس من جمعت علم الناس إلى علمه!  
(۴) من غلبت شهوته عقله فهو شر من البهائم!

۱۱۱۷- عین «خير» ليس اسم التفضیل:

- (۱) خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ!  
(۲) ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ﴾  
(۳) ﴿فَمَنْ يَفْعَلْ بِمِثَالِ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾  
(۴) ﴿بِقِيَّةِ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

۱۱۱۸- عین الخطأ في استخدام اسم التفضیل:

- (۱) إن نَهَرَ التَّيْلَ أطول الأهار في العالم!  
(۲) هذه الطالبة كثري من زميلاتها في الصف عقلاً!  
(۳) ما كانت قيمة الملابس في العراق أرخص من إيران ولكن اشتريتها للهدية!  
(۴) أحتي الكبزي تدرس في فرع الإنتاج الصناعي!

۱۱۱۹- عین الخطأ عما أشير إليه بخطأ:

- (۱) شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يُرْجَى خَيْرُهُ: اسم التفضیل  
(۲) قَدْ كَفِنَ أربعة من أئمتنا في مقبرة البقيع: اسم المكان  
(۳) خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ: اسم التفضیل  
(۴) قَدْ كَانَ الْمَحْمُولُ إحدى وسائل التقل والركب في قديم الزمان: اسم المكان

۱۱۲۰- عین اسم التفضیل في محل المفعول:

- (۱) القيام بالواجبات الدراسية أقل شيء يُريد من الطلاب!  
(۲) أثقل الأشياء في الميزان هو الخلق الحسن!  
(۳) ما قسم الله للعباد شيئاً أفضل من العقل!  
(۴) أقدم أحرر التهاني إلى صُيوفنا في هذه الحفلة!

۱۱۲۱- عین الصحيح عن الكلمات المحددة:

- (۱) إعباد الله الْمُخْلِصِينَ رُفُقٌ مغلوم: اسم مفعول - خبر  
(۲) عَلَيْنَكُمْ بِأَوْسَطِ الْأُمُورِ فَإِنَّ لَهَا نَتَائِجَ جَيِّدَةً: اسم تفضیل - مبتدأ  
(۳) عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ: اسم تفضیل - خبر  
(۴) إِنَّمَا يُعِثُّ لِأَتَمِّهِ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: اسم مكان - مفعول

۱۱۲۲- عین ما فيه اسم التفضیل:

- (۱) ﴿إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾  
(۲) أَحْسَنُ الْأَوْلَادِ مَنْ يَحْتَرِمُ وَالِدَيْهِ!  
(۳) أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ!  
(۴) أَحْسَنُ الشَّابِّ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ!



١١٢٣- عَيْن «الآخرين» ليس اسم التفضيل:

- (١) ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾  
 (٢) التَّوَاضَعُ أَمْرٌ جَمِيلٌ يُمَكِّنُ أَنْ يُؤْتَرَ فِي الْآخِرِينَ!  
 (٣) أحياناً تُعَيَّبُ مَا فِي الْآخِرِينَ وَفِينَا نَفْسُ الصِّفَاتِ أَيْضاً!

١١٢٤- عَيْن «خير» يكون اسم التفضيل:

- (١) لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ!  
 (٢) ﴿... عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾  
 (٣) ﴿فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾  
 (٤) كَلِمَةُ خَيْرٍ تُفِيدُ أَفْضَلَ مِنْ كِتَابٍ لَا فَايِدَةَ لَهُ!

١١٢٥- عَيْن اسم التفضيل مبتدأ:

- (١) أَوْصِيكَ بِأَفْضَلِ الْأَعْمَالِ وَ هُوَ تَقْوَى اللَّهِ!  
 (٢) الْإِعْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَ الذَّمِّ أَكْبَرُ الْحُمُقِ!  
 (٣) يَتَعَقَّدُ أَكْثَرُ النَّاسِ بِتَأْثِيرِ الْأَلْوَانِ عَلَى الذَّهْنِ!  
 (٤) خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ مَا دَلَّ!

١١٢٦- عَيْن ما فيه «اسم التفضيل» أكثر:

- (١) ﴿وَ مَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ﴾  
 (٢) أَمَرُوا بِالْإِعْتِدَالِ فِي أَعْمَالِنَا فَإِنَّ خَيْرَ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا!  
 (٣) إِنَّهُ كَانَ مِنْ أَعْظَمِ عُلَمَاءِ عَصْرِهِ وَ أَشَدَّهُمْ إِهْتِمَامًا بِبَشْرِ الْعِلْمِ!  
 (٤) أَقْرَبُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ رَحْمَةً وَ أَقَلَّهُمْ غَضَبًا!

١١٢٧- عَيْن الخطأ في المحل الإعرابي للكلمات المعيّنة:

- (١) الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي التَّسَاءِ أَحْسَنٌ: مبتدأ مؤخر  
 (٢) لَا يُمَكِّنُ أَنْ تُعَدَّ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا: مفعول به  
 (٣) أُعْجِزُ النَّاسَ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ: مبتدأ  
 (٤) لَا يُمَكِّنُ الْاعْتِمَادَ عَلَيَّ مِنْ لَا يَتَعَقَّدُ الْأَمَانَةَ: مفعول به

١١٢٨- عَيْن عبارة فيها اسم المكان و اسم التفضيل معاً:

- (١) أَكْثَرُ الْمَلَاعِبِ الْمُتَقَدِّمَةِ مُجَهَّزَةٌ بِمَصَابِيحِ لَيْلِيَّةٍ!  
 (٢) هُنَاكَ عُمَّالٌ يَسْتَعْمِلُونَ فِي مَصَانِعِ خَارِجِ الْمَدِينَةِ!  
 (٣) الَّذِي يَكْفُلُ مَعَالِشَ أَشْرِيهِ أَحَقُّ بِدُخُولِ الْجَنَّةِ مِمَّنْ يَتَعَبَّدُ دَائِمًا!  
 (٤) فَرِيقٌ مِنَ الرِّيَاضِيِّينَ الْإِيرَانِيِّينَ صَعِدُوا أَعْلَى الْجِبَالِ فِي الْعَالَمِ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ!

١١٢٩- عَيْن اسم التفضيل ليس خيراً:

- (١) ﴿... وَ إِزْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الزَّاحِمِينَ﴾  
 (٢) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ  
 (٣) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبُهَامِ!  
 (٤) لِي سَبَبٌ آخَرَ لِعَدَمِ حُضُورِي فِي الْحَفْلَةِ إِضَافَةً إِلَى مَرَضِي!

١١٣٠- عَيْن الخطأ في استخدام اسم التفضيل:

- (١) جَبَلِ دِمَاوَنْدِ أَعْلَى جَبَلِ فِي إِيرَانَ!  
 (٢) قَال: أَنَا أَعْلَمُ بِمَا لَا تَعْلَمُونَ!  
 (٣) فَاطِمَةُ كَبْرَى مِنْ صَدِيقَتِهَا سَنَاءً!  
 (٤) أَكْمَلَ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا!

١١٣١- عَيْن كلمة «خير» اسم التفضيل:

- (١) خَيْرُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَصْدِقَائِكَ!  
 (٢) أَرِيدُ لَكُمْ الْخَيْرَ فِي كُلِّ الْأَوْقَاتِ!  
 (٣) مَا رَأَيْتُ إِلَّا خَيْرًا فِي كَلَامِ أَبِي!  
 (٤) ﴿وَ اللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾

١١٣٢- عَيْن الصَّحِيحُ عَنِ كَلِمَاتِ: «مُحَرَّمٌ - مَطَاعِمٌ - خَلَاقٌ - حُسْنِيٌّ»:

- (١) اسم الفاعل - اسم المكان - اسم المبالغة - اسم التفضيل  
 (٢) اسم المفعول - اسم المكان - اسم المبالغة - اسم التفضيل  
 (٣) اسم المفعول - اسم المكان - اسم المبالغة - اسم التفضيل

١١٣٣- عَيْن العبارة التي ما جاء فيها اسم التفضيل:

- (١) إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ!  
 (٢) شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ وَ لَا يَتَعَدَّدُ الْأَمَانَةَ!  
 (٣) أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَنْ يَدْعُونِي إِلَى الْمَعَاصِي!  
 (٤) أَغْنَى الْغَنِيِّ مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحَرَصِ أَسِيرًا!

١١٣٤- «خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غِيُوبِكُمْ» عَيْن ما ليس في العبارة:

- (١) جمع التكسير (٢) اسم التفضيل (٣) الفعل المجزئ الثلاثي (٤) حرف الجر

١١٣٥- «وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ» عَيْن ما ليس في الآية الشريفة:

- (١) الفعل المتعدي (٢) اسم التفضيل (٣) الفعل الماضي (٤) اسم الفاعل

١١٣٦- عَيْن الجواب الذي كُلُّ كلماته مشتقة:

- (١) مُغْرَبٌ - خَبَزٌ - بَحْرٌ (٢) عَقَّارٌ - مَرْجَعٌ - مَفَاهِيمٌ (٣) شَمْسٌ - مُقَاتِلٌ - أَقَارَةٌ (٤) أَوْرَاقٌ - رَتَانٌ - حَاكِمٌ

١١٣٧- عَيْن ما جاء فيه اسم المبالغة:

- (١) الظواهر الطبيعية أبه من آيات الله التي تُفَعُّ أَمَامَ عَيْونِنَا!  
 (٢) أَيَّامُ الدِّرَاسَةِ مِنَ الْإِيَّامِ الْجَمِيلَةِ. إِغْنِيَهُمَا هَذِهِ الْإِيَّامُ!  
 (٣) الْكُفَّارُ يَظُنُّونَ أَنَّ النَّارَ فِي الْفِرَاشِ هُوَ الرَّسُولُ ﷺ!  
 (٤) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾

١١٣٨- عَيْن العبارة التي اسم التفضيل فيها يختلف عن الباقي في المعنى:

- (١) شَجَرَةُ السُّكُوبَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ!  
 (٢) ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾  
 (٣) تَعَرَّفْتُ عَلَى أَنْفَعِ الْأَدْوِيَةِ لِهَذَا الْمَرَضِ!  
 (٤) الْقَرْيَةُ أَجْمَلُ مِنَ الْمَدِينَةِ جَدًّا!

١١٣٩- عَيْن ما ليس في العبارة التالية: «قال مُضَيِّعُ أموالِي لي في المحْكَمَة عند القاضي: أُرْسِلْ لك أَكْثَرُ أموالِنا»:

- (١) اسم الفاعل للمزيد - اسم المكان  
(٢) اسم الفاعل للمجرد - اسم التفضيل  
(٣) اسم المفعول للمزيد - اسم الفاعل  
(٤) اسم التفضيل - اسم المكان

١١٤٠- عَيْن الخطأ عن اسم التفضيل:

- (١) فاطمة أَكْبَرُ مِنِّي فاحترمها!  
(٢) بَيْتُ الاطفالِ الفقراءِ أَجْمَلُ مِن بَيْتِ الآخرين!  
(٣) السَيِّدُ الحسيني من أَفْضَلِ المُعَلِّمين!  
(٤) أُختي صغرى مِنِّي عمراً. اَلْعَبُّ كُلُّ يَوْمٍ مَعها!

١١٤١- عَيْن عبارة ما جاء فيها اسم المكان:

- (١) الكذب مفتاح لكل شر!  
(٢) لِأَدْخُلُ مَنجَرَ صديقي و أشال أسعازَ السراويل!  
(٣) السائحُ ذَهَبَ إلى أكبر المكتبة في خوزستان!  
(٤) العَمالُ يَنْصَرِفُونَ إلى المَصانِعِ لِيَعْمَلُوا بِدَقَّة!

١١٤٢- عَيْن اسم التفضيل ليس خيراً:

- (١) هذه القصة التي سمعتها منك أنفع القصص!  
(٢) أنت أقواهم في الجسم هل تُساعدني يا أخي!  
(٣) شُهادُونا في الحرب المفروضة خير الناس إيماناً و عملاً!  
(٤) هذا الشارعُ شارعٌ أطولُ من ذلك الشارع!

١١٤٣- عَيْن الخطأ للكلمات التي نُحْتَمِلُها خطأ:

- (١) الضادِقُونَ لا يَكْذِبُونَ الحقائق حولهم! (المبتدأ - المفعول)  
(٢) على الإنسان أن يفتنم الفرض في الخبر حياته! (المجرور بحرف الجر - الفاعل)  
(٣) أريدُ المعلمَ الحاذقَ لتربية أولادي! (صفة - مضاف إليه)  
(٤) لمدرستنا بابٌ أبيضٌ في مَدْخَلِها! (الخبر المقدم - المبتدأ المؤخر)

١١٤٤- عَيْن العبارة التي جاء فيها اسم الفاعل و اسم التفضيل معاً:

- (١) قد طالعتُ أكثر الكتب العلمية التي توجد في مكتبة المدرسة!  
(٢) أُحسِنُ إلى مَنْ هُوَ غافِلٌ عَنِ الأمورِ المُهمَّةِ!  
(٣) أستاذنا العالي في مدرستنا أكثرَ اشتهاً بمدارس طهران!  
(٤) هل تُعلِّمُ يا صديقي: لا يَدْخُلُ الجَنَّةَ قاطِعُ رحِم!

١١٤٥- أي جواب لا يُوجَدُ في العبارات:

- (١) ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ﴾ (اسم المبالغة)  
(٢) يُشجِّعُ العُلَماءُ الناسَ على التَّفَكُّرِ و التَّعَلُّمِ! (اسم الفاعل)  
(٣) نعالٌ نذهبُ إلى الملعبِ لِشَهِادَةِ فريقنا! (اسم المكان)  
(٤) مُشاوَرَةُ المُشْفِي الجاهِلِ حَظِيْرٌ! (اسم المفعول)

١١٤٦- عَيْن «خير» ليس اسم التفضيل:

- (١) المؤمن القوي خيرٌ عند الله من المؤمن الضعيف!  
(٢) تُؤكِّلُنا على الله في جميع الأمورِ يَجْلِبُ لنا الخيرَ و السعادة!  
(٣) أُرشدنا إلى خير السبيلِ مَنْ كانَ يُعلِّمنا!  
(٤) ﴿عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ﴾

١١٤٧- عَيْن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) ﴿كَلِمَةُ اللهِ هِيَ العُلْيَا﴾  
(٢) أُحسِنُ بالوالدين إحساناً دائماً!  
(٣) للبلبلِ خيرُ الأصواتِ مِن بينِ سائرِ الطيورِ!  
(٤) شَرُّ الأصدقاءِ مَنْ هُوَ جاهِلٌ في الأمورِ!

١١٤٨- عَيْن الخطأ:

- (١) فاطمةُ أَفْضَلُ مِن زينب! (٢) هي أُختي الكبرى!  
(٣) أُحسِنُ الناسَ أنْفَعُ الناسِ! (٤) مريمُ أَكْبَرُ الطالِباتِ!

١١٤٩- عَيْن ما ليس فيه اسم المكان:

- (١) عندما فهمتُ الزلزالَ تَرَكْتُ مَكانِي و أَسْرَعْتُ إلى الشارع!  
(٢) كان مُوعدُ لقائنا مع الأصدقاء عند مَدْخَلِ المدرسة!  
(٣) لم يَفْتَحْ هذا المطارُ قاعةَ الانتظار في الوقت المُحدَّد!  
(٤) جاء النبي ﷺ عندما كانت الدنيا مملوءة بالشرور و المعاصي!

١١٥٠- عَيْن الخطأ في المحل الإعرابي لما تحته خطأ:

- (١) أنا أَحَقُّ مِنكَ بِالْحُجْمِ في هذا المجلس! (اسم التفضيل)  
(٢) قالَ العلامَةُ بِشَهادَةِ: لا تَخافُوا إِنَّ اللهَ مَعنا! (فاعل)  
(٣) البائعُ قد عَرَفَني. نعالٌ نذهبُ إلى مَنجَرَ آخرا! (مفعول)  
(٤) لماذا ليس بعضُ الناسِ شاكري نعم الله؟ (مضاف إليه)

١١٥١- عَيْن ما ليس في العبارة: «لما وَصَلْتُ إلى مَمَرٍ بيتنا رأيتُ والديَّ محزونين عن تصادمِ السيارَةِ»:

- (١) اسم الفاعل / اسم المفعول (٢) اسم المكان / الاسم المثنى (٣) اسم الفاعل / اسم المبالغة (٤) اسم المفعول / اسم المكان

١١٥٢- عَيْن اسم التفضيل:

- (١) أحبُّ هذا الفلمَ الرائعَ لِأَنَّهُ جميلٌ جداً!  
(٢) ربنا آمنا فأغفر لنا و لِحُصْنائِكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ!  
(٣) أُعلِّمَتُ أَجَلَ من معلمِ يَبْنِي و يَنسِي أنفاساً!  
(٤) ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زينةَ اللهِ التي أُخْرِجَ لعبادِهِ و الطَّيِّباتِ من التَّرزُقِ﴾

١١٥٣- عَيْن الصحيح:

- (١) قَتَلَ ← اسم المكان: مَقْتُلٌ / اسم المفعول: مَقْتُولٌ  
(٢) نَفَعَ ← اسم التفضيل: أنْفَعُ / اسم الفاعل: مَنفَعٌ  
(٣) عَلِمَ ← اسم الفاعل من باب التفعيل: مُتَعَلِّمٌ / اسم التفضيل: أَعلَمُ  
(٤) صدق ← اسم الفاعل من باب التفعُّل: مُتَصَدِّقٌ / اسم التفضيل: صادق

#### ١١٥٤- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ عِدَدِ الْأَسْمَاءِ الْمَشْتَقَّةِ:

- (١) عالمٌ يُنتَفِعُ بعلمه خيرٌ من ألفِ عابدٍ ← اثنان  
(٣) قم عن مجلسك لأبيك و معلّمك و إن كنت حاكماً ← ثلاثة

#### ١١٥٥- كم اسماً مشتقاً جاء في الآية التالية؟ ﴿قُلْ إِنْ اللَّهُ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَنْزِلَ آيَةٌ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾:

- (١) واحد (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

#### ١١٥٦- عَيْنُ عِبْرَةٍ لَيْسَ فِيهَا اسْمٌ مُشْتَقٌّ:

- (١) ﴿إِقْرَأْ وَ رَبِّكَ الْأَكْرَمُ • الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾  
(٣) ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ﴾

#### ١١٥٧- عَيْنُ عِبْرَةٍ جَاءَ فِيهَا اسْمٌ مُشْتَقٌّ:

- (١) السكوت ذهب و الكلام فضة!  
(٣) جمال المرء فصاحة لسانه!

#### ١١٥٨- عَيْنُ اسْمٍ مُشْتَقًّا يَخْتَلِفُ مَحَلُّهُ الْإِعْرَابِيُّ:

- (١) ﴿لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ﴾  
(٣) فقد استفاد من اللغة العربية الشعراء الإيرانيون!

#### ١١٥٩- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْأَسْمَاءِ الْمَشْتَقَّةِ: «شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يُسْتَعْمَدُهَا الْمَزَارِعُونَ كَسِيَاغٍ حَوْلَ مَزَارِعِهِمْ لِحِمَايَةِ مَحَاصِلِهِمْ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ»:

- (١) مفعول به، مجرور بحرف الجر، مضاف إليه  
(٣) فاعل، مجرور بحرف الجر، مفعول به  
١١٦٠- كم اسماً مشتقاً جاء في عبارة «كانت مكتبة جندي سابور في خوزستان أكبر مكتبة في العالم القديم»؟  
(١) اثنان (٢) ثلاثة (٣) أربعة (٤) خمسة

## درک مطلب

### • النَّشْ الْأَوَّلُ

من الظواهر التي يشاهدها المجتمع ظاهرة السخرية والاستهزاء. بالتأكيد (= البه) قضية الاستهزاء كانت موجودة منذ الزمن القديم حتى الآن و نحن نشاهدها بأشكال مختلفة على مر العصور. على سبيل المثال بعض شعراء العرب كانوا يسخرون أحياناً خليفة عصرهم بأشعارهم أو يستهزئ بعض الناس بعضاً بتقليد أفعالهم أو أقوالهم سراً و علانية أو يذكرون عيوب الناس بكلام خفي أو يلقبون الآخرين بألقاب كريهة ... و أمّا في عصرنا الحاضر قد نشرت السخرية أكثر فأكثر بين الناس خاصة بين الشباب في المواقع الإلكترونية أو في الفضاءات المجازية. بعض الأفراد يبحثون عن عيوب في ظاهر الأشخاص أو أتيابهم (ج ثوب) أو كيفية تكلمهم لنشرها بين أصدقائهم.

#### ١١٦١- أي عبارة لا ترتبط بالنش في المفهوم؟

- (١) غرت عيب جوي بود در سرشت / نبینی ز طاووس جز پای زشت  
(٣) عيب كسان منگر و احسان خویش / دیده فروبر به گریبان خویش  
(٢) طویی لمن يشغله عيبه عن عيوب الناس!  
(٤) أحب إخواني من أهدى إلي عيوي!

#### ١١٦٢- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (١) الشعراء في الماضي كانوا يسخرون الحكام و الأمراء بأشعارهم!  
(٣) الشباب يسخر بعضهم بعضاً أكثر من الآخرين!  
(٢) ظاهرة السخرية ظاهرة جديدة نشاهدها في عصرنا الحاضر!  
(٤) صار الجوّال كوسيلة لنشر العيوب في عصرنا!

#### ١١٦٣- أي عمل لا يحسب من الأعمال القبيحة؟

- (١) أن نلقب الناس بألقاب لا يحبونها!  
(٣) أن نذكر عيوب الناس لأنفسهم بكلام خفي!  
(٢) التجسس في أمور الآخرين لاستهزائهم!  
(٤) أن نقلد أفعال الناس في غيابهم لتفزع أصدقاءنا!

#### ١١٦٤- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

- (١) شعراء: اسم، جمع تكسير و مفرده «شاعر»، اسم الفاعل / مبتدا  
(٢) يلقبون: فعل مضارع، للغائبين، مزيد ثلاثي من باب تفعيل، متعد / فاعله ضمير «الواو»  
(٣) الحاضر: اسم، مفرد، مذکر، اسم الفاعل من الفعل المجزء الثلاثي / مضاف إليه  
(٤) يُشاهد: فعل مضارع، للغائب، مزيد ثلاثي من مصدر «مشاهدة»، لازم / فاعله ضمير «ها»

١١٦٥- عَيَّن الصَّحِيح عن قراءة الكلمات التي تحتها خطاً:

(١) بعضُ الأفراد يبحثون عن عيوب في ظاهر الأشخاص!

(٣) يُسْتَهْزئُ بعض الناس بعضاً بتقليد أفعالهم!

(٢) نحنُ نُشَاهِدُهَا بأشكال مختلفة على مرِّ العصور!

(٤) بعض شعراء العرب كانوا يسخرون أحياناً خليفَةَ عصرهم!

### • النَّصُّ الثَّانِي

اقرأ النص التالي بدقة ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص:

في قرية كان يعيش شابٌ يسخر النَّاسَ من الأطفال و الكبار و لا يلتفتُ إلى نصائح والدته التي تقول له: «يا بُنَيَّ لا تَسْخَرِ مِنَ النَّاسِ و اجْتَنِبِ عَنِ هَذَا الْعَمَلِ الْقَبِيحِ فَيُعَاقِبَكَ اللهُ». فإذا رأى رجلاً ثَقِيلَ السَّمْعِ أو قَصِيرَ الْقَامَةِ و ... يَضْحَكُ عَلَيْهِ و يَلْقَبُهُ بِلَقَبٍ يُسَبِّبُ غَضَبَ ذَلِكَ الرَّجُلِ. ذات يوم مرَّ الشابُّ برجلٍ يَعْرِجُ (مى لنغيد) فَسَخِرَ الشَّابُّ مِنْهُ كَثِيراً لِيَضْحِكَ أصدقائه فَحَزَنَ الرَّجُلُ الْأَعْرَجُ بِشِدَّةٍ و فدعا عليه. بعد ساعات سقط الشابُّ على الأرض فذهبت به أمه إلى الطَّيِّبِ، الطَّيِّبِ بعد فحصه قال له: «إنكسرت ساقك بشكلٍ عجيب، قد يُمكن أن لا تقدِرَ على أن تمشي على رجلك أو تمشي أعرجاً». تذكَّرَ الشابُّ ذلك الرَّجُلَ الْأَعْرَجَ الَّذِي كان يسخر منه و تفكَّرَ في عمله القبيح ثم قال في نفسه: «اللَّهُمَّ لا تجعلني ممن يظلمون النَّاسَ فأَتُوبُ إِلَيْكَ و أعاهدك أن لا أستهزئ بالآخرين أبداً»

١١٦٦- عَيَّن عنواناً أنسب للنص:

(١) توبة الشاب الأعرج! (٢) عدم اهتمام بنصيحة الأم! (٣) قد ينتقم الدهر! (٤) جزاء الأفعال!

١١٦٧- عَيَّن عبارة تناسب النص:

(١) أكبر العيب أن تعيب ما فيك مثله!  
(٣) أحب إخواني إلي من أهدى عيوبي إلي!  
(٢) چو بد کردی مباش ایمن ز آفات / كه واجب شد طبیعت را مكافات  
(٤) انگشت مکن رنجه به در کوفتن کس / تا کس نکند رنجه به در کوفتن مش

١١٦٨- عَيَّن الصَّحِيح على حسب النص:

(١) الشابُّ الْأَعْرَجُ ما كان يقبلُ نصائح أمه!  
(٣) عَزَمَ الشابُّ على أن يعتذرَ مِنَ الرَّجُلِ الْأَعْرَجِ الَّذِي سَخِرَ مِنْهُ!  
(٢) عندما كان يسخر الشابُّ الرَّجُلَ الْأَعْرَجَ سقط على الأرض!  
(٤) ما كانت الأمُّ تُقدِرُ على أن تمنعَ ابنه من عمله القبيح!

١١٦٩- عَيَّن الصَّحِيح عن المحلِّ الإعرابيِّ للكلمات التالية: «النَّاسُ - القبيح - ذلك - ساق».

(١) فاعل - صفت - مضاف إليه - مفعول به  
(٢) مفعول به - صفت - مضاف إليه - فاعل  
(٣) مفعول به - مضاف إليه - مفعول به - فاعل  
(٤) فاعل - صفت - مفعول به - فاعل

١١٧٠- عَيَّن الصَّحِيح عن الكلمات التالية على الترتيب: «لا يلتفت - الأعرج - تذكَّر».

(١) الفعل المضارع للنفي - اسم التفضيل - الفعل المضارع  
(٢) مزيد ثلاثي من باب افتعال - مذكر - مزيد ثلاثي من باب تفعل  
(٣) للغائب - اسم التفضيل - للمخاطب  
(٤) مصدره «التفتت» - مفرد - مزيد ثلاثي من باب تفعيل

### • النص الثالث

اقرأ النص التالي بدقة ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص:

الثقة بالنفس عنصر من العناصر الأساسية في تكوين الشخصية الناجحة إنها تجعل الإنسان مؤمناً بقدرته الخلاقة و متغلباً على المصاعب و المشكلات التي تقع في سبيله! فالسبب في فشل الكثيرين من الناس هو فقدان ثقتهم بأنفسهم و ضعف إيمانهم بالقدرة علي العمل و النجاح! و نحن لا نقصد بالثقة بالنفس أن يعيش الإنسان منعزلاً عن الآخرين أو مغروراً بنفسه، لكننا نقصد به الاستقلال الشخصي و القدرة على قبول المسؤولية!

١١٧١- «من فوائد الثقة بالنفس .....!»

(١) الشعور بالقوة و القدرة! (٢) الابتعاد عن الانعزال!  
(٣) الاجتناب عن الغرور! (٤) إيجاد روح الايمان بالله!

١١٧٢- «من مصاديق الأمم التي تعتمد على نفسها .....!»

(١) الأمة التي تشعر بأنها من أحسن الأمم!  
(٣) المجتمع الذي لا يراعي حقوق الآخرين، بل يغصبها!  
(٢) المجتمع الذي أغلق بابه في وجه الآخرين!  
(٤) الأمة التي لا تأكل إلا مما تزرع و لا تلبس إلا من منسوجاتها!

١١٧٣- عَيَّن الخطأ:

(١) أسباب النجاح ليست اكتسابية!  
(٣) الثقة بالنفس تُسبب الكبر و الغرور بعض الأحيان!  
(٢) فقدان الثقة يسبب الفرار من المسؤولية!  
(٤) الإفراط في الوثوق بالنفس يسبب الانعزال عن جميع الناس!

١١٧٤- عَيَّن العبارة التي تناسب النص:

(١) من اجتهد في عمله وجد أمله!  
(٣) من جعل نفسه عظماً أكلته الكلاب!  
(٢) الجزع عند المصيبة مصيبة أخري!  
(٤) من لم يؤمن بما عنده لا يؤمن بما عند ربه!

عَيْن الصَّحِيح فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

١١٧٥- «تَقْصِدُ»:

- (١) مضارع - للمتكلم وحده - مزيد ثلاثي / فعل و فاعله الضمير المستتر
  - (٢) مجزئ ثلاثي - متعدّد - مبني للمجهول / فعل و نائب فاعله ضمير «نحن»
  - (٣) للمتكلم مع الغير - مجزئ ثلاثي - متعدّد - مبني للمعلوم / فعل و فاعله ضمير «نحن» المستتر
  - (٤) فعل مضارع - للمتكلم مع الغير - مزيد ثلاثي من باب إفعال - متعدّد - مبني للمعلوم / فعل و فاعله الضمير المستتر
- ١١٧٦- «الناجحة»:

- (١) اسم - مفرد مؤنث - مشتق / مبتدأ مؤخر و مرفوع و الجملة اسمية
- (٢) مفرد مؤنث - مشتق و اسم فاعل - معرّف بأل / صفة و منصوب بالتبعية للموصوف
- (٣) معرّف بأل - اسم الفاعل من المجزئ الثلاثي / مضاف إليه و مجرور و المضاف هو «الشخصية»
- (٤) اسم - مشتق و اسم فاعل - معرّف بأل / نعت و مجرور بالتبعية للمنعوت «الشخصية»

• النَّصُّ الزَّايِعُ

اقرأ النص التالي بدقّة ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص:

أطلب ما تريد في معاشرتك بابتسامتك، فذلك خير من الشدّة و الغضب، فالزَّفَقُ مثل السُّحْرِ يُؤَثِّرُ فِي النُّفُوسِ وَ يَغْيِرُ الْحَالَاتِ. فَمَنْ اتَّخَذَهُ وَسِيلَةً لَهُ تَمَكَّنَ مِنْ (قدر على) تذليل أشدّ المصاعب و فاز بما يطلب! الإنسان الرفيق في معاشرته مع أبناء بلده يستطيع أن يستولي على العقول. و نحن لا نقصد بهذا الكلام أن يكون المرء ليتناً في جميع الحالات! و لكن هذا الخلق في الأمور السياسية بحاجة إلي تأمل، لأنّ القوي قد يبتسم ليصيد الضعيف!

١١٧٧- أمرنا باتخاذ موقف (منهج) الزَّفَقِ فِي .....

(سراسرى هنر ٨٤)

- (١) مواجهة الأقوياء! (٢) المسائل السياسيّة! (٣) مواجهة الضّعفاء! (٤) الارتباطات الاجتماعيّة!

١١٧٨- عَيْنُ الْخَطَأِ:

- (١) رفق القويّ ليس دائماً علامة لحسنه و كرامته!  
 (٢) أسلوب الرفق لا يفيدنا إلا في المسائل السياسيّة!  
 (٣) بعض الأحيان الزَّفَقِ خدعة العدو يتخذها ليخدعنا!  
 (٤) الرفق يصبح بعض الأحيان سماً مهلكاً يقتل الإنسان!

١١٧٩- متي يجب أن تستفيد من أسلوب الزَّفَقِ؟

- (١) إذا أصبنا متأثرين بهذا الخلق!  
 (٢) لما أردنا أن نصيد ضعيفاً!  
 (٣) حين علمنا أنه مؤثّر في المخاطب!  
 (٤) إذا واجهنا قوياً و خفنا منه!

١١٨٠- عَيْنُ الْأَقْرَبِ إِلَى مَفْهُومِ النَّصِّ:

- (١) بالملاطفة تُخَرِّجُ الْحَيَّةُ (الأفعى) مِنْ مَكَانِهَا!  
 (٢) قد تفعل الشدّة ما لا يفعله الرفق!  
 (٣) المؤمن رحيم بالمؤمنين و شديد بالكافرين!  
 (٤) الزم اللطف و أترك الشدّة فإنّها خسارة!

عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

١١٨١- «تَمَكَّنَ»:

- (١) للغائب - مزيد ثلاثي من باب تفعل - لازم / فعل منصوب و مع فاعله جملة فعلية و جواب شرط
- (٢) مزيد ثلاثي من باب تفعيل - لازم - مبني للمعلوم / فعل و فاعله «من» و الجملة فعلية و جواب شرط
- (٣) مضارع - للغائب - متعدّد / فاعله ضمير «هو» المستتر و الجملة فعلية
- (٤) فعل ماضٍ - للغائب - مزيد ثلاثي من باب تفعل / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر و الجملة فعلية

١١٨٢- «أَشَدُّ»:

- (١) اسم - نكرة - معرب - مشتق / مضاف إليه و مجرور  
 (٢) مفرد مذكّر - مشتق و اسم تفضيل / نعت و مجرور  
 (٣) اسم - مفرد مذكّر - مشتق و اسم تفضيل / مضاف إليه و مجرور  
 (٤) جامد - معرّف بالإضافة / نعت و مجرور

عَيْنُ الْإِسْكَانِ - الْإِسْكَانِ

۱۰۳۱- گزینه ۳

ترجمه کامل عبارت: «خداوند جاسوسی در امور دیگران را حرام کرده است؛ چون که باعث کشف رازهای آن‌ها و رسوایی‌شان می‌شود.»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱) منع کرده است - الودگی به گناه / گزینه (۲) ناهیده است - گناه / گزینه (۳) حرام کرده است - رسوایی / گزینه (۴) عیب گرفته است - مسخره کردن

۱۰۳۲- گزینه ۳

ترجمه کامل عبارت: «بیا به مغازه دوستم برویم، سپس از او پیراهنی بخریم!»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱) مغازه - بخوریم / گزینه (۲) رستوران - خریدیم / گزینه (۳) مغازه - بخریم / گزینه (۴) کتابخانه - مطالعه کنیم

۱۰۳۳- گزینه ۳

به ترجمه گزینه‌ها دقت کنید!  
گزینه (۱) این پیراهن‌ها چند تومان هستند؟ هفتاد و پنج هزار (تومان) ✓  
گزینه (۲) مبلغ چقدر شد؟ دوپست و سی هزار شد ✓  
گزینه (۳) آیا از این ارزان تر هم داری؟ بله سفید و سیاه داریم. ✗  
گزینه (۴) آیا شلواری بزرگ‌تر از این می‌خواهی؟ بله بزرگ‌تر از این می‌خواهم.

۱۰۳۴- گزینه ۴

ترجمه گزینه (۴): «اظهار ندامت و سعی برای جبرانش ..... است.» (خودپسندی) ← غلط است، این عبارت توصیف «التوبة» است.

ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینه (۱) بدگمانی، اتهام شخصی به شخصی دیگر است بدون دلیل منطقی! / گزینه (۲) خداوند بدگمانی، را برای مردم حرام کرده است! / گزینه (۳) جاسوسی برای فهمیدن رازهای دیگران از بدترین کارهاست!

۱۰۳۵- گزینه ۲

در این گزینه دو اسم متضاد وجود دارد: الأراذل (فرومایگان) ✗ الأفاضل (شایستگان)  
در سایر گزینه‌ها هیچ دو اسم متضادی نداریم:

گزینه (۱): کسی که شهوتش بر عقلش غلبه کند، پس لواز چارپایان بدتر است!  
گزینه (۳): هیچ چیزی در ترازوی اعمال سنگین تر از اخلاق نیکو نیست!  
گزینه (۴): بزرگ‌ترین عیب آن است که آن چه را که در خودت مانندش هست عیب‌جویی کنی!

۱۰۳۶- گزینه ۱

در گزینه (۱) تَزْوَع (بکاری) ✗ تَحْضَد (درو می‌کنی) متضاد هستند.  
در سایر گزینه‌ها اسم‌های متضاد نداریم:

گزینه (۲): و با آن‌ها به روشی که بهتر است گفت‌وگو کن. همانا پروردگارت داناتر است! / گزینه (۳): بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم از شر آن چه آفریده است! / گزینه (۴): خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران نهی می‌کند!

۱۰۳۷- گزینه ۳

ترجمه کامل عبارت: «قیمت این پیراهن‌ها چند است؟ بر حسب جنس فرق می‌کند ولی من به شما تخفیف می‌دهم!»  
ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): ارزش - قیمت‌ها - کاهش / گزینه (۲): پول - جنس - کاهش / گزینه (۳): قیمت - جنس - تخفیف / گزینه (۴): ارزش - قیمت‌ها - تخفیف

۱۰۳۸- گزینه ۴

ترجمه گزینه (۴): «کسی که خوب کند اخلاقی را، خودش را عذاب می‌دهد.» ← غلط است، حَسَن نمی‌تواند این جمله را تکمیل کند!

ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): غیبت از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط بین مردم است! ✓ / گزینه (۲): قوم دیگری را مسخره نکنید، شاید از شما بهتر باشند! ✓ / گزینه (۳): همانا ما از ناهیدن دیگران با اسم‌های زشت منع شده‌ایم! ✓

۱۰۳۹- گزینه ۳

در گزینه (۳) ضَلَّ یعنی «گمراه شد» و اَهْدَى یعنی «هدیه داد» که هیچ ارتباطی ندارد و متضاد نیستند!  
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): حَرَمَ (حرام کرد) ✗ اَحَلَّ (حلال کرد) / گزینه (۲): الْحَيَّ (زنده) ✗ الْمَيِّتَ (مرده) / گزینه (۴): الْخَفِيَّ (پنهان) ✗ الظَّاهِرَ (آشکار)

۱۰۴۰- گزینه ۲

ترجمه کامل عبارت: «به کارگیری شبکه‌های ارتباط اجتماعی مانند تلگرام و فیس‌بوک در سال‌های اخیر زیاد شده است.»  
ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): فاصله گرفتن (دور شدن، دور شدن از یکدیگر) / گزینه (۳): همگرایی / گزینه (۴): لقب‌های بد دادن

۱۰۴۱- گزینه ۳

با توجه به معنای عبارت، در جای خالی یک فعل مثبت باید بیاید نه منفی: «..... بین مردم اشخاصی که از گذشته‌شان چیزی نمی‌دانیم، پس نباید آن‌ها را مسخره کنیم و باید به آن‌ها احترام بگذاریم!»  
ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): گاهی هستند / گزینه (۲): شاید باشد / گزینه (۳): نیستند / گزینه (۴): شاید باشند

۱۰۴۲- گزینه ۳

در گزینه (۳) عَصَى یعنی «عصیان کرد، سرکشی کرد» و اطاع یعنی «اطاعت کرد» این دو فعل متضاد هم هستند، نه مترادف!

۱۰۴۳- گزینه ۲

ترجمه کامل عبارت: «هرگاه خشم بر تو غلبه کند، سکوت کن چرا که آن (خشم) از صفات شیطان است!»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): بتواند / گزینه (۲): غلبه کند / گزینه (۳): رسوا کند / گزینه (۴): ناپسند بشمارد

۱۰۴۴- گزینه ۲

اِهْتَدَى (هدایت شد) در عبارت (ب) و ضَلَّ (گمراه شد) در عبارت (د) متضاد هم هستند، بنابراین جواب، گزینه (۲) است.  
ترجمه عبارات:

- (الف) ما باید از خودپسندی دوری کنیم؛ چون که آن امر زشتی است.
- (ب) مردم گاهی اوقات با ستارگانی که در آسمان هستند هدایت شده‌اند.
- (ج) خداوند آرامشش را بر رسولش و بر مؤمنان نازل کرد.
- (د) خداوند غیبت را حرام کرده است پس با کسی که از راهش گمراه شده است ستیز کن!

۱۰۴۵- گزینه ۴

کلمات مهم: جادل: ستیز کن، استدلال کن - أَحْسَن: بهتر - أَعْلَم: داناتر - ضَلَّ: گمراه شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «گفتاری» معادلی ندارد - «چرا که» اضافه است - «عن سبيله» ترجمه نشده است. / گزینه (۲): «روش‌های بهتر» ترجمه درستی نیست، «بألتی هی أحسن» یک جمله مجزاست و نباید صفت و موصوف ترجمه شود - ضمیر «ك» در «رَبِّكَ» و ضمیر «ه» در «سبيله» ترجمه نشده است. / گزینه (۳): «خوب» درست نیست، چون «أَحْسَن» اسم تفضیل است - «کسانی که» باید «کسی که» باشد، چون فعل بعد از «مَنْ» مفرد است - «آگاه» باید «آگاه‌تر» باشد چون «أَعْلَم» اسم تفضیل است.

۱۰۴۶- گزینه ۲

در گزینه (۲) تَعَال یعنی «ببیا» و به اشتباه «برو» ترجمه شده، باقی ترجمه‌ها درست هستند.

۱۰۴۷- گزینه ۳

- نکات مهم:
- هل: آیا ← رد گزینه (۲)
  - تکرهون: ناپسند می‌دانید، بدان می‌آید ← رد گزینه (۱)
  - لماذا: چرا! ← رد گزینه (۴)
  - لا تجتنبون: دوری نمی‌کنید (للمخاطبین و منفی است) ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)

**۱۰۴۸- گزینه ۴ نکات مهم:**

- قد عَلِمَ: یاد داده است، آموزش داده است (فعل ماضی است). ← رد گزینه (۲)
- أهمّ الأمور الأخلاقية: مهم‌ترین کارهای اخلاقی ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)
- حياتنا اليومية: زندگی روزانه‌مان ← رد گزینه (۱)

**۱۰۴۹- گزینه ۱ کلمات مهم:**

- ساتر: پوشاننده ← رد گزینه (۳)
- كلّ معيوب: هر عیبی (چون معيوب مفرد است، كلّ را «هر» ترجمه می‌کنیم، در ضمن، معيوب نکره است). ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)
- التوبة: توبه معرفه است و نباید به صورت نکره ترجمه کرد. ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)
- خير الزاحمين: بهترین رحم‌کنندگان (نباید بيشان «از» بیاید و در ضمن الزاحمين جمع است). ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)

**۱۰۵۰- گزینه ۴ نکات مهم:**

- أحبّ: محبوب‌ترین (دقت کنید که بر وزن أَفْل و اسم تفضیل است. فعل نیست چون فعل مضارع در این وزن باید روی «ح» کسره داشته باشد: أحبّ). ← رد گزینه (۱)
- من: کسانی (چون بعد از آن فعل جمع آمده، پس باید به صورت جمع ترجمه شود). ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)
- لا يعيبونها: از ما عیب‌جویی نمی‌کنند (جمع است). ← رد گزینه (۳)
- يهدون: هدیه می‌دهند (از باب افعال است: أهدي، يهدي، إهداء) ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
- عيوبنا: عیب‌هایمان ← رد گزینه (۳)

**۱۰۵۱- گزینه ۱ کلمات مهم:**

- أن نصح: نصیحت کنیم (للمتكلم مع الغير است). ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)
- كلّ الطلاب: همه دانش‌آموزان (الطلاب جمع است پس كلّ را «همه» ترجمه می‌کنیم). ← رد گزینه (۲)
- حتى يتنبّه: تا آگاه شود (لغائب است). ← رد گزینه (۳)

**۱۰۵۲- گزینه ۳ کلمات مهم:**

- قد لَقِبَ: لقب داده‌اند (فعل ماضی است). ← رد گزینه (۱)
- بعض: بعضی ← رد گزینه (۴)
- قبيح: زشتی (نکره است). ← رد گزینه (۱)
- يكره: ناپسند می‌داند، بدش می‌آید ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)
- ينس العمل هذا: این، کار بدی است! (هذا باید ترجمه شود!) ← رد گزینه (۲)

**۱۰۵۳- گزینه ۲ نکات مهم:**

- در این گزینه، «لا تلقبوا» فعل نهی و به معنی «لقب ندهید» است.
- ترجمه درست: «و آن‌ها را با لقب‌هایی که از آن‌ها اکراه دارند، لقب ندهید!»

**۱۰۵۴- گزینه ۲ نکات مهم:**

- قد يسخر: گاهی مسخره می‌کند («قد» قبل از فعل مضارع معنی «گاهی» ممکن است) می‌دهد. ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)
- انصحا: نصیحت کنید (فعل امر است). ← رد گزینه (۳)
- يمنع: منع می‌کند (مضارع است). ← رد گزینه‌های (۱) و (۴) 😊

**۱۰۵۵- گزینه ۳ نکات مهم:**

- یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ← رد گزینه (۱)

- اجتنبوا: بپرهیزید، اجتناب کنید (فعل امر است). ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)
- كثيرًا من الظن: بسیاری از گمان‌ها ← رد گزینه (۲)
- بعض الظن: بعضی از گمان‌ها ← رد گزینه (۲) (در ضمن در گزینه (۲) از فعل «محسوب می‌شود» استفاده کرده که معادلی در عبارت عربی ندارد!)

**۱۰۵۶- گزینه ۴ کلمات مهم:**

- قد حرّم: حرام کرده است (فعل ماضی است). ← رد گزینه‌های (۱) و (۲)
- تسمية الآخرين: نامیدن دیگران (الأخرين جمع است). ← رد گزینه‌های (۲) و (۳) که در گزینه (۳) «تسمية» و «بالأسماء القبيحة» ترجمه نشده!
- الأسماء القبيحة: نام‌های زشت (جمع است). ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)

**۱۰۵۷- گزینه ۱ کلمات مهم:**

- الذين: کسانی که ← رد گزینه (۳)
- لا يتوبون: توبه نمی‌کنند ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
- يغتابون: غیبت می‌کنند (فعل مضارع) ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
- عذاب أليم: عذابی دردناک (موصوف و صفت و نکره است). ← رد گزینه‌های (۲) و (۴) (در ضمن در گزینه (۴) «خود» اضافه است!)

**۱۰۵۸- گزینه ۲ نکات مهم:**

- تنصحنًا: نصیحت می‌کند ما را (فعل مضارع) ← رد گزینه (۳)
- إحدى آيات القرآن: یکی از آیات قرآن ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)
- في سورة: در سوره «في» ترجمه شود! ← رد گزینه (۱)
- لا يُغْتَاب: نباید غیبت کند (این فعل امر غایب است و با «نباید» ترجمه می‌شود!) ← رد سایر گزینه‌ها!
- بعضكم بعضًا: بعضی از شما دیگری را ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)

**۱۰۵۹- گزینه ۳ نکات مهم:**

- یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید ← رد گزینه (۴)
- لا يسخر: نباید مسخره کند (امر غایب است و با «نباید» ترجمه می‌شود!) ← رد گزینه (۲)
- قوم من قوم: قومی، قوم دیگر را ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)
- عسى: شاید ← رد گزینه (۱)
- خیرًا: بهتر ← رد گزینه (۱)
- منهم: از آن‌ها ← رد گزینه (۲)

**۱۰۶۰- گزینه ۴ نکات مهم:**

- لا يُغْتَاب: نباید غیبت کنید (امر غایب است و با «نباید» ترجمه می‌شود). ← رد گزینه (۳)
- يحب: دوست دارد ← رد سایر گزینه‌ها
- أحدكم: کسی از شما ← رد گزینه‌های (۱) و (۲)
- أن يأكل: بخورد ← رد سایر گزینه‌ها! 😊
- أخيه ميتًا: برادر مردانش ← رد گزینه‌های (۱) و (۲)

**۱۰۶۱- گزینه ۲ نکات مهم:**

- ينس العمل: کار بدی است، بد کاری است.
- التنازع: التنازع: به یکدیگر لقب‌های زشت دادن ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)
- يكره: ناپسند شمرده می‌شود (فعل مجهول است). ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)
- لذي: نزد ← گزینه (۱): ترجمه‌اش نکرده، گزینه (۳): اشتباه ترجمه کرده و گزینه (۴): نیز ترجمه‌اش نکرده.
- تسمية: نامیدن ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)
- الأسماء القبيحة: اسم‌های زشت (معرفه است). ← رد گزینه (۴)

۱۰۶۲ - گزینه «۳» نکات مهم:

- لا تجسوسوا جاسوسی نکنید / فعل نهي است. «معنای باید» ندارد! — رد گزینه‌های (۱) و (۲)
- يُسْتَب: سبب می‌شود (لغائاب است). — رد گزینه (۲)
- كِبائر الذنوب: گناهان بزرگ، گناهان کبیره («بسیار» لازم نیست). — رد گزینه (۴)
- آلتی: که (باید ترجمه شود!) — رد گزینه (۲)
- لن یغفر: نخواهد آمرزید — رد گزینه (۱)

۱۰۶۳ - گزینه «۳» بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): أعلم الناس:

- داناترین مردم; من: خبر است و جمله باید به صورت مبتدا و خبر ترجمه شود: ترجمه درست: «داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خویش بیفزاید.» / گزینه (۲): شَرٌّ: در این جا معنی «شرّ» و «بدی» دارد; ترجمه درست: «بگو به پروردگار سپیده‌دم پناه می‌برم از شرّ آن چه آفریده است.» / گزینه (۴): سَكِينَةٌ: آرامش خود را - رسول: فرستاده / ترجمه درست: «پس خداوند، آرامش خود را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان، نازل کرد!»
- بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): شهوة: فاعل است و عَقَلَ مفعول، بنابراین ترجمه درست به این صورت است: «کسی که شهوتش بر عقلش غلبه کند، پس او از چارپایان بدتر است!» / گزینه (۲): أكبر القیب: «بزرگ‌ترین عیب» - «هم» اضافه است: ترجمه درست: «بزرگ‌ترین عیب این است که از آن چه همانندش در خودت هست، عیب‌جویی نمایی!» / گزینه (۴): تواب: بسیار توبه‌پذیر (اسم مبالغه است.)؛ ترجمه درست: «تقوای خدا پیشه کنیدی، زیرا خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است!»

۱۰۶۵ - گزینه «۱» در این گزینه، ساء فعل و حُلُق فاعل آن است، بنابراین «بداخلاق» ترجمه درستی نیست! در ضمن عَدَبَ فعل متعدی و به معنی «عذاب می‌دهد» است.

ترجمه درست: «هر کس اخلاقش بد باشد، خودش را عذاب می‌دهد.»

۱۰۶۶ - گزینه «۳» نکات مهم:

- قد نعیب: گاهی عیب می‌گیریم (فعل مضارع است و «قد» قبل از آن «گاهی» ترجمه می‌شود). — رد گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳)
- بما فینا مثله: از آن چه همانندش در خودمان هست — رد گزینه‌های (۲) و (۴)
- من شرّ الأعمال آلتی: از بدترین کارهایی که (شرّ در این جا اسم تفضیل است، «آلتی» باید ترجمه شود). — رد سایر گزینه‌ها! 😊

۱۰۶۷ - گزینه «۱» نکات مهم:

- قد یجعل: گاهی قرار می‌دهد (فعل مضارع است و «قد» قبل از آن معنی «گاهی» می‌دهد). — رد سایر گزینه‌ها 😊
- کُتبا نکره: آن را ناپسند می‌شمریم (کان + فعل مضارع = ماضی استمراری) — رد سایر گزینه‌ها 😊
- در گزینه (۴)، تغییرات و جابه‌جایی در اجزای جمله اتفاق افتاده و معنا عوض شده!

۱۰۶۸ - گزینه «۴» نکات مهم:

- من یهض: هر کس برخیزد (فعل بعد از «من» اگر آخرش ساکن باشد مضارع التزامی ترجمه می‌شود). — رد گزینه (۲)
- لیحلّ: تا حل کند (یعنی «تا» می‌دهد). — رد سایر گزینه‌ها!
- جیران: همسایگان (جمع جاز است). — رد گزینه (۲)
- یعتبر: به حساب می‌آید، شمرده می‌شود (فعل مجهول است). — رد سایر گزینه‌ها! 😊

- من: از (باید ترجمه شود!) — رد گزینه (۱)
- خیر عباد الله: بهترین بندگان خدا — رد گزینه (۲)

۱۰۶۹ - گزینه «۱» نکات مهم:

- قد اُكذّ: تأکید شده است (فعل ماضی که با حرف ضمّه‌دار شروع شده حتماً مجهول است، در ضمن نباید مضارع ترجمه شود!) — رد گزینه‌های (۲) و (۳)
- أن نُحسّن: که نیکو گردانیم (صیغه للمتكلم مع الغير از حَسَن، يُحسّن، تحسین است!) — رد گزینه‌های (۲) و (۴)
- حُلُقنا: اخلاقمان را (مفعول نُحسّن است!) — رد گزینه‌های (۲) و (۴)
- یؤتّر: اثر می‌گذارد (باید به صورت فعل مضارع ترجمه شود نه مبتدا و خبر!) — رد گزینه (۲)
- أكثر ممّا تنصّر: بیشتر از چیزی که تصور می‌کنیم — رد سایر گزینه‌ها!
- دقت کنید در گزینه‌های (۲) و (۴) یک ضمیر «ش» اضافه آمده!

۱۰۷۰ - گزینه «۲» نکات مهم:

- لا تُسخر: من: مسخره نکن (فعل نهي است و معنی «نباید» ندارد). — رد گزینه (۱) و گزینه (۴) هم گفته «اقدام نکن» که معادلی در عبارات عربی ندارد!
- عُیوب شخصی: عیب‌های کسی — رد گزینه‌های (۱) و (۳)
- لِأَنّ: زیرا، چون که، چه - — رد گزینه‌های (۳) و (۴) که ترجمه‌اش نکرده‌اند.
- قد یدور: گاهی می‌چرخد (قد قبل از فعل مضارع، «گاهی» ترجمه می‌شود). — رد گزینه‌های (۱) و (۳)
- اللّهُ: روزگار — رد گزینه (۳)
- أنت تُصیب: تو دچار می‌شوی — (فعل مضارع است). — رد گزینه‌های (۱) و (۳)

- ینفس العیوب آلتی: به همان عیب‌هایی که — رد سایر گزینه‌ها! 😊
- کُنّت تُسخر: مسخره می‌کردی (کان + فعل مضارع = ماضی استمراری) — رد گزینه‌های (۳) و (۴)

۱۰۷۱ - گزینه «۱» نکات مهم:

- «جاسوسان» و «برای کشف اسرار» در همه گزینه‌ها یک‌جور و درست ترجمه شده‌اند. 😊
- کشور ما: بلادنا (قبلیش به «فی» احتیاج نداریم!) — رد گزینه‌های (۲) و (۴)
- تلاش خواهند کرد: چون فعل مستقبل است، پس حتماً «سَه» یا «سوف» قبلیش باید باشد (رد گزینه ۴)؛ فعل اگر در ابتدای جمله بیاید مفرد و اگر نه، باید به صورت جمع باشد! — رد گزینه (۳)
- اجازه نمی‌دهیم: لا نسمح (فعل مضارع منفی است). — رد گزینه (۲)

۱۰۷۲ - گزینه «۲» نکات مهم:

- نصیحت می‌کند: اگر مذکر باشد یُنصَح و اگر مؤنث باشد تُنصَح — رد گزینه (۲)
- معلّم زبان عربی: معلّم اللّغة العربیة (مذکر) / معلّمة اللّغة العربیة (مؤنث) — رد گزینه‌های (۲) و (۳)
- می‌گوید: یقول / تقول — رد گزینه (۲)
- کسانی که: الذّین (مذکر) / اللّاتی (مؤنث) / من: هر سه این‌ها درست هستند؛ نکته، این جاست که با توجه به عبارت فارسی بعد از این ۳ کلمه هر فعلی که استفاده شود، باید جمع باشد. — رد گزینه (۱)
- دقت کنید بعد از الذّین و اللّاتی (که اسم‌های موصول هستند) فعل مضارع بدون هیچ تغییری می‌آید و در گزینه (۳) دلیلی برای حذف «ن» از آخر فعل‌ها نداریم و غلط هستند.
- در زندگی: فی الحیة — گزینه (۲) اشتباه ترجمه کرده، گزینه (۳) یک ضمیر «هم» اضافه آورده.



۱۰۷۳- گزینه ۲ نکات مهم:

- تلاش: المحاولة / السعي. هیچ ضمیری لازم نیست بهش بچسبید! ←  
رد گزینه (۳)
- کشف رازهای مردم: کشف أسرار الناس، دقت کنید که «کشف» و «أسرار» هر دو به اسم بعد از خود اضافه شده‌اند، بنابراین نباید «ال» داشته باشند.  
← رد گزینه‌های (۳) و (۴)

- رسوا کردن آن‌ها: فضحهم، ضمیر «هم» باید بیاید ← رد گزینه (۱)
- اخلاق زشت: موصوف و صفت است پس هر دو باید «ال» بگیرند ←  
رد گزینه (۱)

۱۰۷۴- گزینه ۱ خطاهای سایر گزینه‌ها:

- خطا (۲): عیب ← عیوب (باید جمع بیاید) / گزینه (۳): علیم ← أعلم (چون گفته «آگاه‌تر» یعنی اسم تفضیلیه) / گزینه (۴): تُحَسَّنُ ← حَسَنَت (دقت کنید که نیکو گردانیدی، ماضیه، نه مضارع).

۱۰۷۵- گزینه ۴ در گزینه (۴) برای گفتن «چه بد است» در عربی

- از «بئس» استفاده می‌کنیم یعنی: بئس المُنُّ بعدَ القيام بأمر! جمله‌ای که در این گزینه نوشته شده به این معناست: «منت گذاشتن بعد از انجام کاری، از کارهای بد است!»

۱۰۷۶- گزینه ۳ بررسی گزینه‌ها:

- گزینه (۱): قد شاهدنا ← قَدْ شَاهَدَ (فعل ماضی نیست که!)؛ تجسسوا ← يتجسسون (این هم باید مضارع باشه!) / گزینه (۲): «برخی از مردم» در این عبارت ترجمه نشده؛ «دیگران» ترجمه نشده؛ التجسس: باید به صورت فعل بیاید؛ لِيُفْضَحُوا یعنی «تا رسوا کنند» که مطابق عبارت نیست و باید به صورت «لِيُفْضَحَهُمْ» باشد! / گزینه (۴): «برخی از» در ترجمه عربی نیامده؛ حَتَّى يُفْضَحَهُمْ یعنی «تا آن‌ها را رسوا کنند» که مطابق با عبارت فارسی نیست.

۱۰۷۷- گزینه ۱ خطاهای سایر گزینه‌ها:

- گزینه (۲): «الأعمال السَّيِّئَة» یعنی «کارهای بد»، ولی عبارت فارسی گفته «بدترین کارها» که می‌شود «شَرُّ الأَعْمَالِ»؛ ضمیر «مان» در «برادر مرده‌مان» در ترجمه عربی در نظر گرفته نشده، یعنی: الأخ الميت ← أخینا مَيِّتًا، أخینا الميت / گزینه (۳): در این گزینه بین بخش‌های جمله جابه‌جایی وجود دارد که باعث تغییر در ایجاد معنا شده. ترجمه این عبارت این است: «همانا اسلام غیبی را به خوردن گوشت برادر مرده‌مان تشبیه کرده و این از بدترین کارهاست!»

- گزینه (۴): در این گزینه هم جابه‌جایی‌ها، معنای جدیدی ایجاد کردند و فعل «تَعْتَبِرُ» هم معادلی در عبارت فارسی ندارد. ترجمه این عبارت: «غیبتی که به خوردن گوشت برادر مرده‌مان تشبیه می‌شود، از کارهای بد محسوب می‌شود!»

۱۰۷۸- گزینه ۴ نکات مهم:

- بیشتر مردم: أكثر الناس (باید از اسم تفضیل استفاده کنیم!) ←  
گزینه‌های (۱) و (۳)
- در جمع: في الجماعة (عند یعنی «نزد») ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)
- ناپسند می‌شمارند: يكرهون ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)

۱۰۷۹- گزینه ۴ نکات مهم:

- من باید: برای ساختن «باید» در عربی، چند روش داریم: يَجِبُ عَلَيَّ + اسم یا ضمیر؛ مثل گزینه (۱)، عَلَيَّ + اسم یا ضمیر؛ مثل گزینه‌های (۲) و (۴)، لِ + فعل مضارع مجزوم، مثل گزینه (۳)؛ بنابراین همه گزینه‌ها «من باید» را درست ترجمه کرده‌اند.

- دور کنیم: أبعَد. دقت کنیم که این فعل متعدی است و باب افعال از این ریشه معنای متعدی دارد، أبعَدَ (باب افتعال) یعنی «دور می‌شوم» و صحیح نیست ← رد گزینه‌های (۱) و (۲)

- خودم: نفسي (باید در ترجمه بیاید) ← رد گزینه (۱)
- بزرگ‌ترین گناهانی: أكبر ذنوب ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)

۱۰۸۰- گزینه ۴ ترجمه و مفهوم عبارت:

- «خداوندا، همان‌طور که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، اخلاقم را نیز نیکو نما!»  
این عبارت در واقع به صورت زیبا و سیرت زیبا در کنار هم اشاره دارد که فقط با گزینه (۴) هم‌معنا نیست که می‌گوید: هرچه از یار رسد نیکوست حتی اگر دشمنان باشد!

۱۰۸۱- گزینه ۴ ترجمه گزینه (۴):

- «چه‌بسا سکوت از سخن راست‌تر است» معنی‌اش واضح‌تر و روان‌تر است. مثل صدف باید سکوت کنی و در مواقع لزوم حرف بزنی، لونم حرف‌هایی ارزشمند مثل مروارید!

- بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند» یعنی باید عیب‌های همدیگر رو دوستانه و مانند هدیه به همدیگر بگیریم، اما شعر فارسی می‌گوید: «اول خودت و عیب‌های خودت رو ببین، بعد به عیب‌های بقیه بپرداز!» / گزینه (۲): «بدترین مردم، [انسان] دورو است» شعر فارسی اما می‌گوید: «نیت و باطن آدم‌ها باید شریف و سالم باشه و نمی‌شه از روی ظاهر یا لباس، آدم‌ها رو قضاوت کرد!» / گزینه (۳): «آلوده شدن به گناه بعد از ایمان، گناه بدی است» شعر فارسی اما می‌گوید: اگر گناهکار باشی ولی در دلت از خدا بترسی بهتره تا عبادت و پارسایی‌ات رو به رخ دیگران بکشی!

۱۰۸۲- گزینه ۴ ترجمه و مفهوم گزینه (۴):

- «داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خود بیفزاید.» «دعوت به آموزش مردم با آن‌چه می‌آموزیم» عبارت درباره‌ی اینه که از علم دیگران هم استفاده کنیم و خودمون را داناتر و آگاه‌تر کنیم، نه این‌که به دیگران آموزش بدیم!  
بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه (۱): «بندگان خداوند رحمان کسانی هستند که بر روی زمین با فروتنی راه می‌روند» دوری از خودپسندی. / گزینه (۲): «و با آنان با روشی که بهتر است استدلال کن.» موعظه و گفت‌وگو با دشمنان با کلامی نیکو! / گزینه (۳): «کسی که اخلاقش بد باشد خودش را عذاب می‌دهد» دعوت به اخلاق نیکو

۱۰۸۳- گزینه ۲ ترجمه عبارت:

- «خودپسندی صفت نکوهش‌شده‌ای است؛ پس از آن دوری کنید» مفهوم عبارت واضح!

معنای گزینه‌ها:

- گزینه (۱): انسان‌های بزرگ خودبین نیستند، و خدانشناسی را نمی‌توانی در انسان‌های خودپسند پیدا کنی!
- گزینه (۲): کسی که افراط و تفریط دارد به نتیجه نمی‌رسد؛ اما کسی که با آرامی و پیوسته حرکت کند، موفق می‌شود.
- گزینه (۳): خداوند تو را از خاک آفریده؛ پس مانند خاک فروتن باش!
- گزینه (۴): انسان فروتن انتخاب‌های هوشمندانه‌ای می‌کند و هر چه پر بارتر باشد تواضعش بیشتر است!

۱۰۸۴- گزینه ۱ ترجمه و مفهوم عبارت:

- «بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه در خودت مثل آن هست را عیب‌جویی کنی!» که با گزینه (۱) هم‌مفهوم است که می‌گوید: «چرا مرا نصیحت می‌کنی، اول باید خودت را یک نصیحت درست و حسابی بکنی!»

معنی و مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): اگر آینه (منظور دیگران است) عیب تو را با صداقت و درستی بیان کرد، به جای این که آینه را بشکنی و ناراحت شوی، خودت را اصلاح کن!  
گزینه (۳): با انسان‌های بد رفت‌وآمد نکن که درمانده می‌شوی، چون نفس انسان اثرپذیر است!  
گزینه (۴): بیا تا از همدیگر عیب‌پوشی کنیم و آبروی یکدیگر را نبریم و غیبت نکنیم!

۱۰۸۵- گزینه ۱»

ترجمه عبارت: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید از خودپسندی دور شوید!» صورت سؤال می‌گه این عبارت، ما رو به چه چیزی تشویق می‌کنه؟ با توجه به معنی، داره از خودپسندی دورمون می‌کنه، پس یعنی داره به تواضع دعوتمون می‌کنه!

ترجمه گزینه‌ها:

گزینه (۱): تواضع / گزینه (۲): صداقت / گزینه (۳): خوش گمانی / گزینه (۴): ادای امانت

۱۰۸۶- گزینه ۲»

«آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ پس از آن بدتان می‌آید!» این آیه، ما را از «غیبت کردن» منع می‌کند.

۱۰۸۷- گزینه ۲»

ترجمه: «دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.» این عبارت با گزینه (۲) هم‌مفهوم است که می‌گوید: «اگر لسان دانا و خردمند به تو زهر داد بخور و به او اعتماد کن، اما اگر نادان به تو شیرینی داد، قبول نکن!» معنای سایر گزینه‌ها بسیار واضح است و با عبارت مورد نظر فاصله زیادی دارند.  
در گزینه (۲) لُله ترجمه نشده و در ضمن هیچ کلمه‌ای که معادل «چون» باشد در عبارت عربی نیست. ترجمه درست این عبارت این چنین است: «ما برای خداوند نماز می‌خوانیم در حالی که از او یاری الهی را خواستاریم!»

۱۰۸۹- گزینه ۱»

نکات مهم:  
• آساءك: به تو بدی کرد ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)  
• مروءتك الیه: جوانمردیت به او، مروءت به او ← رد سایر گزینه‌ها!  
• لا تخبر: باخبر مکن ← رد سایر گزینه‌ها!  
• ما فعل بك: آن چه با تو کرده است ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)  
• حتی لا تزول: تا از بین نرود ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)

۱۰۹۰- گزینه ۱»

نکات مهم:  
• عباد: بندگان (عباد جمع عبد است نه جمع «عابد: عبادت‌کنندگان»!)  
← رد گزینه‌های (۲) و (۳)  
• الذین: کسانی که ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)  
• الأرض: زمین (نه کره زمین!) ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)  
• هوناً: به آرامی، آرام ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)

۱۰۹۱- گزینه ۱»

نکات مهم:  
• الغد المضي: «فردای روشنی‌بخش» (معرفة است و نباید نکره ترجمه شود، در ضمن موصوف و صفت است و نباید به صورت یک جمله مجزا ترجمه شود) ← رد سایر گزینه‌ها!  
• يعرف: می‌شناسد، بشناسد ← رد گزینه (۲)  
• ينتفع به: از آن سود ببرد ← رد سایر گزینه‌ها!  
• اليوم: امروز (نه امروزش!) ← رد گزینه (۳)  
• بأحسن وجه: به بهترین وجه، به بهترین صورت ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)  
• در ضمن گزینه (۴) کلاً اسلوب جمله را به هم ریخته و غلط است!

۱۰۹۲- گزینه ۲»

کلمات مهم:

• أعرض: روی برگردان ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)  
• هوی: هوی، خواهش (مفرد است) ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)  
• نفس: نفس، خود (نفسانی ترجمه دقیقی نیست) ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)

• حتی لا یصل: تا نرسد (متعدی نیست!) ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)

• ضرورة: ضرورت، زیان آن (مفرد است) ← رد گزینه (۴)

۱۰۹۳- گزینه ۲»

در این گزینه رأیت و ایزاداً هر دو ماضی هستند و به اشتباه مضارع ترجمه شده‌اند. ترجمه درست عبارت: «توجه (اشتیاق) فرزندانمان را به تلویزیون دیدم که زیاد شده است!»

۱۰۹۴- گزینه ۳»

نکات مهم:

• الأفضل للطالب: بهتر است برای دانش آموز (الأفضل اسم تفضیل است، در ضمن به وجود حرف «لیه» قبل از الطالب توجه کنید!) ← رد سایر گزینه‌ها!

• أن ینتخب: که انتخاب کند ← رد گزینه (۲)

• بدقة: با دقت! «دقیق» و «دقیقاً» نداریم! ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)

• حتی لا یندم: تا پشیمان نشود ← رد سایر گزینه‌ها!

• فی المستقبل: در آینده ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)

۱۰۹۵- گزینه ۱»

کلمات مهم:

• قد تعلمت: یاد گرفتم (که ماضی و للمتكلم وحده است) ← رد سایر گزینه‌ها!

• أن لا أعجل: که عجله نکنم ← رد سایر گزینه‌ها!

• معاتبه: سرزنش کردن ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)

• أحد: کسی، شخصی ← رد سایر گزینه‌ها!

• بذنب از تکبیه: به خاطر گناهی که مرتکب شده ← رد سایر گزینه‌ها!

• أراد: بخواهد ← رد گزینه (۴)

• أن یغفر ذنبه: گناهش را ببامزد، از گناه او درگذرد ← رد سایر گزینه‌ها

۱۰۹۶- گزینه ۴»

نکات مهم:

• زینوا: بیارابید (متعدی است) ← رد سایر گزینه‌ها!

• ما یلیق لآخر تکم: آن چه شایسته آخرتتان است ← رد گزینه‌های (۲)

• و (۳)!

• من الدنيا: از دنیا، از خود دنیا (چون قبیلش هم به الدنيا اشاره کرده، می‌توانیم از ضمیر «خود» استفاده کنیم) ← رد گزینه (۱)

• مادامت الفرصة باقیه لکم: تا فرصت برایتان باقی است ← رد سایر

گزینه‌ها!

۱۰۹۷- گزینه ۲»

نکات مهم:

• شعرت: احساس کردم ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)

• یقهقه: قهقهه می‌زند (مضارع است) ← رد سایر گزینه‌ها!

• یسخر متی: مرا مسخره می‌کند (این هم مضارع است) ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)

• عند عصیان رتی: هنگام نافرمانی از پروردگارم، وقتی از پروردگارم نافرمانی

می‌کنم ← رد گزینه (۱)!

۱۰۹۸- گزینه ۳»

نکات مهم:

• یجب أن ننظر: باید بنگریم! ← رد گزینه (۱) (به دلیل اضافی بودن

«فقط»)

• و گزینه (۲)

• حتی نغفل ← تا غافل شویم ← رد گزینه‌های (۱) و (۲)

- من بنظر: کسی که بنگرد، کسی که نگاه کند ← رد گزینه (۱)
- بُئَسَ: فراموش می‌کند (فعل مضارع است!) ← رد سایر گزینه‌ها! 😊
- در ضمن سایر گزینه‌ها غلط‌های واضح دیگری نیز دارند.

- ۱۰۹۹- گزینه «۳» بعد از اسم اشاره، اگر اسم ال داری بیاید، باید اسم اشاره را مفرد ترجمه کنیم، یعنی ترجمه درست این عبارت، این جور است: «مردم گناه می‌کنند و عده کمی از این گناهکاران توبه می‌کنند»

۱۱۰۰- گزینه «۴» کلمات مهم:

- أفضل: برترین، بهترین ← رد گزینه (۲)
- من: کسی که (آن است غلطه!) ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)
- بیدا: بیدارزد ب... شروع کند به... ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)
- تأدیب نفسه: ادب کردن خودش ← رد گزینه (۱)
- قبل تأدیب غیره: قبل از تأدیب دیگری ← رد سایر گزینه‌ها! 😊

۱۱۰۱- گزینه «۱» خطاهای سایر گزینه‌ها:

- گزینه (۲): ضمیر «ه» در مفاقه و مائه ترجمه نشده - فعل‌های جمله، مضارع هستند و به غلط ماضی ترجمه شده‌اند؛ ترجمه درست: «و در این دنیا مقامش او را سرگرم نمی‌کند و مالش او را مغرور نمی‌کند».
- گزینه (۳): يعظم: مضارع است نه ماضی! عظیم: مجهول نیست! والله فاعلش! ترجمه درست: «و خدا را بزرگ می‌دارد، همان‌طور که خدا او را بزرگ داشته است»
- گزینه (۴): مات: فعل است نه اسم! انیس: یعنی مونس او! ترجمه درست: «و این‌گونه هنگامی که بمیرد، رسول خدا ﷺ مونس او می‌باشد».

۱۱۰۲- گزینه «۱» کلمات مهم:

- لا تحزنوا: غم نخورید، غمگین مباشید (معنی «هرگز» یا «هیچ‌گاه» در آن نیست!) ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)
- أعلى: درجه: برترین مرتبه، بالاترین مرتبه (درجه مفرد است.) ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
- ان: اگر ← رد گزینه (۴)، در ضمن در گزینه (۴) «تازمانی که» اضافه است!

۱۱۰۳- گزینه «۳» اکبر (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) اسم تفضیل است و

شاهدت یعنی «دیدم» نه «شناختم»!

ترجمه درست عبارت، چنین است:

«این دو شهر، بزرگ‌ترین شهرهایی هستند که آن‌ها را دیده‌ام»

۱۱۰۴- گزینه «۴» بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه (۱): نعم: یعنی «خوب است» نه «بهترین»!
- ترجمه درست: «قدرت خوبی است غرور در برابر ستمگران!»
- گزینه (۲): بُئَسَ: بد است، الآخرین: دیگران.
- ترجمه درست: «خصلت بدی است که از دیگران در نمی‌گذری»!
- گزینه (۳): حیاتی: زندگی من - الکوکب: ستاره
- ترجمه درست: «ستاره خوبی است، ستاره سعادت من در آسمان زندگی‌ام»

۱۱۰۵- گزینه «۴» کلمات مهم:

- معلمهم: معلمشان، معلم خود (معلم مفرد است.) ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
- أن ینصحهم: که آن‌ها را نصیحت کند (فعل و مفعولش هستند.) ← رد سایر گزینه‌ها! 😊
- کلمات قیمه (نکره است): کلماتی ارزشمند ← رد گزینه‌های (۱) و (۲)!
- تفیدهم: که برای آن‌ها مفید باشد (یک جمله کامل است.) ← رد سایر گزینه‌ها! 😊

۱۱۰۶- گزینه «۳» بررسی گزینه‌ها: گزینه (۱): در اسلوب جمله

تغییراتی ایجاد شده که معنای متفاوتی ایجاد کرده. ترجمه این عبارت این است: «کسی که کارش را هنگامی که نمی‌داند اشتباه است ترک نمی‌کند، او توبه‌کننده است!» / گزینه (۲): في النهاية یعنی «در نهایت» ولی توی عبارت فارسی داریم: «برای همیشه» که می‌شه «الی الأبد» / گزینه (۳): کاملاً صحیح است و جمله را به صورت «مؤنث» ساخته است. / گزینه (۴): إنما یعنی «فقط» و معادلی در عبارت فارسی ندارد! عَرَفَ هم یعنی «شناخت».

۱۱۰۷- گزینه «۱» نکات مهم:

- عیوب دیگران: عیوب الآخرین ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)
- عیب‌های خود: عیوب أنفسنا: رد سایر گزینه‌ها! 😊
- غافل می‌شویم: نغفل ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)

۱۱۰۸- گزینه «۴» بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): أخیل من الکلام: یعنی «خجالتی‌تر از حرف» و غلطه! / گزینه (۲): هناك یعنی «وجود دارد» و معادلی در عبارت فارسی ندارد! / گزینه (۳): «و هي المملوءة...» یعنی «در حالی که پر از سروصداست»، ولی طبق عبارت فارسی باید به صورت صفت «دنیا» بیاید. / گزینه (۴): کاملاً درسته! برای ساختن ترکیب «خجالتی‌ترین حرف» باید از اسم تفضیل استفاده کنیم که به درستی در این گزینه ساخته شده: أخیل کلام.

۱۱۰۹- گزینه «۱» نکات مهم:

- بزرگ‌ترین شاعران: اکبر شعراء، اعظم شعراء (ترکیب باید اسم تفضیل + اسم جمع باشد.) ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
- بود: کان ← رد سایر گزینه‌ها! 😊
- شعر می‌گفت: فعل ماضی استمراریه! که در عربی از کان + فعل مضارع ساخته می‌شه. پس می‌شه کان ینشد، که یک کان در اول جمله داریم، بنابراین همون کافی ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)!

۱۱۱۰- گزینه «۴» نکات مهم:

- بیشتر حیوانات: اکثر الحيوانات (کثیر من) یعنی «بسیاری از» ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
- سازگار کرده‌اند: قد کثفت (فعل ماضی است!) ← رد سایر گزینه‌ها! 😊
- بامحیطی که: مع البيئة التي (فی درست نیست!) ← رد گزینه‌های (۱) و (۲)
- در آن به سر می‌برند: تعیش فیها (باید ضمیر «آن» ترجمه شود، در ضمن فعل مضارع است.) ← رد سایر گزینه‌ها!

۱۱۱۱- گزینه «۳» نکات مهم:

- دوره کردن: مراجعة ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)
- آسان‌ترین راه: أسهل طریق ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)
- یادگیری: تعلم (تعلیم یعنی یاد دادن!) ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)
- در ضمن در گزینه (۲) إنما اضافه است!

۱۱۱۲- گزینه «۲» در این گزینه، اقوی (قوی‌تر، قوی‌ترین)، أرادل

جمع أرذل (پست‌تر، پست‌ترین)، أبعد (دورتر، دورترین) و أشهر (مشهورتر، مشهورترین) همگی اسم تفضیل هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): أحمَر (قرمز) از رنگ‌هاست و اسم تفضیل نیست. أقل (کم‌تر)، أعلى (بالاتر، بالاترین) و أصغر (کوچک‌تر، کوچک‌ترین) اسم‌های تفضیل هستند. گزینه (۳): أسود (سیاه)، أبيض (سفید) و أخضر (سبز) از رنگ‌ها هستند و اسم تفضیل نیستند. خیر اگر به معنی بهتر یا بهترین باشد، اسم تفضیل است. گزینه (۴): أكثر (بیشتر، بیشترین)، أصل (گمراه‌تر، گمراه‌ترین) و أقدم (جلوتر، جلوترین) اسم تفضیل هستند؛ انا أصبَحَ (شد) فعل است.

۱۱۱۳- گزینۀ ۲»

در این گزینۀ اُنْفَى (باتقواتر، باتقواترین)، أَحَبَّ (محبوب‌تر، محبوب‌ترین) و اَعْلَمُ (داناتر، داناترین) همگی اسم تفضیل هستند. بررسی سایر گزینۀها: گزینۀ (۱): اَبْيَضُ (سیاه) از رنگ‌هاست و اسم تفضیل نیست. اَصْفَرُ (کوچک‌تر، کوچک‌ترین) و اَجْوَدُ (بخشنده‌تر، بخشنده‌ترین) اسم‌های تفضیل هستند. / گزینۀ (۳): اَرْحَمُ (مهربان‌تر، مهربان‌ترین) و اَعْلَى (گران‌تر، گران‌ترین) اسم‌های تفضیل هستند. اَرْزُقُ (آبی) از رنگ‌هاست و اسم تفضیل نیست. / گزینۀ (۴): اَشَدُّ (شدیدتر، شدیدترین) و اَكْبَرُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) اسم‌های تفضیل هستند، اما اَصْفَرُ (زرد) از رنگ‌هاست و اسم تفضیل نیست.

۱۱۱۴- گزینۀ ۱»

در این گزینۀ، الأفاضل جمع مكثر الأفضل (برتر) و اسم تفضیل است. بررسی سایر گزینۀها: گزینۀ (۲): الزُّوَارُ جمع مكثر الزائر (اسم فاعل) - مُشْهَدُ (اسم مکان) / گزینۀ (۳): الأَحْمَرُ (قرمز) از رنگ‌هاست. / گزینۀ (۴): الخَيْرُ در این جا به معنی «نیکی» است و اسم تفضیل نیست. در ضمن گفتیم هر جا که کلمۀ خیر با «ال» بیاید، قطعاً اسم تفضیل نیست.

۱۱۱۵- گزینۀ ۳»

در گزینۀ (۳) هیچ اسمی بر وزن مَفْعَلٌ مَفْعَلٌ و مَفْعَلَةٌ وجود ندارد.

در سایر گزینۀها اسم‌های مکان عبارت‌اند از: گزینۀ (۱): مَأْوَا (مأوی) (پناهگاه) / گزینۀ (۲): مَطْعَمٌ (رستوران) / گزینۀ (۴): مَرَقَدٌ (حرم)

۱۱۱۶- گزینۀ ۱»

در گزینۀ (۱) اَعْلَمُ (می‌دانم) فعل است، نه اسم تفضیل. (من آن‌چه را انجام نمی‌دهید می‌دانم) در سایر گزینۀها اسم تفضیل‌ها عبارت‌اند از:

گزینۀ (۲): اَشَدُّ (شدیدتر) / گزینۀ (۳): اَعْلَمُ (عالی‌ترین) / گزینۀ (۴): شَرُّ (بدتر)

۱۱۱۷- گزینۀ ۳»

«خیر» وقتی معنای «بهتر، بهترین» بدهد اسم تفضیل است. معنی گزینۀ: «پس هر کس ذره‌ای نیکی کند، آن را می‌بیند.» در این گزینۀ خَيْرٌ به معنی نیکی است و اسم تفضیل نیست.

ترجمۀ سایر گزینۀها: گزینۀ (۱): بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه دهد. / گزینۀ (۲): و اگر آن‌ها صبر می‌کردند تا به سوی آنان خارج شوی قطعاً برایشان بهتر بود. / گزینۀ (۴): بازمانده خدا (سرمایه و سود حلالی که خدا باقی نهد)، برایتان بهتر است، اگر مؤمن باشید.

۱۱۱۸- گزینۀ ۲»

ترجمۀ گزینۀ: «این دانش آموز (دختر) از نظر عقلی از هم‌کلاسی‌هایش در کلاس بزرگ‌تر است.» گفتیم که اگر اسم تفضیل برای مقایسه استفاده شود بر وزن اَفْعَلٌ و اگر به عنوان صفت استفاده شود، بسته به مذکر یا مؤنث بودن موصوف، بر وزن فَعْلَى یا فَعْلٌ می‌آید. پس در این گزینۀ به جای گِبْرَى باید از اَكْبَرُ استفاده شود.

در سایر گزینۀها اسم تفضیل به درستی به کار رفته است: گزینۀ (۱): اطولُ (طولانی‌ترین) / گزینۀ (۳): اَرْحَضُ (ارزان‌تر) / گزینۀ (۴): الكُبْرَى (بزرگ‌تر)

۱۱۱۹- گزینۀ ۳»

در این گزینۀ اَهْدَى (هدیه کند) فعل است و اسم تفضیل نیست. ترجمۀ عبارت: «بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند»

در سایر گزینۀها کلمات به درستی معرفی شده‌اند: گزینۀ (۱): شَرُّ (بدترین): اسم تفضیل / گزینۀ (۲): مقبرة (آرامگاه): اسم مکان / گزینۀ (۴): المَحْمِلُ (کجاوه): اسم مکان

۱۱۲۰- گزینۀ ۴»

در این گزینۀ اَحْرَ (گرم‌ترین) برای فعل اَقْدَمُ مفعول است. ترجمۀ گزینۀ: «در این جشن، گرم‌ترین تبریکات را به مهمانان تقدیم می‌کنم»

نقش اسم تفضیل در سایر گزینۀها: گزینۀ (۱): اَقْلُ (کم‌ترین): خبر برای مبتدا (القیام) / گزینۀ (۲): اَثْقَلُ (سنگین‌ترین): مبتدا (خبرش: الخلق) / گزینۀ (۳): اَفْضَلُ (بهتر): صفت برای شینأ

۱۱۲۱- گزینۀ ۳»

ترجمۀ گزینۀ: «دشمنی عاقل از دوستی جاهل بهتر است.» خَيْرٌ در این گزینۀ خبر است برای مبتدا (عداوة).

بررسی سایر گزینۀها: گزینۀ (۱): مَفْلُومٌ (مشخص): اسم مفعول و صفت برای رزقُ / گزینۀ (۲): اَوْسَطُ (میانه): اسم تفضیل و مجرور به حرف بِ / گزینۀ (۴): مَكَارِمُ (مکارم) جمع مَكْرَمَةٌ (بر وزن مَفْعَلَةٌ است و اسم مکان نیست). مفعول برای فعل اَتَمَّ

۱۱۲۲- گزینۀ ۲»

ترجمۀ گزینۀ: «بهترین فرزندان کسی است که به والدین خود احترام بگذارد.» در این گزینۀ، أَحْسَنُ اسم تفضیل است. در سایر گزینۀها أحسن فعل است:

گزینۀ (۱): همانا ما ضایع نمی‌کنیم پادش کسی را که کاری را، نیکو کرده است. گزینۀ (۳): نیکی کن، همان‌گونه که پروردگارت به تو نیکی کرد. گزینۀ (۴): جوان نیکی کرد به کسی که به او بدی کرده بود.

۱۱۲۳- گزینۀ ۱»

الأخر (آخر، پایان) اسم فاعل است و الآخر (دیگر) اسم تفضیل. در گزینۀ (۱) الآخرین به معنی آیندگان است و اسم تفضیل نیست: «و برای من در آیندگان یاد نیکو قرار بده.»

ترجمۀ سایر گزینۀها: گزینۀ (۲): تواضع امر زیبایی است که ممکن است در دیگران اثر بگذارد. / گزینۀ (۳): گاهی از آن‌چه در دیگران است عیب‌جویی می‌کنیم و خود آن صفات در ما نیز هستند. / گزینۀ (۴): جاسوسی در کارهای دیگران تلاش زشتی برای کشف اسرار آنان است.

۱۱۲۴- گزینۀ ۲»

ترجمۀ گزینۀ: «چه‌بسا از آن‌ها بهتر باشند.» در این گزینۀ خیر اسم تفضیل است، چون به معنای بهتر است.

بررسی سایر گزینۀها: گزینۀ (۱): هیچ خیری در سخنی نیست، مگر همراه عمل. / گزینۀ (۳): پس شاید از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر بسیاری قرار دهد. / گزینۀ (۴): کلام خیری که فایده برساند بهتر از کتابی است که هیچ فایده‌ای ندارد.

۱۱۲۵- گزینۀ ۴»

ترجمۀ گزینۀ: «بهترین کلام آن است که کوتاه و گویا باشد.» در این گزینۀ، خَيْرٌ اسم تفضیل و مبتدا است.

بررسی سایر گزینۀها: گزینۀ (۱): اَفْضَلُ (برتر): مجرور به حرف جَزْ / گزینۀ (۲): اَكْبَرُ (بزرگ‌تر): خبر / گزینۀ (۳): اَكْثَرُ (بیشتر): فاعل

۱۱۲۶- گزینۀ ۴»

ترجمۀ گزینۀ: «نزدیک‌ترین بندگان به خداوند در روز قیامت، بیشترین آن‌ها از نظر رحمت و کم‌ترین آن‌ها از نظر خشم است.» در این گزینۀ سه اسم تفضیل وجود دارد.

در سایر گزینۀها اسم تفضیل‌ها به شرح زیرند:

گزینۀ (۱): أَحْسَنُ (بهتر) - اَسْلَمٌ در این جا فعل است. (تسلیم کرد)

گزینۀ (۲): خَيْرٌ (بهترین) - اَوْسَطُ (میانه‌ترین)

گزینۀ (۳): اَعْظَمُ (بزرگ‌ترین) - اَشَدُّ (شدیدترین)

۱۱۲۷- گزینۀ ۲»

ترجمۀ گزینۀ: «ممکن نیست که نعمت‌های خداوند بر ما شمرده شوند.» تُعَدُّ فعل مجهول است و «اُنْعَمُ» نایب فاعل آن است.

بررسی سایر گزینۀها: گزینۀ (۱): أَحْسَنُ (نیکوتر): مبتدای مؤخر و فی النسب: خبر مقدم از نوع جار و مجرور / گزینۀ (۳): اَعْجَزُ (عاجزترین): مبتدا و من: خبر / گزینۀ (۴): الأمانة (امانت): مفعول به برای فعل لا يَعْتَقِدُ

۱۱۲۸- گزینۀ ۱»

ترجمۀ گزینۀ: «بیشتر ورزشگاه‌های پیشرفته مجهز به چراغ‌هایی شبانه هستند.» در این گزینۀ اکثر (بیشتر) اسم تفضیل و المَلَابِج جمع مکسر مُلَبَّج (ورزشگاه) اسم مکان می‌باشد.

بررسی سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۲): مَصَانِع جمع مکسر مَصْنَع (کارگاه) اسم مکان است و اسم تفضیل ندارد. / گزینۀ (۳): أَحَقُّ (سزاوارتر) اسم تفضیل است و اسم مکان ندارد. / گزینۀ (۴): در این گزینۀ، اسم مکان وجود ندارد، ولی اسم تفضیل وجود دارد. (أَعْلَى)

۱۱۲۹- گزینۀ ۲»

در این گزینۀ أَحَزُّ (دیگر) اسم تفضیل است و صفت برای سَبَبِ (سَبَبُ أَحَزُّ: دلیلی دیگر).

بررسی سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): خَيْرٌ (بهترین): خبر برای أُنْتُ / گزینۀ (۲): خَيْرٌ (بهتر): خبر برای أَيْلَةُ الْقَدْرِ / گزینۀ (۳): شَرُّ (بدتر): خبر برای هُوَ (در فَهْوُ)

۱۱۳۰- گزینۀ ۳»

ترجمۀ گزینۀ: «فاطمه از نظر سن از دوستش بزرگ‌تر است.» با توجه به این که اسم تفضیل برای مقایسه (در جنس مؤنث) به کار رفته است، باید از وزن أَفْعَل یعنی کلمۀ أَكْبَر استفاده می‌شد. فقط زمانی از اسم تفضیل بر وزن فُعْلَى برای مؤنث استفاده می‌کنیم که صفت باشد.

۱۱۳۱- گزینۀ ۴»

ترجمۀ گزینۀ: «و خداوند بهترین نگه‌دارنده است و او مهربان‌ترین مهربانان است.» در این گزینۀ خَيْرٌ اسم تفضیل است. در سایر گزینۀ‌ها، خبر به معنای «خیر و خوبی» به کار رفته است:

گزینۀ (۱): خوبی تو از دوستانت بیشتر است! / گزینۀ (۲): برایتان در همه اوقات خیر می‌خواهم! / گزینۀ (۳): در سخن پدرم غیر از خوبی ندیدم!

۱۱۳۲- گزینۀ ۳»

مُحَرَّم (حرام‌شده) بر وزن مُفْعَل و اسم مفعول است. مُطَاعِم (رستوران‌ها) جمع مکسر مُطْعَم و اسم مکان است.

خَلَّاق (بسیار خلق‌کننده) اسم مبالغه و بر وزن فَعَال است و حُسْنَى (نیکی‌تر) اسم تفضیل مؤنث و بر وزن فُعْلَى است؛ بنابراین گزینۀ (۳) صحیح است.

۱۱۳۳- گزینۀ ۳»

ترجمۀ گزینۀ: «به خدا پناه می‌برم از شرّ کسی که مرا به گناهان دعوت می‌کند.»

در این گزینۀ، شرّ به معنای «شرّ و بدی» است و اسم تفضیل نیست. در سایر گزینۀ‌ها کلمات زیر اسم تفضیل هستند: گزینۀ (۱): الأفاضل جمع الأفضَل (برتر) / گزینۀ (۲): شرّ (بدترین) / گزینۀ (۴): أَعْنَى (بی‌نیازترین)

۱۱۳۴- گزینۀ ۳»

در این عبارت، فعل ثلاثی مجرد نداریم! اَهْدَى از باب إفعال است.

در ضمن در این عبارت: إِخْوَان جمع مکسر أَخ (برادر) و عِيُوب جمع مکسر عَيْب (نقص) هستند. هم‌چنین خَيْرٌ (بهترین) اسم تفضیل و أَلَى در إِلِيَّكُمْ (به شما) حرف جرّ می‌باشد.

ترجمۀ عبارت: «بهترین برادران شما کسی است که عیب‌های شما را به شما هدیه دهد.»

۱۱۳۵- گزینۀ ۴»

در این آیه هیچ اسمی که بر وزن فاعل یا مَ... -... باشد نداریم؛ پس هیچ اسم فاعلی هم نداریم. ترجمۀ آیه: «با آن‌ها به روشی که بهتر است گفت‌وگو کن. همانا پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شده است داناتر است.»

بررسی سایر گزینۀ‌ها:

گزینۀ (۱): جَادِلٌ + هُمٌ: (با آن‌ها گفتگو کن) فعل متعدّی + مفعول / گزینۀ (۲): أَحْسَنُ (بهتر): اسم تفضیل / گزینۀ (۳): ضَلَّ (گمراه شد): فعل ماضی

۱۱۳۶- گزینۀ ۲»

هر سه کلمه در این گزینۀ مشتق می‌باشند: غَفَّار (بسیار آمرزنده): اسم مبالغه بر وزن فَعَال / مَرْجِعٌ (محل رجوع): اسم مکان بر وزن مَفْعِل / مفاهیم: جمع مکسر مفهوم و اسم مفعول

بررسی سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): مَغْرِب: اسم مکان - حَبَّاز: اسم مبالغه نیست چون بر شغل دلالت می‌کند. - بَحْر: مشتق نیست / گزینۀ (۳): شَمْس: مشتق نیست - مُقَاتِل: اسم فاعل - أَمَّارَة: اسم مبالغه / گزینۀ (۴): أَوْراق: جمع مکسر وَرَق، مشتق نیست - رُتَّان: اسم مبالغه - حَاكِم: اسم فاعل

۱۱۳۷- گزینۀ ۴»

در گزینۀ (۴) تَوَّاب (بسیار توبه‌کننده) و اسم مبالغه است: «خداوند بسیار توبه‌کنندگان و پاک‌کنندگان را دوست می‌دارد.»

بررسی سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): الطَّوَّاهِر: جمع مکسر الطَّاهِرَة و اسم فاعل / گزینۀ (۲): آیام (روزها): جمع مکسر يَوْم - الدَّرَاسَة (درس خواندن): مصدر است و مشتق نیست / گزینۀ (۳): الكُفَّار (کافران): جمع مکسر الکافر (اسم فاعل) - نَافِم (خوابیده) و اسم فاعل

۱۱۳۸- گزینۀ ۴»

در گزینۀ (۴) أَجْمَل به معنای «زیباتر» است: «روستا از شهر بسیار زیباتر است.» ولی در سایر گزینۀ‌ها اسم تفضیل را با پسوند «ترین» ترجمه می‌کنیم:

گزینۀ (۱): درخت سکویا از بلندترین درختان جهان است. گزینۀ (۲): شما بهترین اهتی هستید که برای مردم بیرون شده (پدید آمده) است! / گزینۀ (۳): مفیدترین داروها را برای این بیماری شناختم.

۱۱۳۹- گزینۀ ۳»

در این عبارت، اسم مفعول مزید نداریم: مُضَيِّع (از بین برنده): اسم فاعل مزید المَحْكَمَة (دادگاه): اسم مکان القاضي (قاضی): اسم فاعل مجرد أَكْثَر (بیشتر): اسم تفضیل

۱۱۴۰- گزینۀ ۴»

در گزینۀ (۴) اسم تفضیل مؤنث استفاده شده که غلط است و باید به صورت «أصغر» آورده شود.

در سایر گزینۀ‌ها اسم تفضیل به شکل درست به کار رفته است. در گزینۀ (۱) اسم مکان وجود ندارد. مفتاح (کلید) اسم بر وزن مِفْعَال است و ربطی به وزن‌های اسم مکان ندارد.

۱۱۴۱- گزینۀ ۱»

در سایر گزینۀ‌ها، اسم‌های مکان به صورت زیرند:

گزینۀ (۲): مَتَجَر (مغازه) / گزینۀ (۳): المکتبة (کتابخانه) / گزینۀ (۴): المصانع جمع مکسر المصنَع (کارخانه)

۱۱۴۲- گزینۀ ۴»

در گزینۀ (۴) هذا مبتدا است و خبر آن شارِع است؛ أطول نیز صفت «شارِع» است. به ترجمه دقت کنید: «این خیابان، خیابانی بلندتر از آن خیابان است.»

نقش اسم تفضیل در سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): أُنْفَع (مفیدترین): خبر برای هذه / گزینۀ (۲): أَفْوَى (قوی‌ترین): خبر برای أُنْتُ / گزینۀ (۳): خیر (بهترین): خبر برای شهداؤنا

۱۱۴۳- گزینۀ ۲»

در گزینۀ (۲) الفرض مفعول برای فعل يَغْتَنِم است: «انسان باید فرصت‌ها را در زندگی‌اش مغتنم بشمارد.»

در سایر گزینۀ‌ها نقش کلمات درست است. در گزینۀ (۳) العالی (والا) اسم فاعل و أَكْثَر (بیشتر) اسم تفضیل است.

۱۱۴۴- گزینۀ ۳»

بررسی سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): أَكْثَر (بیشتر): اسم تفضیل؛ اسم فاعل نداریم! / گزینۀ (۲): غَافِل: اسم فاعل و أَحْسَنُ (نیکی کن) فعل امر است و اسم تفضیل نداریم! / گزینۀ (۴): قاطع (قطع‌کننده) اسم فاعل است و اسم تفضیل نداریم.

۱۱۴۵- گزینۀ ۴»

در گزینۀ (۴) اسم مفعول نداریم: مشاورة: مصدر، المُشْفِق: اسم فاعل و الجاهل: اسم فاعل است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): آهازه (بسیار امرکننده): اسم مبالغه / گزینه (۲): العلماء جمع العالم (دانشمند): اسم فاعل / گزینه (۳): المَلْعَب (ورزشگاه): اسم مکان

۱۱۴۶- گزینه ۲»

در گزینه (۲) خَیر به معنی «خیر و نیکی» است؛ پس اسم تفضیل نیست: ترجمه عبارت: «تو گل کردن ما به خداوند در همه کارها برایمان خیر و سعادت را جلب می‌کند.» در سایر گزینه‌ها خیر اسم تفضیل است:

گزینه (۱): «مؤمن قوی نزد خداوند از مؤمن ضعیف بهتر است.»  
گزینه (۳): «کسی که به مادرش می‌داد، ما را به بهترین راه راهنمایی کرد.»  
گزینه (۴): «شاید از چیزی بدتان بیاید، در حالی که آن برای شما بهتر است.»  
در این گزینه، اَحْسِنُ (نیکی کن) فعل امر است

۱۱۴۷- گزینه ۲»

و اسم تفضیل نیست: «به والدین به طور همیشگی نیکی کن!»  
اسم‌های تفضیل در سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): العلیا اسم تفضیل مؤنث است: «سخن خداست که برتر است!» / گزینه (۳): خَیْرُ: «بلبل در بین سایر پرندگان، بهترین صداها را دارد.» / گزینه (۴): شَرُّ: «بدترین دوستان کسی است که در کارها نادان است.»

۱۱۴۸- گزینه ۱»

در گزینه (۱) اسم تفضیل برای مقایسه استفاده شده است؛ بنابراین باید از وزن افعال باشد و به صورت أفضل (بهتر) نوشته شود. در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل به درستی به کار رفته است:  
گزینه (۲): الِکُبْرَى (بزرگ‌تر) / گزینه (۳): اَحْسَنُ (بهترین)، اَنْفَعُ (سودمندترین) / گزینه (۴): اَکْبَرُ (بزرگ‌ترین)

۱۱۴۹- گزینه ۴»

در این گزینه اسم مکان وجود ندارد. دقت کنید که الدنیا اسم تفضیل مؤنث و در لغت به معنی «پست‌تر» است. در ضمن المعاصی جمع المعصیه (مصدر) است و اسم مکان نیست.  
اسم‌های مکان در سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): مَکَان (مکان، جا) / گزینه (۲): مَدْخَلُ (ورودی) / گزینه (۳): مَطَارُ (فرودگاه)

۱۱۵۰- گزینه ۱»

در این گزینه نقش کلمات در جمله، خواسته شده است. «أَحَقُّ» اگرچه اسم تفضیل است، اما از نظر نقش خبر برای «أنا» است. در سایر گزینه‌ها نقش کلمات به درستی آورده شده است.

۱۱۵۱- گزینه ۳»

در این عبارت هیچ اسم مبالغه‌ای نداریم؛ «السَّیَّارَةُ» یعنی «ماشین» به وسیله است و اسم مبالغه نیست.  
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): اسم فاعل: والد - اسم مفعول: محزون (ناراحت) / گزینه (۲): اسم مکان: مَمَرٌ (راهرو) - اسم مثنی: وَالذَّيِّ (والدین)، محزونی / گزینه (۴): اسم مفعول: محزون - اسم مکان: مَمَرٌ  
ترجمه عبارت: «وقتی که به راهرو خانه‌مان رسیدم، پدر و مادرم را از تصادف ماشین ناراحت دیدم.»

۱۱۵۲- گزینه ۳»

در این گزینه، أَجَلٌ (گران قدرتر) اسم تفضیل است  
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): أَجِبٌ (دوست دارم): فعل مضارع از باب افعال / گزینه (۲): آمنا (ایمان آوردیم): فعل - التَّوَابُ (بسیار توبه‌پذیر): اسم مبالغه / گزینه (۴): أَخْرَجَ (خارج کرد): فعل ماضی

۱۱۵۳- گزینه ۱»

خطاهای سایر گزینه‌ها:  
گزینه (۲): اسم فاعل نَفَعٌ: نافع (بر وزن فاعل)  
گزینه (۳): اسم فاعل از باب تفعیل برای علم: مَعْلَمٌ (عَلَّمَ، يُعَلِّمُ، تعلیم)  
گزینه (۴): اسم تفضیل برای صدق: أَصْدَقُ (بر وزن افعال)

۱۱۵۴- گزینه ۳»

در گزینه (۳) کلمات مشتق عبارت‌اند از: مجلس (اسم مکان) - مَعْلَمٌ (اسم فاعل) - حاکماً (اسم فاعل)

در سایر گزینه‌ها تعداد صحیح اسم‌های مشتق به صورت زیرند:

گزینه (۱): ثلاثه: عالم (اسم فاعل) - خَیْرُ (اسم تفضیل) - عابِدُ (اسم فاعل)

گزینه (۲): اثنان: أحلُّ (اسم تفضیل) - أَطِيبُ (اسم تفضیل)

گزینه (۴): اثنان: الدنیا (اسم تفضیل مؤنث) - الآخرة (اسم فاعل)

اسم‌های مشتق عبارت‌اند از: قاطر (اسم فاعل) -

۱۱۵۵- گزینه ۲»

أكثر (اسم تفضیل) بنابراین دو اسم مشتق در آیه وجود دارد.

۱۱۵۶- گزینه ۲»

در گزینه (۲) اسم مشتق وجود ندارد.

اسم‌های مشتق در سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): الأكرم (گرامی‌تر): اسم تفضیل / گزینه (۳): مُخْلِصاً (مُخْلِصٌ): اسم فاعل / گزینه (۴): ذائقة (چشنده): اسم فاعل

۱۱۵۷- گزینه ۴»

اسم مشتق در این گزینه: «الضالِّحین» جمع «الضالِّح» (اسم فاعل) است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): کلام (سخن) مصدر است و مشتق نیست / گزینه (۲): السماوات (آسمان‌ها) جمع السماء و مشتق نیست. / گزینه (۳): جَمالٌ (زیبایی) مصدر است و مشتق نیست.

۱۱۵۸- گزینه ۲»

«المجرب» در گزینه (۲) اسم مفعول و مشتق است که در این عبارت مفعول فعل «جَرَّبَ» است: «کسی که آزموده را تجربه کند، گرفتارِ پشیمانی می‌شود.» در سایر گزینه‌ها اسم‌های مشتق نقش فاعل دارند:

گزینه (۱): المؤمنون (اسم فاعل): فاعل فعل رأی

گزینه (۳): الشعراء جمع الشاعر (اسم فاعل) فاعل فعل استفاد

گزینه (۴): الجاهلون (اسم فاعل) فاعل فعل خاطب

۱۱۵۹- گزینه ۲»

ترجمه عبارت: «درخت نفت درختی است که کشاورزان آن را مانند پرچین دور مزرعه‌هایشان برای محافظت از محصول‌هایشان در برابر حیوانات به کار می‌گیرند.»

المزارعون فاعل یستخدمُ - مزارع مضاف‌الیه و محاصيل نیز مضاف‌الیه است.

۱۱۶۰- گزینه ۲»

سه اسم مشتق در این عبارت وجود دارد:

۱) مکتبه (اسم مکان)، ۲) اکبر (اسم تفضیل)، ۳) مکتبه (اسم مکان)

متن اول

از پدیده‌هایی که جامعه شاهد آن است پدیدهٔ مسخره کردن و ریشخندزدن است. البته موضوع مسخره کردن از زمان قدیم تاکنون بوده است و ما آن را به شکل‌های مختلفی در گذر زمان‌ها شاهد هستیم. به طور مثال برخی از شعرای عرب گاهی خلیفهٔ زمان خود را با شعرهایشان مسخره می‌کردند یا برخی مردم یکدیگر را با تقلید کارها و سخن‌هایشان به صورت نهانی و آشکارا، مسخره می‌کردند یا عیب‌های مردم را با سخنی پنهانی بیان می‌کردند یا به دیگران لقب‌هایی زشت می‌دادند ... اما در دوران کنونی ما مسخره کردن در بین مردم خصوصاً جوانان، در سایت‌های الکترونیکی یا فضاهای مجازی، بیشتر و بیشتر گسترش یافته است. برخی از افراد به دنبال عیب‌هایی در ظاهر افراد یا لباس‌هایشان یا نحوهٔ حرف‌زدنشان می‌گردند تا آن‌ها را در بین دوستانشان پخش کنند.

۱۱۶۱- گزینه ۴»

صورت سؤال: «کدام عبارت در مفهوم با متن ارتباط ندارد؟»

ترجمهٔ گزینه‌ها: گزینه (۲): خوش به حال کسی که عیبش او را از عیب‌های مردم، غافل کند! / گزینه (۴): محبوب‌ترین برادران من کسی است که عیب‌هایم را به من هدیه کند!

توضیح: با توجه به این که موضوع اصلی متن «مسخره کردن و ریشخندزدن به دیگران» است، گزینه (۴) نمی‌تواند با متن تناسب داشته باشد.

۱۱۶۲- گزینه ۴

ترجمه و بررسی گزینه‌ها: گزینه (۱): شاعران در گذشته حاکمان و فرماندهان را با اشعار خود مسخره می‌کردند! (طبق متن، برخی از شاعران این کار را می‌کردند نه همه شاعران!) / گزینه (۲): پدیده مسخره کردن پدیده‌های جدید است، آن را در دوران کنونی خود می‌بینیم! (طبق متن «مسخره کردن» پدیده‌های قدیمی است که از گذشته‌های دور رایج بوده است!) / گزینه (۳): جوانان یکدیگر را بیشتر از دیگران مسخره می‌کنند! (چنین چیزی در متن وجود ندارد!) / گزینه (۴): موبایل همچون وسیله‌ای برای گسترش دادن عیب‌ها شده است!

۱۱۶۳- گزینه ۳

صورت سؤال: «کدام عمل از کارهای زشت به حساب نمی‌آید؟»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): این که مردم را با لقب‌هایی بخوانیم که دوست ندارند! / گزینه (۲): جاسوسی کردن در کارهای دیگران برای مسخره کردن آن‌ها! / گزینه (۳): این که عیب‌های مردم را با کلامی پنهانی به خودشان بگوییم! / گزینه (۴): این که کارهای مردم را در هنگام عدم حضورشان تقلید کنیم تا دوستانمان خوشحال شوند!

توضیح واضح است که گفتن عیب‌های دیگران به خودشان، آن هم به صورت پنهانی نه تنها عمل زشتی نیست، بلکه پسندیده هم هست!

۱۱۶۴- گزینه ۲

خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): مبتدا «شعراء» بعد از «بعض» آمده و مضاف‌الیه است نه مبتدا. / گزینه (۳): مضاف‌الیه (ترکیب «عصرنا الحاضر» یک ترکیب وصفی است، پس «الحاضر» صفت است نه مضاف‌الیه. / گزینه (۴): لازم (فعل «یشاهد» دارای مفعول به است، پس نمی‌تواند لازم باشد) - فاعله ضمیر «ها» (ضمیر «ها» مفعول است نه فاعل!)

۱۱۶۵- گزینه ۲

در این گزینه، «شاهد» بر وزن «فَاعِلٌ» (از باب مفاعلة) است و «مَرَّ» نیز مجرور به حرف جرّ است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «بعض» (مبتدا است برای همین باید ضمه بگیرد) - «الأشخاص» مضاف‌الیه است، پس باید مجرور باشد. / گزینه (۳): «یُسْتَهْزِئُ» (این فعل مضارع باب استفعال است، پس باید به صورت «یُسْتَهْزِئُ» بر وزن «یُسْتَفْعَلُ» باشد) - «تقلید» (مجرور به حرف جر است و باید کسره (ب) بگیرد) / گزینه (۴): «العرب» (مضاف‌الیه و مجرور است پس باید کسره (ب) بگیرد) و «خليفة» (مفعول است و باید منصوب باشد پس فتحه (ع) می‌گیرد)

متن دوم

در روستایی جوانی زندگی می‌کرد که مردم را - از بزرگ و کوچک - مسخره می‌کرد و به نصیحت‌های مادرش توجه نمی‌کرد، که به او می‌گفت: «پسرکم، مردم را مسخره نکن و از این کار زشت دوری کن، زیرا خداوند تو را مجازات می‌کند». پس اگر مردی کم‌شنوا یا کوتاه‌قد را می‌دید، به او می‌خندید یا او را لقبی می‌داد که باعث خشم آن مرد می‌شد. روزی جوان از کنار مردی گذشت که می‌لنگید، پس جوان او را بسیار مسخره کرد تا دوستانش را بخنداند، مرد لنگ به شدت ناراحت شد و او را نفرین کرد. بعد از چند ساعت جوان روی زمین افتاد و مادرش او را به نزد پزشک برد، پزشک پس از معاینه‌اش به او گفت: «پایت به طور عجیبی شکسته است و شاید نتوانی که روی پایت راه بروی یا لنگ‌لنگان راه بروی!» جوان، آن مرد لنگی را که او را مسخره کرده بود، به یاد آورد و به کار زشت خود اندیشید و با خودش گفت: «خداایا، من را از کسانی که به مردم ستم می‌کنند قرار مده، پس به سوی تو توبه می‌کنم و به تو قول می‌دهم که هرگز دیگران را مسخره نکنم.»

۱۱۶۶- گزینه ۴

صورت سؤال: «عنوان مناسب‌تری را برای متن مشخص کن!»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): توبه‌جویان لنگ! / گزینه (۲): توجه‌نکردن به نصیحت مادر! / گزینه (۳): گاهی روزگار انتقام می‌گیرد! / گزینه (۴): سزای کارها! توضیح با توجه به این که درباره «جزای تمسخر و دست‌انداختن دیگران» صحبت شده است. بهترین گزینه، گزینه (۴) است.

۱۱۶۷- گزینه ۲

صورت سؤال: «کدام عبارت با متن تناسب دارد؟» ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): بزرگ‌ترین عیب آن است که عیب‌جویی کنی از آن چه ماندنش در توست. / گزینه (۳): محبوب‌ترین برادران من کسی است که عیب‌های من را به من هدیه کند.

توضیح با توجه به این که در متن جوانی که دیگران را مسخره می‌کرد، دچار غضب خداوند شد، می‌توانیم گزینه (۲) را بهترین گزینه بدانیم.

۱۱۶۸- گزینه ۴

ترجمه گزینه‌ها: (۱): جوان لنگ نصیحت‌های مادرش را قبول نمی‌کرد. (این موضوع برای قبل از لنگ‌شدنش بود و بعد از آن پشیمان شد) / (۲): وقتی که جوان، مرد لنگ را مسخره می‌کرد، روی زمین افتاد. (این اتفاق چند ساعت بعد از مسخره کردن آن مرد لنگ رخ داد) / (۳): جوان تصمیم گرفت از مرد لنگی که مسخره‌اش کرده بود، معذرت‌خواهی کند! (چنین چیزی در متن نیامده است، بلکه فقط آمده است که جوان، توبه کرد!) / (۴): مادر نمی‌توانست که پسرش را از کار زشتش باز دارد!

۱۱۶۹- گزینه ۲

بررسی کلمات: «التاس»: در عبارت «... یسخر التاس» آمده است که «مردم را مسخره می‌کرد» پس «التاس» مفعول به است. / «القیبح»: ترکیب «العمل القبیح» یک ترکیب وصفی است، پس «القیبح» صفت است. / «ذلك»: در عبارت «غضب ذلك الرجل» (خشم آن مرد) «ذلك» مضاف‌الیه است. / «ساق»: در عبارت «انكسرت ساقك» (پایت شکست)، «ساق» فاعل محسوب می‌شود.

۱۱۷۰- گزینه ۲

خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): اسم التفضیل «الأعرج» یا این که بر وزن «أفعل» است، اما چون معنای «عیب» دارد، اسم تفضیل نیست. - الفعل المضارع «تذکر» بر وزن «تَفَعَّلَ» بوده و ماضی از باب «تَفَعَّلَ» است. / گزینه (۳): اسم التفضیل (مانند گزینه ۱) لمللمخاطب «تذکر» صیغه للغائب ماضی است. / گزینه (۴): من باب تفعیل (توضیحات گزینه ۱)

متن سوم

اعتماد به نفس از عناصر مهم در تشکیل شخصیت فرد موفق است. آن باعث می‌شود انسان به نیروی خلاقش، باور پیدا کند و بر سختی‌ها و مشکلاتی که در راهش در آن می‌افتد، چیره شود؛ پس دلیل شکست بسیاری از مردم، عدم اعتماد به خویشتن و ضعف باور به توانایی در کار و موفقیت است. (البته) ما منظورمان از اعتماد به نفس این نیست که انسان، گوشه‌گیر از دیگران و یا مغرور زندگی کند، بلکه قصدمان استقلال شخصی و توانایی قبول مسئولیت است.

۱۱۷۱- گزینه ۱

«از فواید اعتماد به نفس، ..... است.»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): احساس قدرت و توانایی / گزینه (۲): دوری از گوشه‌گیری / گزینه (۳): پرهیز از غرور / گزینه (۴): ایجاد روح ایمان به خدا توضیح در متن به وضوح اشاره شده که انسان با اعتماد به نفس، احساس قدرت و توانایی در کارهایش می‌کند.

۱۱۷۲- گزینه ۴

«از مصادیق ملت‌هایی که به خودشان تکیه می‌کنند (خودشان را باور دارند) .....»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): اقتی است که احساس می‌کند از بهترین ملت‌ها است. / گزینه (۲): جامعه‌ای است که درش را به روی دیگران بسته است. / گزینه (۳): جامعه‌ای است که حقوق دیگران را رعایت نمی‌کند؛ بلکه آن را غصب می‌نماید. / گزینه (۴): اقتی است که جز آن چه خودش می‌کارد، نمی‌خورد و جز از بافته‌های خودش نمی‌پوشد.

**توضیح** اقتی که به خودش تکیه کند، توانایی‌های خودش را باور می‌کند و سعی دارد که نیازهایش را تا حد امکان خودش برطرف کند.  
**۱۱۷۳- گزینه ۱»** گزینه نادرست را مشخص کن.

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): دلایل موفقیت، اکتسابی (به دست آوردنی) نیستند. / گزینه (۲): عدم اعتماد به نفس باعث فرار از مسئولیت می‌شود. / گزینه (۳): اعتماد به نفس گاهی سبب خودبزرگبینی و غرور می‌گردد. / گزینه (۴): زیاده‌روی در اعتماد به نفس سبب گوشه‌گیری از همه مردم می‌شود.  
**توضیح** یکی از دلایل موفقیت، اعتماد به نفس و باور خویشتن است که البته به مرور زمان در طول زندگی به دست می‌آید.

**۱۱۷۴- گزینه ۴»** عبارتی را که با متن تناسب دارد، مشخص کن:  
**بررسی گزینه‌ها:** گزینه (۱): هر کس در کارش تلاش کند، آرزویش را می‌یابد. / گزینه (۲): بی‌تابی در هنگام مصیبت، خود مصیبت دیگری است. / گزینه (۳): هر کس خودش را استخوان قرار دهد، گره‌ها آن را می‌خورند. / گزینه (۴): هر کس به آن چه نزد خودش هست، باور نداشته باشد، به آن چه نزد پروردگارش هم هست، ایمان نمی‌آورد.  
**توضیح** گزینه (۴): تناسب معنایی بیشتری با مضمون متن دارد؛ چون قسمت اول عبارت، به اعتماد به نفس اشاره دارد.

**۱۱۷۵- گزینه ۳»** خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): للمتكلم وحده ← للمتكلم مع الغير - المزيد الثلاثي ← المجرد الثلاثي / گزینه (۲): مبني للمجهول ← مبني للمعلوم (نقص: قصد داریم فعل معلوم است). - نائب فاعله ← فاعله (فعل معلوم فاعل دارد نه نائب فاعل). / گزینه (۴): مزيد ثلاثي من باب افعال ← مجرد ثلاثي

**۱۱۷۶- گزینه ۴»** خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): مبتدأ مؤخر و مرفوع ← صفة ومجرور بالتبعیة الموصوف «الشخصیة» «الشخصیة الناجحة» ترکیب وصفی است. / گزینه (۲): منصوب ← مجرور (چون «الشخصیة» مضاف‌الیه است، صفتش هم باید مجرور باشد). / گزینه (۳): مضاف‌الیه و مجرور و المضاف هو «الشخصیة» ← نعت و مجرور و المنعوت «الشخصیة»

متن چهارم

آن چه در معاشرت می‌خواهی، با لبخندت بخواه. پس آن بهتر از شدت و خشم است. مهربانی مانند جادو در جان‌ها تأثیر می‌گذارد و حالت‌ها را تغییر می‌دهد. پس هر کس آن را برای (به عنوان) وسیله‌ای برای خودش به کار گیرد، می‌تواند شدیدترین سختی‌ها را خوار نماید و به آن چه می‌خواهد برسد (پیروز شود). انسان مهربان در همنشینی‌اش با هموطنانش، می‌تواند بر خرده‌ها چیره گردد (تسلط یابد). (و البته) ما با این سخن قصدمان این نیست که بگوییم که انسان در تمام حالت‌ها نرم (نرم‌خو) باشد، ولی این اخلاق در امور سیاسی به تأمل بیشتری نیاز دارد. چه، گاهی قوی برای شکار ضعیف، لبخند می‌زند.

**۱۱۷۷- گزینه ۴»** «امر شده‌ایم به به کارگیری شیوه ملایمت در

.....»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): رویارویی با قدرتمندان / گزینه (۲): مسائل سیاسی / گزینه (۳): رویارویی با ضعیفان / گزینه (۴): ارتباطات اجتماعی

**توضیح** در متن آمده که «الرفق یؤثر فی النفوس و یغیر الحالات». این عبارت یعنی در کل ارتباطاتمان ملایمت را به کار بگیریم.

**۱۱۷۸- گزینه ۲»** گزینه نادرست را مشخص کن:

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): ملایمت انسان قوی، همیشه نشانه خوبی و بزرگواری او نیست. / گزینه (۲): شیوه ملایمت جز در مسائل سیاسی به سود ما نیست. / گزینه (۳): گاهی ملایمت نیرنگ دشمن است. آن را به کار می‌گیرد تا ما را گول بزند. / گزینه (۴): ملایمت گاهی سگی کشنده می‌گردد که انسان را به کشتن می‌دهد.

**توضیح** در خط انتهایی متن آمده که در مسائل سیاسی، اتفاقاً باید ملایمت، بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

**۱۱۷۹- گزینه ۳»** «کی باید از شیوه ملایمت استفاده کنیم؟»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): هنگامی که تحت تأثیر این اخلاق قرار گرفته باشیم. / گزینه (۲): زمانی که بخواهیم که ضعیفی را شکار کنیم. / گزینه (۳): هنگامی که دانستیم که آن در مخاطب تأثیرگذار است. / گزینه (۴): هنگامی که با قوی روبه‌رو شدیم و از آن ترسیدیم.

**توضیح** به وضوح در متن آمده است که «ملایمت» در انسان‌ها تأثیر مثبت دارد.

**۱۱۸۰- گزینه ۱»** نزدیک‌ترین گزینه به مفهوم متن را مشخص کن:  
 ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): با ملایمت، مار (افعی) از جایش بیرون می‌آید. / گزینه (۲): گاهی سخت‌گیری (شدت) کاری می‌کند که ملایمت نمی‌کند. / گزینه (۳): مؤمن نسبت به مؤمنان مهربان و نسبت به کافران سخت‌گیر است. / گزینه (۴): ملایمت را به کار گیر و سخت‌گیری را رها کن؛ زیرا آن (سخت‌گیری) موجب خسارت می‌گردد.

**۱۱۸۱- گزینه ۴»** خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): فعل منصوب ← فعل، ماضی است نه مضارع و قبل از آن ادات نصب نیامده است. / گزینه (۲): من باب تفعیل ← من باب تفاعل / فعل و فاعله «من» ← فعل و فاعله ضمیر «هو» المستتر «من» که بعد از فعل آمده، حرف است نه اسم! / گزینه (۳): مضارع ← ماضی، متعدی ← لازم

**۱۱۸۲- گزینه ۳»** خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): نكرة ← معرف بالإضافة («أشد» به «المصاعب» اضافه شده) / گزینه (۲): نعت و مجرور ← مضاف الیه و مجرور / گزینه (۴): جامد ← مشتق و اسم تفضیل - نعت ← مضاف الیه